

فهرست مطالب

5	پیشگفتار
7	فصل اول: آینده دیپلماسی
9	گردش شتابان اطلاعات
14	دگرگونی در سازوکارهای دیپلماسی
17	منابع و یادداشت فصل اول
19	فصل دوم: مباحث نظری
19	محیط بین المللی گذشته
22	محیط بین المللی جدید
23	قدرت نرم
24	سیاست دانشمدار
27	محیط بین المللی و مکاتب نظری
36	خلاصه
38	منابع و یادداشت فصل دوم
	فصل سوم: دیپلماسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات
41	ارتباطات
42	دیپلماسی
43	تحولات تکاملی در دیپلماسی
47	دیجیتال دیپلماسی
52	خلاصه
53	منابع و یادداشت فصل سوم
	فصل چهارم: فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه روابط بین الملل
55	روابط بین الملل
56	عرصه جدید
59	جغرافیای جدید جهانی
63	دیپلماسی در عصر اطلاعات
65	آینده دیپلماسی، چالشها و فرصتها

77	دیپلماسی دیجیتال
80	منابع و یادداشت فصل چهارم
83	فصل پنجم: تحولات بین المللی
85	تحدید حاکمیت ها
87	مهاجرت
88	شهروندی جهانی
96	نظام تک قطبی اطلاعات
100	جهانی شدن
104	تعمیم قوانین خارجی و بین المللی به درون مرزها
105	خلاصه
107	منابع و یادداشت فصل پنجم
111	فصل ششم: تحولات کارکردی دستگاه سیاست خارجی
	ورود فن آوری ارتباطات و اطلاعات به عرصه دیپلماسی
113	گسست انحصار اطلاعات روابط خارجی
120	پایان انحصار تماس ها و ملاقات ها
123	ظهور رقبای جدید
127	دیپلماسی متحرک و تخصصی
131	موضوعات جدید و تغییرات روزافزون روشها
135	خلاصه
136	منابع و یادداشت فصل ششم
141	فصل هفتم: ضرورت دیپلماسی دیجیتال
141	اصلاحات در تشکیلات داخلی
145	جایگاه داخلی
146	نقش پذیری فزاینده
147	رویکرد دیجیتالی
147	نتیجه
152	پیشنهاد
157	موخره
159	کتابنامه

ديپلماسي ديڄيٽالي / 3

پیشگفتار:

هر فردی با هر خصیصه روانشناختی، تعلقات اجتماعی و گرایش‌های سیاسی که وارد حرفه دیپلماسی شود نخستین تحول فکری او نگرستن به موضوعات و پدیده‌ها از منظر منافع ملی کشورش می‌باشد. در سرآغاز روابط دیپلماتیک میان کشورها نیز برخورداری از چنین حساسیتی اولین ملاک انتخاب یک فرد به عنوان فرستاده بشمار می‌آید و هم اکنون نیز به قوت خود باقی است.

امروزه در پرتو آموزه‌های علمی و تجارب شغلی، تعقیب منافع ملی، جزلاینفک رویکردهای حرفه‌ای دیپلمات‌هاست بطوریکه یک دیپلمات از لحظه ورود به کشور محل مأموریت همواره در پی کشف ارتباط تمامی مشاهدات و مطالعات از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های کشور پذیرنده با منافع ملی خود می‌باشد و به راهکارهای هدایت آنها بسوی مصالح ملی می‌اندیشد. هرچند گزارش تحولات علمی و انتقال اخبار علوم و فنون جزء وظایف متداول سفارتخانه‌هاست با این حال کنجکاوی‌های مبتنی بر حساسیت یاد شده با برجاست. برای نگارنده نیز بعنوان یک دیپلمات در دوران مأموریت در کشور سوئد مشاهده دست‌آوردهای علمی آن کشور بویژه در زمینه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و بیوتکنولوژی و تمرکز طرح‌های تحقیقاتی این کشور برای قرن بیست و یکم پیرامون این موضوعات با این سوال همیشگی حرفه دیپلماسی همراه بود که "چگونه می‌توان از تجارب گذشته، فناوری کنونی و از همه مهمتر از جهت‌گیری درازمدت علمی سوئد در جهت منافع ملی کشورمان بهره جست؟".

پاسخ این سؤال در سطح کلان در قالب توسعه مناسبات علمی و تحقیقاتی قابل جستجو است ولی در سطح خرد توجه نگارنده معطوف به

چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حرفه دیپلماسی گردید. علت آن از یک سو احساس ضرورت به روزآمدی رویه‌های دیپلماسی و از سوی دیگر مشاهده نتایج بسیار مثبت بکارگیری این فناوری‌ها به هنگام تشکیل سایت سفارت برای تسریع و تسهیل خدمات کنسولی و اطلاع رسانی سفارت بود. یعنی امکان انجام غیرحضوری بسیاری از امور که فقط چند روز پیش از آن، بدون صرف وقت و هزینه قابل توجه، ممکن نبود. امکان انجام بسیاری از کارهای روزانه سفارت از طریق فناوری روز ICT کنجکاوی نگارنده را برای مطالعه اثرات این فناوری بر روابط بین الملل و دیپلماسی معاصر فراهم آورد. در مطالعات مقدماتی مشاهده شد که منابع مربوط با این بحث در ادبیات مرتبط با دیپلماسی عصر ارتباطات بیشتر با رویکردهای افراطی و بعضاً مبالغه آمیز متمرکز است. در این رویکرد هر آنچه را که در عرصه جهانی از دو دهه پیش تا کنون اتفاق افتاده است، معلول اثرات مستقیم و غیر مستقیم این فناوری معرفی می‌کنند برای مثال در زمینه تحلیل تحولات بین المللی، سقوط اتحاد جماهیر شوروی و فرو ریختن دیوار برلین را حاصل تفوق تبلیغاتی امریکا در بکارگیری این فناوری می‌دانند و آن را قدرت نرم نام نهاده اند. در بعد اقتصادی پدیده جهانی شدن و تجارت مجازی را پی آمد ورود این فناوری دانسته و توسعه و رشد کشورها را در گروی گسترش ICT می‌دانند. از جنبه سیاسی رشد آگاهی و دمکراسی را حاصل عبور جریان آزاد اطلاعات و در نتیجه فرسایش مرزها عنوان نموده و در حوزه فرهنگ آنچه را که کشورهای غیر از امریکا آنرا تهاجم فرهنگی می‌نامند و امریکا آن را اشاعه ارزشهای دمکراسی تبلیغ می‌کند از دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌دانند و بالاخره در باب علم و تحقیقات کلیه دست آوردهای دهه های اخیر را فقط با

دیپلماسی دیجیتالی / 7

اتکا به این تکنولوژی ممکن می‌دانند. در مقابل آنها نظریات مبتنی بر رویکردهای مکاتب کلاسیک روابط بین الملل قرار داشت که تحولات دهه های اخیر را همچنان در قالب تئوریهای سیاسی و جامعه شناختی تجزیه و تحلیل نموده و اثرات ICT را جزئی و جانبی می‌دانستند. برای نگارنده با توجه به تجربه کار در بخشهای مختلف وزارت خارجه، بررسی اثرات تعیین‌کننده فن آوری اطلاعات و ارتباطات در چگونگی ارتقای کیفیت، تسهیل و تسریع کار دیپلماتها و پیشبرد اهداف سیاست خارجی از جذابیت خاصی برخوردار بود و انگیزه بررسی و تحقیق در این زمینه شد که نتایج آن در کتاب حاضر جمع آوری گردیده است با این امید که نکته سنجی ها و انتقادهای خوانندگان عزیز بویژه همکاران محترم زمینه ساز تحقیقات تکاملی آینده باشد.

فصل اول آینده دیپلماسی

پیشرفت علوم و فنون طی نیم قرن گذشته نه تنها به هیچ وجه از لحاظ تنوع و تعداد و سرعت اختراعات با دهه های پیشین قابل مقایسه نیست بلکه با کل تاریخ تمدن بشری توازن و تقارنی ندارد. تا پایان قرن هیجدهم کل دانش بشری هر پنجاه سال یکبار، دو برابر می شد از سال 1950 این میزان به هر ده سال رسید و از سال 1970 هر پنج سال دو برابر می شد. باین ترتیب نود درصد دستاوردهای علمی بشر از نیم قرن گذشته تاکنون حاصل گردیده

است¹. برای مثال کامپیوتر فقط دو نسل پیش اختراع گردید، از عمر تلویزیون سه نسل می‌گذرد و حال آنکه دستگاه چاپ بیست و چهار نسل پیش اختراع شد². همچنین میزان گسترش این فناوری‌ها در سرتاسر جهان و تقاضای استفاده از آنها با هیچیک از فناوریهای ارتباطی پیشین قابل مقایسه نیست. برای مثال در آمریکا 38 سال طول کشید تا 50 میلیون نفر رادیو داشته باشند این رقم برای تلویزیون 13 سال طول کشید و برای کامپیوترهای شخصی 16 سال، در حالیکه برای اینترنت فقط 4 سال طول کشید تا 50 میلیون آمریکایی از آن استفاده کنند³. تنوع و شتاب اختراعات بویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی عموم طبقات مردم به آنها باعث در هم ریختن تمامی مناسبات زندگی انسان امروز گردیده است. این دسترسی همگانی، زمینه ورود هرچه بیشتر افراد و سازمانها به عرصه سیاست را فراهم نموده و امکان دخالت آنها در تصمیمات داخلی و خارجی هرروز بیشتر می‌شود که به تبع آن، میزان و گستردگی رشد دخالت نهادها و حتی افراد از سرتاسر جهان در موضوعات بین‌المللی افزایش می‌یابد، چرا که سرعت و همه‌گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات بسیاری از مرزها و محدودیت‌ها را علیرغم مقاومت‌ها و مخالفتها در هم ریخته و مهمتر از آن روابط جاری در دنیای حاضر را در معرض تحولات نه‌چندان روشنی قرار داده است.

اتصال دورترین کشورها و ملت‌ها به یکدیگر بدون داشتن مرز مشترک، مداخله جمعیت‌ها و سازمانها و نهادهای بین‌المللی و غیر دولتی در مسائل داخلی کشورها و انجام تجارت الکترونیک و معامله‌های چند میلیاردی در کمتر از چند ثانیه بدون اطلاع دولت‌ها و سازمان‌های ذیربط، حاکی از روند حذف نظارت وزارت خارجه بر مناسبات خارجی در ابعاد مختلف است. گذشته از این اثر غیرمستقیم فناوری اطلاعات و ارتباطات، دستگاه سیاست خارجی و

دیپلماسی دیجیتال / 9

نظام دیپلماسی جهان نیز، علیرغم طبیعت احتیاط آمیزشان، ناگزیر به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بطور غیر مستقیم شده اند که در اثر آن ساختار، کارکرد و رویه های آنها نیز دچار تحولات قابل ملاحظه ای گردیده است. این تغییرات آنقدر اساسی است که گفته می شود مهمترین انقلابی است که از قرن پانزدهم که نخستین سفرای ثابت بین دربارهای سلطنتی اروپا مبادله شد تاکنون، در عرصه فعالیت های دیپلماتیک بوقوع پیوسته است. امروزه استفاده از اصطلاحاتی چون «دیپلماسی موثر» رایج شده که جز با توسل به تکنولوژی های پیشرفته و دستیابی به اطلاعات وسیع، ابزار ارتباطی پیشرفته و اتخاذ روش های جدید برای اقدام موثر در مرزهایی فراتر از محدودیت های سنتی وزارت خارجه، ممکن نیست. اینترنت، همه روزه تقریباً کلیه روزنامه های جهان را بدون تحمیل هیچگونه مخارجی در اختیار کلیه مراجعین خود قرار می دهد. افراد عادی، همزمان با سیاستمداران و تصمیم سازان جامعه، از طریق ماهواره ها در جریان کلیه اخبار و رویدادها و تحلیل های موافق و مخالف قرار می گیرند و متقابلاً نظریات تحلیلی خود را به هر جریان و موضوعی را از طریق کامپیوترهای شخصی خویش بدون هیچگونه امکان سانسور یا ممانعتی به سرتاسر جهان ارسال می دارند. در چنین وضعیتی نقش دستگاه دیپلماسی و دیپلمات ها بسیار حساس و پرتلاطم گردیده است آنها باید هم تمامی اطلاعات را داشته باشند و هم با سرعت راجع به آنها اظهار نظر نموده و راه حل هایی را نیز پیشنهاد نمایند⁴. انقلاب در عرصه دیپلماسی بر خلاف انقلابات سیاسی که با سروصدای فراوان و تظاهرات بیرونی همراه است، بسیار سریع و ناخود آگاه صورت می گیرد. در حال حاضر دولت های مرکزی، وزارت خارجه ها و سفارت خانه ها در بسیاری از کشورهای جهان نخستین گامها را برای ورود به این دنیای جدید مبتنی بر فناوری

برداشته اند. در پرتو فناوری های جدید اطلاعات و ارتباطات، عرصه روابط خارجی، شفاف، سیال، و پویا شده و با سرعت در حال درهم شکستن مرزهای سنتی و نظم های حاکم بر روابط دیپلماتیک می باشد. متخصصین بین الملل اقدامات مناسب و موثر دیپلمات ها در عرصه کارزار جدید و راه کارهای موثر آن را اتخاذ دیپلماسی های مبتنی بر فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات از جمله "دیپلماسی دیجیتال" می دانند.

گردش شتابان اطلاعات

فن آوری ارتباطات و اطلاعات با ادغام "زمان"، "فاصله" و "منطقه جغرافیایی" که از ویژگیهای بارز روابط سنتی گذشته بود، با "سرعت" که شاخص هزاره جدید است، دنیای شگفتی را خلق نموده است که در آن ابعاد زمانی و مکانی، موانع اداری، سلسله مراتب ارتباطی و رعایت تشریفات بعضاً محو و یا در حال فرسایش بوده و هر روزه عوامل و موضوعات جدیدی به حوزه مسایل سیاسی و بین المللی وارد می گردد. در این میان "گردش اطلاعات" میان وزارتخارج، سفارتخانه ها و نهادهای خارج نیز از سرعت، تنوع و حجم غیر قابل تصویری برخوردار گردیده است.

دیپلماتها تا قبل از دستیابی همگان به شبکه اینترنت اولین کسان بودند و هم اکنون نیز در زمره نخستین گروه هایی هستند که در پرتو امواج اخبار و تحولات جهانی قرار می گیرند و هر یک طبق سیاست های کشور متبوعشان اتفاقات را ارزیابی و رویدادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی را تجزیه و تحلیل نموده و به وزارت خارج کشورهای شان گزارش می نمایند.

از اواخر دهه هشتاد دیپلماتها با تغییرات غیر منتظره ناشی از تاثیر فن آوری اطلاعات

دیپلماسی دیجیتال/ 11

در روابط بین المللی روبرو گردیده اند. بطوریکه اخباری که تا پیش از این اطلاع از آنها در انحصار نهادها یا افراد خاصی چون سفارتخانه ها و ارباب جراید بود اینک در همه جا موجود و هر کسی راجع به آن اظهار نظر می نماید و مسایل دو جانبه میان کشورها و امور بین المللی موضوعاتی همگانی شده اند. اخیراً پس از سپری شدن یک دوره طولانی از قطب بندی نسبتاً ثابت در ساختارهای بین المللی، تحولات گسترده و تعیین کننده ای همچون سقوط اتحاد جماهیر شوروی، فروریزی دیوار برلین، تخییرات کمی قلمروها بدلیل تجزیه بعضی از کشورهای بزرگ و تشکیل کشورهای متعدد رخ داده و مسایل عدیده ای را به دستور جلسات بین المللی افزوده در نتیجه اقتدار حاکمیت های مستقل و امکان اعمال و اجرای آنها در درون مرزهای ملی، بدلیل نفوذ قوانین بین المللی رو به تقلیل نهاده است. از سوی دیگر اداره موضوعات فی مابین دو کشور که سابق بر این منحصرأ در اختیار دیپلمات ها بود با ورود و مداخله بازیگران متعدد، تشکیلات مجازی و جوامع فراملی به عرصه بین المللی و پدیده جهانی شدن، به مرور از کنترل آنها خارج و به موضوعات جهانی مبدل گردیده اند.

این دگرگونی های بی وقفه، سریع و روبه تزاید در عرصه بین المللی به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده و به گروه خاصی منحصر نمی شوند. در این شرایط درک محیط بین المللی نیازمند نگرش از منظری متفاوت است در این دیدگاه جدید، بروز اتفاقات ناگهانی و ناپایداری از ویژگی های حتمی مولفه های روابط بین المللی است. ویژگی بارز دیگر در افزایش هر روزه بازیگران عرصه بین المللی آن است که این بازیگران جدید شامل طیف وسیعی از نمایندگان سازمانها و نهادهای داخلی تا افراد و گروهها در کشور میزبان و سازمانها و گروههای وسیع ذینفع جهانی می شوند. در

نتیجه تشریفات ارتباطی و سلسله مراتب هر روز بیشتر درهم شکسته می‌شوند و دوستی‌ها و دشمنی‌ها مرتباً جابجا شده و کمتر قابل اتکا یا جهت‌گیری می‌گردند. افراد و سازمانها از نقاط دور و نزدیک جهان، با سرعتی برق‌آسا، حول یک موضوع در کنار هم قرار می‌گیرند و پس از اعمال فشار و تغییر تصمیمات، ناپدید می‌شوند. به بیان دیگر دیپلماتها افزون بر حفظ نقش واسطه‌گری بین دو کشور و تعقیب منافع ملی در کشور میزبان، می‌بایست خود را برای فعالیت در یک دنیای مجازی بشدت تأثیرگذار، نامحدود و سریع‌العمل آماده نمایند. امروزه حتی مفهوم "منافع ملی" نیز تغییرات زیربنایی یافته و علاوه بر محورهای سنتی، طیف وسیعی از موضوعات جدید شامل اقتصادهای جهانی، مهاجرت‌های بین‌المللی، بحران‌های زیست‌محیطی، قاچاق انسان، تروریسم، توسعه تسلیحاتی، فرار مغزها و تجاوزات کامپیوتری و سایبرنتیک را در بر می‌گیرد که همگی تهدیدات جهانی را افزایش داده و ضمناً در ابعاد داخلی نیز تأثیرات تخریبی به مراتب وسیع‌تر و سریع‌تری را بر ملتها تحمیل نموده است. مشکل دیگر آنکه با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات سرعت اتفاقات و اقدامات روز بروز بیشتر می‌شود و فرصت مقابله و حتی درک صحیح آن‌ها کاهش می‌یابد و تغییرات و تحولاتی از این قبیل نقش و کارکرد دیپلماسی و وظیفه دیپلماتها را مورد تردید و تجدید نظر قرار می‌دهد. لذا دیپلماسی جاری مستلزم بازنگری در انتخاب موضوعات و تنوع بخشیدن به آنها و در عین حال تغییر روشهاست تا قادر باشد شرایط آینده را درک و چالش‌های فرارو را اداره نماید.

واقعیت آن است که از میان همه انقلاباتی که در قرن بیستم رخ داده است، هیچیک در تاریخ بشری تأثیری به ماندگاری انقلاب جاری در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات نداشته‌اند. مرزهایی که زمانی وجود داشتند تا انسانها

دیپلماسی دیجیتال/ 13

را از نظر ماهیت های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدا سازند اینک از بین رفته اند. تکنولوژیهای جدید هیچ احترامی برای مرزهای اقتدار و حاکمیت قائل نیستند. یک کامپیوتر خانگی می تواند گذرنامه و روادید ورود به آنسوی مرزها باشد.

اگرچه روند جریانات و ضرورت بکارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات، خواه ناخواه وزارت خارجه و دیپلماتها را وارد این عرصه نموده است، لیکن عدم توجه به شرایط جدید و مهمتر از آن، بدون گمانه زنی های علمی راجع به شکل و محتوای دیپلماسی متناسب با روند فعلی و نبود تمهیدات لازم برای فراهم آوردن سازوکارهای مناسب با این شرایط، نه تنها دستیابی به دیپلماسی موفق را غیرممکن می سازد، بلکه دستگاه دیپلماسی را از دور بازی موثر در صحنه بین المللی خارج خواهد ساخت. زیرا شرایط جدید، دیپلماسی کلاسیک را که اساسا معطوف به ارتباط میان کشورهای با مرزهای معین و حاکمیت مصون از هر نوع مداخلاتی است به چالش می طلبد. غفلت از این وضعیت ابهام آمیز و عدم آمادگی برای ورود به شرایطی که محققین دانش اجتماعی برای دهه های آتی پیش بینی می نمایند، جز ناکارآمدی دستگاه دیپلماسی حاصل دیگری نخواهد داشت. بخش دیگر مساله مربوط به غفلت ناخواسته دستگاههای دیپلماسی است امروزه جریانات بین المللی به گونه ایست که دست اندرکاران امورخارجه قبل از به پایان رساندن یک موضوع با مشکل دیگری درگیر می شوند. اگرچه وظیفه تحقیق و تعیین اولویتها بعهدہ موسسات مطالعاتی وابسته است ولی آنها نیز با موضوعات بی شماری روبرو هستند. در چنین شرایطی طرح آن دسته از موضوعات جدیدی که نیازمند مطالعه و بررسی هستند گاه در سایه اشتغالات پی در پی ناخواسته

به فراموشی سپرده شده یا به تعویق می افتند.

در کنار این دشواریهای ناشی از تحولات عمیق و وسیع بین المللی، تلاش متخصصین امور بین الملل در معرفی مدلهای جدید و آزمایش راه کارهای نوین، باعث آرایه اصطلاحات و عناوین مختلفی برای معرفی یا توصیف شیوه های جدید دیپلماسی موثر گردیده است. این نوع اصطلاحات بدلیل وجود ابهام های فراوان در مفهوم و محتوای دیپلماسی موصوف، عمدتاً مترادف با هم بکار می روند و یا با تفاوت های جزئی مورد استفاده قرار می گیرد. مساله فقط در ابهام مفاهیم متشابه نیست بلکه مشکل این جاست که هنوز میان محققین علوم سیاسی و روابط بین الملل راجع به طبیعت پدیده های نو ظهور نیز اتفاق نظر وجود ندارد. در واقع دیپلماتها با مسائلی غامض و وابسته بهم در زمینه تخصصات روابط بین الملل در حال و آینده و چگونگی مدلهای دیپلماسی متناسب با آنها روبرو می باشند. و استفاده جایجا از مفاهیم نیز مزید بر علت شده است لذا با توجه به شرایط جدید جهانی، رفع ابهامات و شناسایی مدلهای جدید برای دستگاههای سیاست خارجی ضرورتی اجتناب ناپذیر می باشد

دیپلماسی دیجیتال و دیگر واژه های مترادف آن اصطلاحات جدیدی هستند که محققین با مشاهده اثرات فن آوری ارتباطات بر مولفه های تشکیل دهنده ساختار، کارکرد و شیوه های دیپلماسی از آنها استفاده نموده و با انجام تحقیقات مختلف سعی دارند تا با روشن سازی مفاهیم این واژه ها تصویر روشنی از قانونمندی های روابط بین الملل را ترسیم نمایند

قبل از یافتن تعریف دقیقی از دیپلماسی جدید دیجیتال می بایست به پرسشهای مطرح درباره اثرات فن آوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه سیاست خارجی پرداخت، سوالاتی نظیر:

دیپلماسی دیجیتال / 15

○ آیا در محیط جدید بین المللی متاثر از توسعه فن آوری های اطلاعات و ارتباطات تشکیلات، سلسله مراتب اداری و شرح وظایف وزارت خارجه و سفارتخانه ها، در معرض تحول و تغییر قرار گرفته اند؟

○ آیا در محیط جدید متاثر از فن آوری های اطلاعات و ارتباطات که امکان ارتباط مستقیم تمامی نهادهای داخلی با طرفهای خارجی را فراهم می آورد و از سوی دیگر افکار عمومی خارج را از رفتارهای نهادهای داخلی مطلع می سازد، در جایگاه و ارتباطات وزارت خارجه نسبت به سایر دستگاههای داخلی و نقش آتی آن در تعاملات میان داخل و خارج جایابی ایجاد می شود؟

○ آیا در محیط بین المللی جدید با وجود نمایندگیهای موازی از دستگاههای مختلف داخلی در خارج از کشور و تنوع و تکثر رو به تزاید بازیگران، نیروها و سازمانهای تاثیرگذار، کارکرد و شیوه اقدام دستگاه سیاست خارجی دگرگون خواهد شد؟

○ آیا در محیط بین المللی جدید با ویژگی ناپایداری ساختار و مؤلفه های روابط بین الملل، روشهای دیپلماتیک همچنان ثابت خواهد ماند؟

○ آیا دیپلماسی دیجیتال می تواند راهکار مناسبی برای پاسخ به سئوالات فوق باشد؟

یافتن پاسخ این سوالات در درجه اول می تواند برنگرش سنتی سیاست گزاران در داخل و خارج از وزارت خارجه نسبت به تحولات غیرقابل اجتناب دیپلماسی، اثرگذار باشد. در مرتبه دوم نظر دیپلماتها به محیط جدید بین المللی متاثر از آی، سی، تی، و متقاعد ساختن هر چه بیشتر همکاران نسبت به اهمیت استفاده از روشهای جدید اقدام در عرصه بین المللی، جلب

نموده و ضمناً اهمیت ICT را در متقاعد نمودن مخاطبین و خنثی سازی برنامه های رقبا نمایان سازد. و در عین حال با ایجاد احساس ضرورت بیشتر برای مطالعه راجع به تحولات شتابان محیط بین المللی و عرصه فعالیت های دیپلماتیک میان همکاران و مراکز آموزشی و تحقیقاتی مرتبط با وزارت امور خارجه، راههای جدید دستیابی به تعامل و تفاهم بین المللی با توسل به امکانات دیپلماسی دیجیتال را مطرح نماید.

و نهایتاً با توجه به اینکه طبیعت احتیاط آمیز دستگاههای سیاست خارجی، احتمالاً باعث نادیده گرفتن و انکار نقش تعیین کننده و جریت های حاصل از انقلاب اطلاعات و ارتباطات در شکل گیری مدل های جدیدی از دیپلماسی در جهان می گردد. پاسخ سوالات یاد شده در رفع این نقیصه می تواند موثر باشد.

دگرگونی در سازوکارهای دیپلماسی

اگرچه از ابتدای شکل گیری حرفه دیپلماسی، دیپلمات ها به منظور جلب اعتماد کشور پذیرنده و جلوگیری از سوء تفاهات، مجبور بوده اند که فعالیت هایشان را به محدوده های مورد نظر مقامات محلی محدود سازند و یا تظاهر به رعایت چنین ملاحظاتی بنمایند، ولی از همان ابتدا تاکنون کمتر موضوعی را می توان یافت که دیپلمات ها نسبت به اطلاع از آن علاقمند نباشند و یا حد و مرزی برای حوزه فعالیت های خود قائل شوند. چنین رویکردی موجب فراگیری مفهوم و گستردگی حوزه های مختلف تخصصی دانش دیپلماسی گردیده است. با ظهور پدیده جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات امروزه تشخیص داخلی و یا خارجی بودن یک موضوع بسیار مشکل شده است. پیامد چنین وضعیتی به معنای گستردگی بیشتر عرصه فعالیت و تنوع روش های دیپلماسی است.

دیپلماسی دیجیتال / 17

آمیختگی موضوعات داخلی و خارجی، ورود بدون وقفه دستورالعمل‌های جدید به شرح وظایف دیپلماتها و بالاخره تلفیق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با روش‌های سنتی، در تعیین محدوده و گستره این پژوهش نیز بی‌تاثیر نبوده است.

امکان دستیابی همگان به اطلاعات همزمان و قابلیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در برقراری ارتباطات متقابل و انعکاس عکس‌العمل مخاطبین به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، باعث شده است تا دستگاه سیاست خارجی با پشت سر گذاشتن بسیاری از موانع تشریفاتی و ملاحظات سنتی، بر ضرورت درک و تعامل با بازیگران تازه وارد و رو به افزایش در صحنه‌های داخلی و خارجی پی‌برده و در صدد جلب مشارکت آنان و هدایتشان بسوی اهداف منافع ملی بر آید.

استفاده از تبلیغات با هدف اقناع افکار عمومی، در تاریخ دیپلماسی سابقه ای طولانی دارد و نمونه بارز آن دیپلماسی عمومی. اعمال شده توسط آمریکا در دوران جنگ سرد است که این کشور به واسطه برخورداری از فن‌آوری پیشرفته و تمرکز بر تخصص‌های حرفه‌ای، هنری و روزنامه‌نگاری توانست بطور موثری به مقابله با بلوک شرق بپردازد و کماکان نیز از این شیوه با قدرت هر چه تمام‌تر استفاده می‌نماید. با اینحال آنچه به موضوع این تحقیق اهمیت می‌بخشد آن است که در شرایط حاضر بر خلاف دیپلماسی عمومی، دیگر روابط صرفاً یک‌سویه نبوده و هر فرد و گروهی که آشنایی و دسترسی به شبکه جهانی داشته باشد می‌تواند بعنوان یک عامل موثر و تعیین‌کننده یا حداقل نیروی مزاحم و مخل در روند پیشبرد اهداف دولتمردان محسوب شود و با استفاده از قدرت هم‌افزایی و جذب و تحریک موافقین، دامنه فعالیت خود را هر روز بیشتر گسترش دهد.

پس از گذشت چندین سده که قدرت سخت و توانمندی‌های نظامی و ژئوپلتیک، عوامل تعیین کننده تنظیم روابط میان کشورها بشمار می آمد، موفقیت‌های امریکا در تقابل با اتحاد جماهیر شوروی و بطور کلی بلوک شرق، با استفاده از دیپلماسی عمومی، از ورود نیروی جدیدی به این عرصه خبر داد. این نیروی غیر قابل کنترل که هر روز اهمیت آن آشکارتر می شود "قدرت نرم" نامیده شده است. اگرچه استفاده از این قدرت، در کشورهای صاحب رسانه های فراگیر سابقه طولانی دارد، ولی ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهره مندی از قدرت نرم را، خصوصاً از سوی دیپلمات‌های مسلط بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، برای سایر کشورها نیز تا حدودی میسر ساخته است. این مطالعه از آن جهت اهمیت می‌یابد که هم (قدرت نرم) و هم (دیپلماسی دیجیتال) موضوعات جدیدی در عرصه روابط بین الملل می باشند و سرعت تحولات بین المللی، خواه ناخواه و بدون تأثیر پذیری از مقاومت‌ها و مخالفت‌ها، دیر یا زود دستگاه دیپلماسی کشورها را وادار به پذیرش آنها خواهند نمود. اغلب کشورها، بخصوص در جهان پیشرفته، تلاشهایی جدی برای شناخت، درک و معرفی ابعاد مختلف موضوعات فوق صورت داده اند که از آن جمله می توان به بیش از دو دهه فعالیت کشورهای توسعه یافته خصوصاً آمریکا در بکارگیری قدرت نرم و دیپلماسی متناسب با آن اشاره کرد. مقالات بسیاری درباره قدرت نرم و دیپلماسی‌های جدید با عناوین مختلف و از جمله دیپلماسی دیجیتال در سمینارها و میزگردهای مختلف ارائه گردیده که در بخش مروری بر ادبیات این تحقیق تا حدی مورد استناد و اشاره قرار گرفته اند و مراکز مختلف دانشگاهی و مراکز آموزش دیپلماتها، دوره هایی را تحت همین عناوین برگزار نموده اند. از سوی دیگر علیرغم تلاشهای فوق و بدلیل نو بودن موضوع و سرعت تحولات، همچنان حتی بر سر انتخاب نام دیپلماسی متناسب با تحولات

دیپلماسی دیجیتال / 19

هزاره سوم اختلاف نظرهایی وجود دارد و هر صاحب نظر اصطلاح جدیدی را برای معرفی دیپلماسی جدید انتخاب می کند. لذا در مروری بر ادبیات مربوطه و در توصیف دیپلماسی جدید و منطبق با قدرت نرم، به اصطلاحات مختلف و مفاهیم مشابهی از قبیل دیپلماسی سایبر، دیپلماسی مجازی، دیپلماسی کنترل از راه دور و مانند آنها برخورد می شود که شاید حاکی از کافی نبودن تحقیقات و یا تعاملات نظریه پردازان برای رسیدن به اتفاق نظر برای انتخاب واژه ای واحد باشد.

در مجموع وجود ابهامات بسیار در روند جریانات بین الملل و شیوه های دیپلماسی آینده، مطالعه در این باره را که می تواند با ایجاد آگاهی بیشتر در جامعه دیپلماتیک و در خصوص ویژگیهای دیپلماسی در عصر اطلاعات، مروج سلسله مطالعات معطوف به تحولات هزاره سوم در عرصه دیپلماسی باشد را ضرورت می بخشد و با توجه به اهمیت و سرعت تحولات جریانات جهانی که نشأت گرفته از ویژگی های عصر اطلاعات می باشد، موضوع دیپلماسی دیجیتال به عنوان روش انجام تعاملات دیپلماتیک در قرن 21 که هنوز کمتر شناخته شده است اهمیت می یابد و ترسیم چارچوب تحولات قابل پیش بینی و ضروری در ساختار، تشکیلات، روش اقدام و جایگاه دستگاه دیپلماسی کشور، مبنی بر تجزیه و تحلیل فضای تعامل و ارتباطات جاری و تحولات پیش رو را ضروری می سازد.

منابع و یادداشت فصل اول:

¹ Jeffrey Stern, "The Structure of International Society, an Introduction to the Study of International Relations" Publisher: London ; New York Pinter, 2000, ISBN 1-85567-276-6.

² Johan Petersen and Ambassador James Holmes " E-Diplomacy: Using Technology to Advance Foreign Relations "Arlington Institute, e-diplomacy office (M/eDIP) Remarks to the open forum, Washington, DC, February 30, 2003.

³ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. Reinventing Diplomacy in the Information Age A Report of the CSIS Advisory Panel on Diplomacy in the Information Age

⁴ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct" IMP Magazine information impacts, July 23, 2001.

ديپلماسى ديجيتالى / 21

فصل دوم مباحث نظری

تعیین چارچوب مفهومی مربوط به دیپلماسی دیجیتال با دشواری‌هایی روبرو می‌باشد. در مقایسه با مفاهیم کلیدی و مباحث نظری مطرح در کتب درسی روابط بین الملل همچون حاکمیت، روابط سیستمی میان کشورها یا امنیت که کم و بیش به آسانی قابل درک هستند، اصطلاحاتی چون محیط بین المللی جدید، دیپلماسی معاصر، قدرت نرم و دیپلماسی دیجیتال بدلیل تشابه موضوعی و اشتراک لفظی با برخی اصطلاحات متداول در سطح جامعه از قبیل «نرم افزار»، «سخت افزار» و یا «دیجیتال» در اولین وهله موجب تداعی مفاهیم فنی در مخاطبین عادی می‌گردند. ضمن آنکه تازگی مفاهیم یاد شده باعث مناقشه میان نظریه پردازان حوزه روابط بین الملل و دیپلماسی نسبت به تعاریف، معانی و موارد استفاده از آنها نیز گردیده است. از سوی دیگر، تعیین چارچوب نظری مستلزم انطباق قانونمندی‌های روابط بین الملل جاری و حداقل یک دهه آتی با یکی از تئوری‌ها یا پارادایم‌های موجود در علوم سیاسی و روابط بین الملل می‌باشد. در حالیکه چنین انطباقی حتی درباره وقایع دوران جنگ سرد و قبل از آن که اتفاقات بین المللی محدود و سیستم آن بسیط بود نیز بسختی امکان پذیر بوده است و بی تردید درباره دیپلماسی دیجیتال به دلیل تازگی موضوع به مراتب دشوارتر می‌باشد. لذا جهت تعیین چارچوب مفهومی تلاش شده است تا اصطلاحاتی که در چارچوب نظری به کار خواهد آمد بر مبنای سنتزی از نظریات و تئوری‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. مفاهیم به کار رفته عبارتند از:

محیط بین المللی گذشته

مشخصات محیط بین المللی¹ گذشته اختصاراً عبارت است از:

- کشور - ملتها با مرزهای نفوذناپذیر و عمدتاً قابل کنترل. حاکمیت‌های مقتدر در درون قلمروهای معین و عمدتاً با نظام‌های متمرکز و تصمیم‌سازی مبتنی بر سلسله‌مراتب.
- «قدرت سخت» شامل قدرت نظامی، اقتصادی، ژئوپولیتیکی بعنوان ضامن بقای کشورها و اهرم تضمین‌کننده در تقابل و تعاملات میان آنها.
- وزارت خارجه تنها نهاد مسئول برای ارتباط با خارج از کشور.
- نهادها ی داخلی مجزا با حیطه ای محدود به درون مرزها.
- عدم تاثیر افکار عمومی داخلی و خصوصاً خارجی بر تصمیمات حاکمیت و وزارت خارجه.
- قوانین بین المللی محدود و غیرقابل تعمیم به داخل حاکمیت‌ها.
- «سیاست واقعی» به عنوان مبنای روابط بین الملل و اعمال دیپلماسی «سنتی». صاحب‌نظران محیط بین المللی گذشته را به مدل «نیوتونی» تشبیه می‌نمایند که در آن به دولت‌ها به عنوان بازیگران مستقل دارای تمرکز سیاسی نگاه می‌شود که رفتارشان مبتنی بر تصمیمات معین و شناخته شده و قوانین تعریف شده ای می‌باشد که الزاماً نتایج آن در درجه بالایی برای طرفین درگیر در سیستم قابل پیش‌بینی است. در این مدل روابط متقابل دولتها مانند توپهای میز بلیارد تابع قواعد خاصی بوده و با یک جمع برداری ساده از نیروهای سیاسی یا اقتصادی و نظامی، پیش‌بینی نتایج ممکن است و چنین تصور می‌شود که این سیستم در حد قابل ملاحظه ای پایدار و بطور طبیعی با ثبات است

و در صورت بروز هرگونه بی‌نظمی و خدشه دار شدن سیستم، با تنظیم مجدد در تعادل نیروها می‌توان معادلات را به سرعت به ثبات قبلی بازگرداند.²

قدرت سخت

قدرت سخت^۱، عبارت است از موقعیت ژئوپلتیکی و توانمندیهای طبیعی و جغرافیایی شامل:

پهناوری سرزمین، منابع طبیعی و غنی اقتصادی= صنعتی با اضافه قدرت نظامی شامل نیروی انسانی، تجهیزات و جنگ افزار سخت و نرم و تخصص و بالاخره افزونی جمعیت و نیروی انسانی قدرتمند.

سیاست واقعی

سیاست واقعی^۱ منافع کشورها را با نشانه گرفتن اهدافی چون خلق و حفظ تعادل قوا که اجازه نمی‌دهد هیچ کشوری متجاوز یا به بیانی دیگر بیش از حد قدرتمند شود، حفظ می‌کند با این انتظار که رفتار متعادل توسط کلیه طرفین، بتواند باعث بوجود آمدن یک موازنه خود گردان در عرصه بین المللی شود. در یک محیط چند قطبی، سیاست واقعی به عملیات موازنه ساز به عنوان جوهره استراتژی یعنی راهی برای حفظ نظم و اجتناب از بحران می‌نگرد^۳. در تعریفی دیگر سیاست واقعی عبارتست از رفتار سیاست خارجی بر مبنای محاسبات متمرکز بر کشور از نقاط حساس، قدرت نمائی و منافع ملی و هدایت شده بوسیله عقیده محکمی که ممکن است موجب بروز اصلاحات شود

دیپلماسی سنتی

دیپلماسی سنتی مربوط به قلمرو سرزمین است. دیپلماسی سنتی بر اساس این فرضیه کار

^۱ Hard power

^۱ Real politic

می‌کند که جوامع انسانی تحت حاکمیت جداگانه سازماندهی شده و در لوای کشور- ملت دارای مرزهای تعریف شده ای هستند. چنین دیپلماسی، کار با جغرافیا را راحت تر از هر چیز دیگری می‌یابد. در این رویکرد بیشتر عامل مکان مدنظر است. دیپلماسی سنتی یا کلاسیک عمدتاً بر مفهوم شناسایی متقابل دو کشور با روابطی که از سوی سفارتخانه‌های با کارکنان آموزش دیده و دیپلمات‌های حرفه‌ای مقیم در پایتخت‌ها تنظیم و هدایت می‌شود، استوار بوده است.⁴ دیپلماسی کلاسیک یا سنتی نیز همانند سایر اجزاء محیط بین‌المللی قرن گذشته عمدتاً واقعی و به نسبت زیادی پایدار بوده و از جمله ویژگیهای آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گشایش سفارتخانه و اعزام سفیر تام‌الاختیار، تشریفات گسترده و غیر قابل چشم‌پوشی. تماس‌های محدود و سلسله‌مراتبی با مقامات، مبادله هیات‌های رسمی و ارسال یادداشت و متقاعد ساختن مقامات، شخصیت‌های تاثیرگذار و مطبوعات با روابط چهره‌به‌چهره، در تمام قرن گذشته، بین حکومتها، جایگاه وزارت خارجه به عنوان بازیگر اصلی در دیپلماسی حفظ شده و اصولاً توجهش معطوف به جنگ و صلح و یا بکارگیری قدرت حکومت‌ها بر له یا علیه یکدیگر بوده است.⁵

محیط بین‌المللی جدید

محیط جدید بین‌المللی وضعیتی جدا و بی‌شبهت به محیط بین‌المللی کلاسیک قرن بیستم نیست. کیسینجر در تازه‌ترین کتاب خود می‌نویسد "کشور - ملت" همچنان به عنوان واحد مسئول در اقصی نقاط جهان با دو جهت متضاد باقی خواهد ماند یا بصورت تجزیه شدن در قومیت‌های کوچک و یا در قالب اتحادیه‌های منطقه‌ای بزرگ.⁶ در این محیط کماکان ملت=کشورها، به حیات خود ادامه می‌دهند و قدرت سخت هم همچنان بعنوان اساس اقتدار حاکمیت،

پا برجاست. او راجع به خط و مشی امریکا در آسیا برای سال های پیش رو اشاره غیر مستقیمی به قدرت سخت دارد "بهترین راه برای امریکا جهت دفاع از آسیا از هر نوع تهدیداتی آن است که قدرت برتر نظامی باقی بماند همچنانکه در اروپا این گونه عمل کرد".⁷ ولی این وضعیت با اثرات مستقیم و غیرمستقیم فن آوری اطلاعات و ارتباطات، پایان جنگ سرد، ورود کشورهای جدید، حضور سازمانهای غیر دولتی، افزایش هنجارها و ارزشهای جدید بین المللی و نفوذ قوانین بین المللی به درون مرزها و امکان مبادله اطلاعات میان افراد سراسر جهان با یکدیگر، تاثیرگذاری افراد و سازمانها بر جریانهای داخلی و بین المللی باعث گردیده است تا کشورها و حاکمیتها افزون بر نگرانیهای گذشته خود که تهاجم همسایگان، برهم خوردن تعادل قوا بود، اینک باید نگران افکار عمومی جهان، نظر سازمانهای غیر دولتی، شبکه های متعدد بین المللی و همچنین افکار عمومی داخلی خود و حتی نگران نظر کشوری از آن سوی قاره ها نسبت به کشورشان باشند. تحلیل گران شرایط جدید معتقدند امروزه محیط بین المللی نیازمند آن است که بیشتر شبیه یک مدل «مکانیک مقداری» یا کوانتمی فهمیده شود که در آن روند اتفاقات ناگهانی و ناپایدار از ویژگی های حتمی است و این سیستم به عنوان یک مجموعه ذاتا پویا و پیچیده شناخته شده و نیروهای انتزاعی غیر ملموس (از قبیل قدرت نرم، اغوای اندیشه و اخلاق) قادرند تا تغییرات فیزیکی ملموس در این سیستم ایجاد نمایند. این محیط جدید که اینک به وضوح ظاهر شده محصول سه عرصه وسیع و وابسته و در حال انقلاب و دگرگونی مداوم یعنی اطلاعات، سیاست و اقتصاد است. بطور خلاصه محیط بین المللی جدید دارای مشخصات زیر است:

- وجود «کشور- ملتها» با اقتدار کمتر بااستثنای چند قدرت بزرگ، اگرچه آنها

نیز نیازمند توجیه افکار عمومی برای رفتارهای داخلی و بین‌المللی خود می‌باشند. افزون بر کشورها، بازیگران دیگری نیز در صحنه بین‌المللی وجود دارند. از جمله سازمان‌های غیر دولتی، قدرت‌های مجازی با هویت شبکه‌ای.

- «قدرت سخت و قدرت نرم» هر دو اساس بقای کشورها و اهرم تعیین‌کننده در تعاملات میان آنها خواهند بود.
- «سیاست واقعی» همچنان اساس محاسبات کشورها در برقراری و تنظیم روابط با یکدیگر خواهد بود ولی تعیین‌کنندگی دانش و اطلاعات در هزاره سوم آنان را ناگزیر می‌نماید که «سیاست دانشمدار» را مکمل سیاست واقعی نمایند.
- «دیپلماسی سنتی» کماکان مجرا و مدار ارتباطات میان کشورها است ولی ضرورت ارتباط با بازیگران نامحدود زمینه اتخاذ «دیپلماسی دیجیتال» را فراهم می‌آورد.

قدرت نرمⁱ

جوزف نایⁱⁱ از اساتید دانشگاه هاروارد که به عنوان مبدع اصطلاح قدرت نرم از او نام برده می‌شود می‌گوید قدرت نرم یعنی تاثیر و جذابیت ایده‌های یک ملت بر ملت دیگر. قدرت نرم یک ملت را قادر می‌سازد تا بر نتایج موردنظر خود در عرصه امور بین‌المللی نه با توسل به زور و قوه قهریه بلکه به مدد قدرت جاذبه و کشش دست یابد. تا همین اواخر قدرت نرم عمدتاً یک سلاح امریکائی محسوب می‌شد و جوزف نی معتقد است که پیروزی امریکائی‌ها در جنگ سرد با بلوک شرق همان قدر مدیون رادیو اروپای آزاد و تولیدات هالیوودی بود که ثمره برنامه جنگ ستارگان

ⁱ Soft power

ⁱⁱ Joseph S. Nye Jr

ریگان بشمار می رفت. آقای جورج کری اسقف سابق کلیسای کانتر بری قدرت نرم را قدرت " ارزشهای انسانی" و قدرت سخت را "نیروی نظامی" توصیف می کند. عبارت دیگر قدرت نرم یعنی توانمندی برای دستیابی به نتایج مورد نظر از طریق جاذبه بجای استفاده از زور. قدرت نرم عمدتاً متکی به اشاعه، استدلال و قوه ترغیب و تلقین است. اگر کشوری بتواند خود را در نظر دیگران جذاب و محق جلوه دهد، احتمالاً نیازی به استفاده از قدرت سخت نخواهد داشت. در حقیقت قدرت نرم یک رویکرد "امنیت" طلب است که معطوف به جلب توجهات جهانی به چالشهای جدید می باشد و از پذیرش استانداردها و نهادهای بین المللی و ائتلافها و همکاریهای مبتکرانه در روابط خارجی بین کشورها و نیز سازمانهای غیر دولتی هم فکر، عمل می کند. امروزه در روابط بین الملل، آگاهی و نحوه سازماندهی و بکارگیری آن در پیشبرد منافع ملی را «قدرت نرم» می نامند. انقلاب اطلاعات، طبیعت قدرت را بیشتر از طریق از قوه به فعل در آوردن قدرت نرم دگرگون می سازد⁸.

سیاست دانشمداران^۱

سیاست دانشمداران رویکردی دردیپلماسی و استراتژی برای عصر اطلاعات است که به شکل بخشیدن و شریک شدن در ایده ها، ارزشها، هنجارها، قوانین و اخلاقیات از طریق قدرت نرم تاکید دارد. سیاست دانشمداران بیشتر از آنکه کشور-مدار باشد، قدرت خود را در این می یابد که به بازیگران حکومتی و غیر حکومتی کمک نماید تا با یکدیگر همکاری نمایند. انگیزه سیاست دانشمداران می تواند منافع ملی را آنگونه که مدنظر سیاستمداران است تعریف نماید. در اینجا نیز منافع ملی همچنان مد نظر است اما بیشتر از آنکه حکومت -مدار باشد، از نظر جامعه تعریف می شود.

^۱ noopolitic

دیپلماسی دیجیتال / 29

در حالیکه سیاست واقعی گرایش به تقویت حکومت‌ها دارد، توجه سیاست‌دانشمداران به قدرت بخشی به شبکه‌های متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی است. ظاهراً واژه سیاست‌دانشمداران را برای اولین بار آرکونیل و دیوید رانفلد در کتاب «ظهور نووپالتیک» که برای موسسه تحقیقات دفاع ملی امریکا نگاشته شد، بکار برده‌اند. سیاست‌دانشمداران رویکردی است برای سیاستمداران و نیز دیگر بازیگران دولتی و غیردولتی با تاکید بر نقش قدرت نرم در ابراز ایده‌ها، ارزشها، هنجارها و اخلاقیات از طریق کلیه انواع رسانه‌ها. این شیوه نه فقط رسانه‌ها و سایر را به خدمت می‌گیرد بلکه شامل مفهوم قدرت نرم و رهبری فکر در استراتژی در حال ظهور در صحنه جهانی نیز می‌شود.

جدول مقایسه سیاست واقعی و سیاست‌دانشمداران

سیاست‌دانشمداران	سیاست واقعی
توجه به بازیگران غیردولتی	توجه به دولت‌ها
ارجحیت قدرت نرم	ارجحیت قدرت سخت
سیستم مبتنی بر هم‌خوانی منافع و همکاری	سیستم بی‌قانون و به شدت کشمکش طلب
متحد ساختن شبکه‌های حیاتی برای امنیت	ائتلاف‌های مشروط، به منظور جهت بخشیدن به تهدیدات
ارجحیت منافع تقسیم شده و مشارکتی	ارجحیت منافع ملی مستقل
صرفاً تشریح ...	سیاست به عنوان تلاش بی‌پایان در کسب برتری و تفوق
بر انگیختن اهداف مشترک بازیگران	قدرت و تهدیدات انگیزه رفتار است
تمایل باطنی به تسهیم اطلاعات	جبهه‌گیری شدید در مقابل بارش اطلاعات
تعادل در مسئولیت‌ها	تعادل در قوا به عنوان مشخصه دولت با ثبات
جای گرفتن قدرت در تار و پود روابط جهانی	ریشه دواندن قدرت در دولتهای ملی

تجزیه و تحلیل اتفاقات بین المللی بطورکلی به دو روش توصیفی و تئوریک انجام می شود. در روش توصیفی بررسی ضرب العجل و یا کوتاه مدت موضوع، مدنظر می باشد که با ردیابی جریانات سیاسی، اقتصادی و امنیتی از یک سو و با کنار هم قرار دادن سلسله ای از مناسبات میان کشورها به توصیف و چگونگی اتفاق موردنظر پرداخته می شود. دیپلمات ها، روزنامه نگاران و تحلیل گران سیاسی عمدتاً بدلیل ضرورت عکس العمل فوری نسبت به اتفاقات، این روش را مورد توجه قرار داده اند.

در روش دوم که مبنای کار دانشمندان علوم اجتماعی و محققین روابط بین الملل است از یک سو اتفاقات و تحولات در چارچوب نظریه های پیشین مورد ارزیابی قرار می گیرد و از سوی دیگر در پی کشف قانونندی های حاصل از اتفاقات مختلف برای تعمیم آنها به شرایط مشابه در زمان و مکان متفاوت، پیش بینی تحولات آینده و نهایتاً ساختن نظریه است.¹⁰ حاصل این دو روش از مطالعات بین المللی از ابتدا تا کنون در سه گروه پارادایم ها، رویکردها و تئوریهها دسته بندی گردیده اند و هر کدام به تناسب انطباق اتفاق و موضوع بین المللی، مورد مطالعه و ملاک سنجش و ارزیابی قرار می گیرند. تاکنون متجاوز از پنجاه و دو عنوان از این سه گروه در مطالعات بین المللی مطرح گردیده است.¹¹

تا دو دهه پیش محافل آکادمیک تمامی پارادایم ها، رویکردها و تئوری ها را تحت سه نوع محافظه کارانه، انقلابی و لیبرالیسم دسته بندی می نمودند به این معنا که اولی بر حفظ وضع موجود تأکید دارد و هدف آن ایجاد نظم است و دومی در پی درهم ریختن وضع موجود است و هدف آن دستیابی به عدالت می باشد و سومی در پی تکامل وضع موجود است و هدف آن آزادی است.¹² پس از آن تئوری های

روابط بین المللی به گروه های رئالیسم، لیبرالیسم، جامعه بین المللی و تئوری های اقتصاد سیاسی بین المللی دسته بندی گردیده با این برداشت که رئالیسم بر مسئله امنیت متمرکز است و به موضوعاتی از قبیل سیاست قدرت، درگیری و جنگ توجه دارد. لیبرالیسم بر آزادی متمرکز است و به دنبال موضوعاتی مانند همکاری، صلح و توسعه و پیشرفت می باشد. جامعه بین المللی بر نظم و عدالت متمرکز گردیده و موضوعاتی چون منافع مشترک، مقررات و نهادها را پیگیری می نماید و بالاخره تئوری های اقتصاد سیاسی بین المللی بر رفاه متمرکز و موضوعات ثروت، فقر و تساوی را مدنظر دارد.

افزون بر موارد یاد شده در رویکرد هایⁱⁱ مابعد اثبات گرایی و نیز نظریه هائی چون تئوری انتقادیⁱⁱⁱ، پسامدرنیسمⁱⁱⁱⁱ، تکوین گرایی^v و تئوری های هنجارگرایی^{vi} نیز اخیراً مطرح گردیده است که علاوه بر موضوعات بین المللی گذشته به موضوعات جدیدی مانند محیط زیست، جنسیت، حاکمیت، تغییرات حاصله در تعاریف کشور و چالش های جدید امنیتی نظر دارند. بی تردید هدف در این اینجا بررسی و تجزیه و تحلیل تئوری های بین المللی نیست لیکن یادآوری این نکته ضروری است که رویکردهای جدید در واقع به مصادیق عینی نظریه های کلاسیک در روابط بین المللی سالهای اخیر اشاره دارند. برای نمونه تئوری انتقادی همان مارکسیسم نوینی است که سلطه طبقاتی را مدنظر دارد منتهی در اینجا فاصله میان شمال و جنوب را مطرح می نماید¹³.

ⁱ International politica economy

ⁱⁱ Post-positivist

ⁱⁱⁱ Critical theory

ⁱⁱⁱⁱ Postmodernism

^v Constructivism

^{vi} Normative theory

قانونمندی های روابط بین الملل، همانند دیگر موضوعات علوم اجتماعی، همواره مورد مناقشه محققین و صاحب نظران علوم سیاسی و روابط بین المللی قرار داشته و هر یک بر اساس تئوریها و اصول فکری مکاتب مورد علاقه خود رویکردهای متفاوتی را پیشنهاد نموده اند. در زمینه تحولات بین المللی نیز وضع بر همین منوال است، اگرچه هر یک از مکاتب کلاسیک تمامی تحولات قرن گذشته را از دیدگاه خود توجیه نموده و آینده را از همان منظر پیش بینی می نمایند لیکن اتفاقات صد سال گذشته، در مواردی موبد تئوری های رئالیستی بوده اند و در شرایط دیگر موبد نظریات ایده آلیستها، ضمن آنکه اتفاقاتی نیز بدون توجه به نظریات مارکسیستها مبهم باقی می ماند.

با مد نظر قرار دادن واقعیات یاد شده برای تعیین چارچوب نظری این تحقیق و با توجه به توضیحات مربوط به تئوری های بین المللی، با محوریت نظریه های کلاسیک مربوط به محیط بین المللی یعنی رئالیسم، لیبرالیسم (ایده ایسم) و مارکسیسم، این سه نظریه برای بررسی ساختار و قانونمندی های محیط بین المللی جاری به این دلیل که حوزه انتخاب و اجرای هر نوع از دیپلماسی و محیط بین المللی است، مبنای مطالعه قرار داده می شود. ولی از آن جائیکه این مکاتب عمدتاً به موضوعات کلان بین المللی توجه داشته و راجع به موضوعات خرد اظهار نظر مستقیمی ندارند برای تعیین چارچوب نظری دیپلماسی دیجیتال پس از مروری بر محیط بین المللی جاری و از دیدگاه سه مکتب کلاسیک، دیپلماسی دیجیتال در رویکرد تکوین گرائی که بیشتر به موضوعات جاری امعان نظر دارد، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

محیط بین الملل و مکاتب نظری

«سیستم بین المللی» یا «جامعه بین الملل» که بطور مترادف بجای یکدیگر استفاده می شوند، عبارت است از گروهی از کشورها که با یکدیگر در تعامل می باشند بطوریکه رفتار یکی مورد توجه و ملاحظه دیگران است، تعاملات کشورها ممکن است بر اساس مساله یا ضرورت یا هر دلیل دیگری باشد لیکن طبیعت تعاملات برخاسته از ویژگیهای سیستم و درجه سازمان یافتگی آن است. البته عده ای نیز نظام بین المللی را ساختاری می دانند که عبارتست از قرارگیری و تنظیم واحدهای مرتبط با هم متأثر از فرماندهی واحد¹⁴. مفهوم سیستم بین المللی از نظر هر یک از مکاتب فکری رئالیسم، لیبرالیسم و مارکسیسم بستگی به طرز تلقی آنان نسبت به طبیعت هرکدام از واحدهای سیستم و تعامل میان آن واحدها دارد.

رئالیسم

در رویکرد رئالیسم دولت تنها بازیگر اصلی در صحنه سیاست بین المللی است و این بازیگر خصلتی هنرمندانه و یکپارچه دارد. در این عرصه بازیگران یا دول متعدد با هدف کسب قدرت بیشتر تلاش می کنند تا از امنیت خود در عرصه ای جهانی که فاقد اقتدار مرکزی است اطمینان یافته و منافع ملی خود را تعقیب نمایند. در این رویکرد، قدرت دولت عمدتاً متکی به توان نظامی است و استقلال و حاکمیت دولت ها امری مقدس تلقی می شود. در این جهان هرج و مرج گرا و فاقد قدرت مرکزی معتبر و مشروع، اساس و بنیان روابط دولت ها را «توازن قوا» سازماندهی نموده و به عنوان قاعده حاکم در تعامل میان دولتهای بزرگ پذیرفته می شود¹⁵.

بطور خلاصه رئالیسم و نئو رئالیسم، عرصه بین المللی را هرج و مرج گرا یافته و عقیده دارند که:

جهان مرکب از حاکمیت هاست - حکومت جهانی وجود ندارد پس نظم بین المللی وجود ندارد. فقدان حکومت جهانی یا نظم بین المللی تعریف شده، به این معناست که سیاست بین الملل توأم با هرج و مرج و آشوبی است. هدف نهایی حاکمیتها در این عرصه پرتخاصم، بقای کشورهايشان می باشد. و تنها راه تضمین این بقا، افزایش قدرت است و چون هیچگاه کشورها در امنیت کامل نخواهند بود لذا به صلاح نیست قدرت خود را به دولت یا حکومت جهانی واگذار نمایند.¹⁶

لیبرالیسم

رویکرد لیبرالیسم دولتها را تنها بازیگران صحنه بین الملل نمی شناسد و دموکراسی را نه فقط تنها نظام مطلوب برای اداره یک کشور بلکه برای اداره یک سیستم جهانی می داند.¹⁷ در این رویکرد - در بعد اقتصادی - تعامل و تعادل میان بازیگران منبعت از وابستگی متقابل است. لیبرالیسم علاوه بر تاکید بر کارکرد نهادهای بین المللی و رژیم ها و هنجارهای مورد توافق همگانی، بر روند همگرایی و ایجاد یک نظام امنیت دسته جمعی نیز تاکید دارد. به این ترتیب در این رویکرد امکان همکاری بین المللی در سطح بالایی وجود دارد.

ایده ایسم

ایده ایسم نیز که مشترکات فراوانی با لیبرالیسم دارد معتقد است که محاسن والای انسانی در صورت قرارگرفتن در سازماندهی بد تخریب می شوند. این سازمانها که در سطوح مختلف جوامع و کشورها وجود دارند باعث ایجاد سوء تفاهات و هرج و مرج در جوامع می

شوند. در صورت وجود سازمانهای خوب در سطوح داخلی و بین المللی زمینه همکاریهای صادقانه و صمیمانه میان مردم و کشورها بوجود خواهد آمد¹⁸.

مارکسیسم

در این رویکرد، مفهوم «طبقه»، جانشین مفهوم «دولت» شده است. در این رویکرد تمامی بازیگران موجود اعم از دولت ها، سازمانها، شرکت های چند ملیتی و غیره همگی ترجمان خواستها و منافع طبقه سرمایه دار در سیستم اقتصاد جهان هستند. به این ترتیب از منظر رویکرد مارکسیستی، مساله منازعه و کشمکش نه میان دولتها بلکه میان طبقات خواهد بود چون دولت تنها ابزاری در دست طبقه سرمایه دار است. با این توصیف، نظام دولت - ملت باعث تفوق طبقه سرمایه دار بر دیگر طبقات شده و با توسعه این وضعیت نظام جهانی بسوی سلطه سرمایه داری پیش می رود.

تکوین گرایی^۱

در سال 1992 آقای الکساندر ونت در مقاله ای با عنوان «هرج و مرج جز ساخته و پرداخته دولت ها نیست» نظریه خود مبنی بر پایان دوره تمایز بین رئالیست ها و ایده ایست ها (نئورئالیست ها و نئولیبرال های امروزی) بر سر موضوع رفتار دولت ها در عرصه سیاست های بین المللی را، ارائه نمود. با این توضیح که آیا رفتار دولت ها چگونه که نئورئالیست ها بحث می کنند باید تخصصی باشد یا آن طوریکه نئولیبرال ها آرزو می کنند همکارانه شود؟ از نظر ونت بخش اعظم تفکر ما نسبت به رفتار دولت ها بستگی مستقیم به نحوه نگرش ما نسبت به طبیعت هرج و مرج بین المللی دارد¹⁹.

^۱ Constructivism

تکوین گرایان عقیده دارند که سیستم بین المللی یک ابداع انسانی است ولی مانند اختراعات مادی و فیزیکی نیست بلکه ساخته ای کاملاً معنوی و ذهنی است. یعنی مجموعه ای از ایده ها، پیکره ای از تفکرات و سیستمی از هنجارها که توسط عده ای از مردم در یک برهه زمانی و مکانی خاص، بوجود می آید. اگر چنانچه تفکرات و ایده ها که وارد موجودیت روابط بین المللی شده اند تغییر یابند، سیستم بین المللی نیز تغییر خواهد یافت. زیرا سیستم خودش مرکب از ایده ها و فکرهاست. در واقع تمرکز تکوین‌گرایی بر روی آگاهی و هوشیاری انسان و جایگاه آن در امور بین المللی است.²⁰

باین ترتیب در نزد تکوین‌گرایان جدای از فعالیت‌ها و نهادهائی که کشورها بین خودشان تنظیم می نمایند، دنیای بین المللی عینی دیگری وجود ندارد. به بیان دیگر بین کشورها بحران امنیتی اجتناب ناپذیری وجود ندارد زیرا هر موقعیت و هر شرایطی که کشورها خود را در آن می‌یابند، همانی است که خودشان برای خود آفریده اند. کشورها یکدیگر را در روابط خود شکل می دهند و در مسیر این شکل‌دهی هرج و مرج بین المللی را که معرف روابط آنهاست، تکوین می بخشند. کوتاه سخن آنکه جهان سیاسی، از جمله روابط بین الملل تماماً بوسیله مردم خلق شده و تکوین می یابد و هیچ اجتماعی خارج از فعالیت‌های بشری یا مستقل از آن‌ها وجود ندارد. اگرچه یک انتقاد بسیار جدی بر این نظریه بویژه به شکل افراطی آن وارد است و آن ناپایداری تمامی عوامل در تجزیه و تحلیل روابط بین‌المللی در تبیین تکوین‌گرایان است. به این معنا که اگر همه چیز غیر حتمی و در حال تغییر باشد در آن صورت پیش‌بینی روابط بین‌الملل در آینده غیر ممکن خواهد شد. با این حال رویکرد تکوین‌گرایی نیز همانند مکاتب کلاسیک علیرغم عدم توانائی در تجزیه و

تحلیل تمامی پدیده های بین المللی، در تبیین برخی از موضوعات نسبت به سایرین از اعتبار بیشتری برخوردار است. خصوصاً در مورد مفاهیم کلیدی این تحقیق یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات، قدرت نرم، تأثیرگذاری و اقناع که نهایتاً ذهنیت یا تصور خاصی را تکوین می بخشد.

محیط بین الملل

مجموعه نظرات هر یک از مکاتب کلاسیک را می توان در جدولی متشکل از مؤلفه های تعیین کننده در تنظیم سیاست خارجی و حوزه فعالیت دیپلمات ها، یعنی بازیگران و انگیزه آنها، طبیعت سیستم روابط بین الملل و محیط بین المللی بشرح صفحه بعد خلاصه کرد:

مارکسیسم	لیبرالیسم	رنالیسم	
«طبقات کشور». دولت - کشور سیستمی است برای تامین منافع سرمایه داری	کشورها و نهادهای بین المللی، اقتصاد جهانی، گروهها...	کشورها	بازیگران
رفتار و تفکر انسان متاثر از پایگاه طبقاتی	دارای شایستگی برای رشد، ساختار و سازمان جامعه او را بسوی خوبی یا بدی هدایت می کند	منفعت جو، حيله گر، حسابگر	طبیعت انسان
منازعه آمیز، تضاد طبقاتی	دارای ظرفیت همکاری و توسعه و امکان همکاری بین المللی	هرج و مرج گرا، آنارشيست	صحنه بین المللی
در نظام فعلي تامین منافع سرمایه داری	دموکراسی، امنیت جمعی و سیستم جهانی، منفعت اقتصادی	تلاش برای بقا	انگیزه کشورها
فاصله طبقاتی میان جوامع، میان کشورهای فقیر و کشورهای توسعه یافته،	سازمان ملل، رشد همکاریها در سازمانهای اقتصادی، توسعه، سازمان تجارت جهانی، موافقت	قدرت طلبی، تهاجمات به بهانه جلوگیری از حمله، مسابقه تسلیحاتی وسواس برای	استناد ها

تهاجم نظامی برای اهداف اقتصادی، حمایت از دیکتاتورها	نامه کنترل سلاحهای جمعی، اتحادیه ها	امنیت ملی و حفظ حاکمیت	
---	--	---------------------------------	--

مقایسه سه رویکرد اصلی راجع به قانون مندی روابط بین الملل

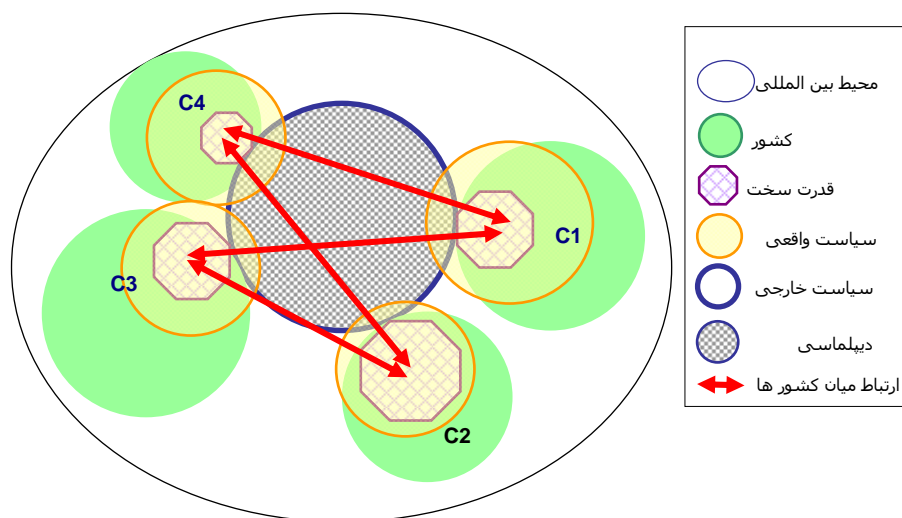
از مقایسه نقاط اشتراک و افتراق مکاتب مختلف درباره محیط بین المللی چنین بر می آید که امکان دستیابی بر نظری واحد و قابل تعمیم بر کلیه اتفاقات و تحولات صحنه بین المللی میسر نیست ولی می توان با ملاحظه اوضاع بین المللی نیم قرن گذشته با این قید که منظور از گذشته به هیچ عنوان اشاره به مقطع زمانی خاصی نیست و اصولاً در مورد فرایند تحولات بین المللی چنین امری ممکن نیست تا حدودی موجودیت و طبیعت محیط بین المللی را تبیین و وضعیت آینده را گمانه زد. آن چه از مجموعه اتفاقات و تحولات قرن گذشته در ارتباط با محیط بین المللی می توان دریافت این است که در نظام بین المللی گذشته کشورهای مجزا و حتی بدون ارتباط با یکدیگر و با اتکا به قدرت سخت در عرصه جهانی حضور داشتند و نوع تعامل آنها تا حد ممکن متمرکز بر بقا و بازدارندگی و همکاری ها نیز بر همین انگیزه ها استوار بوده است. در چنین وضعی تلاش کشورها معطوف بر افزایش اقتدار داخلی، تقویت قدرت نظامی، اقتصادی و نهایتاً استحکام مرزها بدون توجه زیاد به ملاحظات بین المللی و به بیان دیگر شیوه تعامل سیاست واقعی و دیپلماسی متداول، دیپلماسی سنتی است. لیکن در دهه های پایانی قرن گذشته و با سرعتی بیشتر از ابتدای هزاره سوم، تفاوت های قابل توجهی در ترکیب و ساختار محیط بین المللی بوجود آمده است، که ما در

این قسمت به منظور امکان ارائه تصویر روشنی از وضعیت اوضاع بین‌المللی در دهه های آتی، محیط بین‌المللی را تحت دو عنوان گذشته و جدید مورد بررسی قرار داده ایم. همان طوریکه پیشتر گفته شد تغییرات محیط بین‌المللی فرایند ادامه داری است که چنین تفکیک راجع به آن ممکن نیست.

نمودار محیط بین‌المللی گذشته

این محیط ساختاری است مرکب از: «کشورهائی با قلمروهائی نفوذ نا پذیر»، «قدرت سخت»، «سیاست واقعی» و «دیپلماسی سنتی».

نمودار محیط بین‌المللی قدیم



مطابق نمای فوق، محیط بین‌المللی گذشته مرکب است از کشورهای مستقل جدا از هم با مرزهای غیر قابل نفوذ، با اتکا به قدرت سخت که محدود به درون مرزها است، به جز قدرت های بزرگ که بخشی از قدرت سخت آنها

دیپلماسی دیجیتال / 41

مانند ناو هواپیما بر در خارج از مرزهایشان قرار دارد.

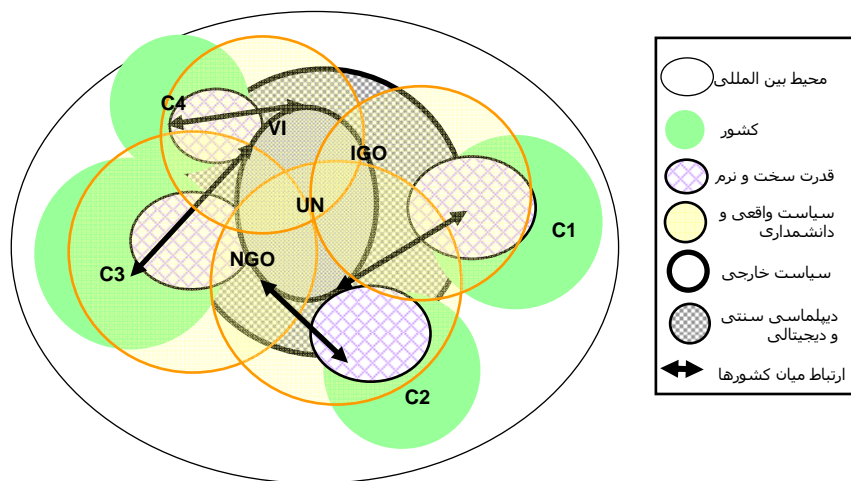
تصور کشورها نسبت به روابط میان یکدیگر و تحولات بین المللی مبتنی بر سیاست واقعی است و محاسبه اقتدار متمرکز داخلی، توانمندی های مادی در مقابله با قدرت سخت سایر کشورها است.

همانگونه که در نمای فوق مشاهده می شود هشت ضلعی که در این نما نشانه قدرت سخت می باشد در داخل محدوده قرار دارد و دایره

که نشانه سیاست واقعی به معنای محاسبات امکانات و توانمندی داخلی بعلاوه مقتضیات بین المللی است به خارج از کشور امتداد یافته است. دایره عرصه سیاست خارجی است و همان گونه که در شکل دیده می شود کلاً در خارج از مرزها قرار دارد و به تبع آن دیپلماسی سنتی نیز در خارج از مرزها متمرکز بوده و توسط دیپلمات ها و در خارج از کشورها پیگیری می گردیده است. ارتباط میان کشورها در دیپلماسی سنتی تک بعدی است. یعنی تنظیم رابطه با کشور دیگر بدون ملاحظه نهادهای بین المللی، سازمانهای غیر دولتی، افکار عمومی و نظر کشورهای دیگر. در حالیکه در حال حاضر برای مثال چنانچه کشوری تحت تحریم سازمان ملل باشد ارتباطات سایر کشورها با آن کشور محدود و مشروط می گردد.

نمودار محیط بین المللی جدید

این محیط ساختاری است مرکب از: «کشورهائی با قلمروئی نفوذپذیر»، «قدرت سخت + قدرت نرم»، «سیاست واقعی + سیاست دانشمدار»، «سیاست سنتی + دیپلماسی دیجیتال»



مطابق نمای فوق، محیط جدید، تحت تاثیر انقلاب اطلاعات و ارتباطات، فرسایش مرزها، جهانی شدن و تحولات متعدد دیگری که در فصول مختلف توضیح داده شده است قرار دارد. افزون بر مولفه های محیط قدیم، محیط جدید دارای مولفه های جدیدی چون قدرت نرم، سیاست دانشمدار، بازیگران فرا ملی و سازمانهای غیر دولتی است. مبنای تنظیم ارتباط کشورها سیاستی مرکب از سیاست واقعی و دانشمدار و دیپلماسی سنتی و دیجیتال می باشد.

همانگونه که در شکل فوق مشاهده می شود در محیط جدید مرزها در مواقعی برداشته شده و قدرت سخت به دلیل ترکیب با قدرت نرم از محدوده داخلی به خارج از مرزها کشیده شده است. سیاست واقعی نیز بنا بر ضرورت ملحوظ داشتن قدرت نرم که مبتنی بر مدیریت داده ها، اطلاعات و رویکردی دانش محور است ناگزیر به پذیرش سیاستی دانشمدار است. در اینجا توضیح یک نکته ضروری است تاکید بر مدیریت اطلاعات و اتخاذ سیاست دانشمدار به معنای این نیست که سیاست و دیپلماسی مبتنی بر

دیپلماسی دیجیتال / 43

علم و دانش نبوده است بلکه منظور به اصطلاح امروزی آن ترجیح رویکرد نرم افزاری در تصمیم سازی و اجراست. در این دیپلماسی روابط میان کشورها یک بعدی نیست به این مفهوم که هر نوع رابطه ای اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و حتی فرهنگی میان دو کشور در شرایط بین المللی امروز نمی تواند بدون دور از چشم نهادهای بین المللی، سازمان های غیر دولتی و بدون ملحوظ داشتن ملاحظات فضای جهانی سرانجام پذیرد.

خلاصه

از جنبه نظری دیپلماسی دیجیتال را در محیط بین المللی جدید مورد نظر این تحقیق می توان در چارچوب تئوری های معتبر و مطرح در زمینه علوم سیاسی ترسیم نمود و آنرا به عنوان مدلی از تجزیه و تحلیل اوضاع بین المللی جهت اطلاع تصمیم سازان برای یافتن دیپلماسی موثر پیشنهاد نمود. لازم به توضیح است که اگر چه برای تعامل در محیط بین المللی آینده به لحاظ تئوریک از سیاست دانشمدار نام برده شده است لیکن در واقع سیاست دانشمدار مکمل سیاست واقعی است بطوریکه اندیشمندان این رشته عقیده دارند سیاست واقعی قابلیت اصلاح و تطابق با انقلاب اطلاعات را دارد، لذا می تواند به عنوان یک پارادایم فعال باقی بماند ولی واقعیت آنست که دیپلماتها برای فعالیت در عرصه بین المللی به چیزی بیش از سیاست واقعی نیاز دارند. و خلاصه آنکه "اگر موضوع دیپلماسی را علم و هنر ایجاد رابطه میان کشورها به منظور حفظ و کسب منافع ملی از طریق بکارگیری هنرمندانه اطلاعات در متقاعد ساختن طرف مقابل بدانیم، امروزه صورت تکاملی آن علم و هنر دیجیتال است یعنی متقاعد سازی و اثرگذاری دیپلماسی سنتی با ترکیبی از قدرت سخت و «قدرت نرم» در ابعاد گسترده با سرعت بیشتر، پیچیده و

بازیگرانی متنوع. با قبول این واقعیت که در این دیپلماسی نیز کماکان کشور - ملت ها حضور دارند و قدرت نظامی، اقتصادی و اقتدار ملی نقش اصلی را بعهده خواهند داشت". البته نباید از نظر دور داشت که دیپلماسی دیجیتال و بکارگیری قدرت نرم، موضوعات جدید و در عین حال از مسائل خرد محیط بین المللی جاری و آینده به شمار می آیند که تئوریهای موجود به اظهار نظر قطعی و یا انتخاب رویکردی قابل تعمیم برای آن نپرداخته اند.

به هر حال تصور غالب در دیدگاه سنتی بر این پایه استوار است که محیط بین المللی صحنه ای است مرکب از تخاصم و تقابل و کمتر تعامل و همکاری میان حاکمیت های مستقل و مبنای کار باید سیاست واقعی باشد و روابط میان کشورها براساس دیپلماسی سنتی تنظیم گردد. ولی امروزه که عرصه بین المللی از بسیاری جهات از جمله فرسایش مرزها، محدود شدن قدرت های قلمرویی و جریان بدون کنترل اطلاعات، دچار تحولات عدیده ای شده است، کشورها ناگزیر به ارتباط بیشتر با یکدیگر و حتی با هویت هائی هستند که صاحب هیچ سرزمینی نیستند. در چنین شرایطی کشورها، افزون بر قدرت سخت، ناچار به استفاده از قدرت نرم می باشند و در عرصه بین المللی نیز علاوه بر سیاست واقعی باید سیاست های جدیدی از جمله «سیاست دانشمدار» را بکار گیرند و لازمه استفاده از این سیاست و تنظیم رابطه میان کشورها، استفاده از نوع جدیدی از دیپلماسی است که با توجه به ماهیت، نقش و کارکرد آن " دیپلماسی دیجیتال " نامیده می شود.

منابع و یادداشت فصل دوم:

1- اصطلاح "محیط بین المللی" توسط صاحب نظران امور بین المللی از جمله کیسینجر بکار رفته است. این مفهوم با اصطلاحات دیگری مانند سیستم بین المللی، روابط بین المللی نیز توصیف می گردد.

Henry Kissinger, "Does America Need a Foreign Policy? Toward a Diplomacy for 21st Century", page 20, ISBN 0-684-85567-4

² Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". iMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541.

³ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington (February 2000).

⁴ Annual conference of the International Studies Association, New Orleans, March 23_27,2002
Panel on Diplomacy, the English School, and International Theory page,10

⁵ Ibid

⁶ Henry Kissinger, "Does America Need a Foreign Policy? Toward a Diplomacy for the 21st Century" page 20, ISBN 0-684-85567-4.

⁷ Ibid

8- منبع قدرت نرم

9- این واژه معادل فارسی برای **noopolitic** است که از سوی نگارنده پیشنهاد می شود. اصطلاح (سیاست دانشمدار=**noopolitic**) از کلمه **noospher** با ریشه یونانی **noos** به معنای ذهن و یا هوش استخراج شده است از انتزاعی ترین و در عین حال مهمترین اصطلاحاتی است که در عرصه اطلاعات مطرح شده است و توسط دانشمند فرانسوی پری یرتیلهارد شاردین در سال 1925 بکار برده شد. از نظر شاردین ابتدا جهان بصورت **geosphere** (حوزه جغرافیایی) تکوین یافت سپس نوبت به **biosphere** (حوزه زیستی) رسید و اینک مردم در مقیاس جهانی با یکدیگر ارتباط برقرار می

کنند لذا جهان در حال شکوفا ساختن **noosphere** (حوزه معرفتی و یا ذهنی) است که شاردین آن را با عناوینی مانند (قلمرو جهانی چرخه "افکار")، (مدار تفکر) (ماشین شگفت انگیز تفکر) و (لفاف فکری) انباشته از الیاف و شبکه ها و یک (هوشیاری) جهانی عظیم و بی پایان آن را توصیف می کند. (ت 7) طولی نخواهد کشید که سنتزی از اجزاء و قطعات این حوزه معرفتی بوقوع خواهد پیوست و مردم از ملیتها، نژادها و فرهنگهای مختلف، افکار و ذهنیت هایی را توسعه خواهند بخشید که وسعت بینش و دید بی پایانی خواهند داشت بدون آنکه هویت های شخصی خویش را از دست بدهند. در واقع **noosphere** عاملی است برای تقویت «هوشیاری» و آگاهی بین المللی. (ت 8) و آن مانند ذهن یک سیستم «پردازش اطلاعات» عمل می کند. و برای اینکار بر انتقال پیام ها بعنوان داده ها و ستاده ها تمرکز دارد. از سوی دیگر با روشن ساختن اهداف، ارزشها و عملیاتی که یک سازمان یا یک سیستم مملکتی بر عهده دارد، حکم یک «ساختاراطلاعات» را ایفا می نماید. پذیرش مفهوم **noosphere** می تواند به استراتژیست ها در تمرکز ساختار اطلاعات و توجه آن بر روشن سازی منازعات مبتنی بر ارزشها، کمک نماید. است باین ترتیب دیپلمات باید به همان نسبت در حوزه **noosphere** بیندیشد که در حوزه های دیگر فکر می کند سیاست دانشمدار یعنی رویکردی که در آن کشورداری توسط بازیگران غیر کشوری و کشوری به یک میزان انجام گیرد و تاکید بر نقش قدرت نرم در ابراز نظریات، ارزشها، هنجارها و اخلاقیات از طریق همه ابزارهای رسانه ای دارد. و در حالیکه «سیاست واقعی» با تکیه بر ابعاد سخت و مادی قدرت، به کشورها به عنوان ترتیبات تعیین شده جهانی نظر دارد، سیاست دانشمدار با اتکا بر منبع قوی قدرت و استراتژی یعنی آگاهی که هر روز اهمیت بیشتری می یابد محور توجهات خود را قدرت نرم قرار داده است. پیش بینی ها آنست که در آینده این ها چه بیشتر به هم آمیخته شده و بهمان نسبت که **noopolitic** شکل می گیرد و طرفدار پیدا می کند بعنوان مکمل یا حتی جایگزین «سیاست واقعی» وارد صحنه می شود و زمانی هم ممکنست بعنوان پارادایم مخالف یا رقیب

برای سیاست واقعی در صحنه ظاهر شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه نمائید. به:

David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC. (February 2000).

¹⁰ Joshua S. Goldstein, "International relations" Second Edition, page 6-8, Visit the FREE Companion Website at www.internationalrelations.net ISBN 0-673-99758-8

¹¹ www.irtheory.com/know.html

¹² Joshua S. Goldstein, "International relations" Second Edition, Visit the FREE Companion Website at www.internationalrelations.net ISBN 0-673-99758-8

¹³ Robert Jackson, Georg Sorensen, "Introduction to International Relations, Theories and approaches" Second Edition, Oxford University Press, Page 6 and 248 and 264 ISBN 0-19-926058-3.

¹⁴ "The Concept of International System", British International Studies Association, Annual Conference, London School of Economics, December 16-18, 2000.

15- مجله سیاست خارجی، سال پانزدهم، تابستان 1380، ص 671.

¹⁶ Cynthia Weber, "International Relations Theory A Critical Introduction", page 61 ISBN 0-415-24974-

¹⁷ Robert Jackson, Georg Sorensen, "Introduction to International Relations, Theories and approaches" Second Edition, Oxford University Press, page 253-259 ISBN 0-19-926058-3

18- مجله سیاست خارجی، سال پانزدهم، تابستان 1380، ص 672.

¹⁹ Cynthia Weber, "International Relations Theory A Critical Introduction" page 61", ISBN 0-415-24974-

²⁰ Robert Jackson, Georg Sorensen, "Introduction to International Relations, Theories and approaches" Second Edition, Oxford University Press, page 253-259 ISBN 0-19-926058-3

فصل سوم دیپلماسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات

همانگونه که مخترعین برای نامگذاری و معرفی اختراع خود ناگزیر به ایجاد واژه ای متضمن توصیف کارکرد دستگاه جدید بوده اند برای نمونه می توان از ترکیب پیشوند (tele= دور). و پسوند (phone= صدا) که برای دستگاه تلفن، بکار رفته است نام برد، با ورود فناوری ارتباطات و اطلاعات به عرصه روابط بین الملل، متخصصین این رشته ها نیز برای توصیف یک ارتباط، یک وضعیت و یا شرایط حاصله ناگزیر به واژه پردازی اند. اصطلاح (netizenship= شبکه وندی) را که شبیه سازی با شهروندی و بیانگر وضعیت افرادی است که تابعیت آنها در ارتباط با شبکه اینترنت مشخص می شود نه وابستگی به یک کشور بکار برده اند این قبیل اصطلاحات عمدتاً قبل از تجزیه و تحلیل کامل و حصول اتفاق نظر راجع به مفاهیمشان، توسط اینترنت و رسانه ها در کمترین زمان ممکن در تمامی جهان منتشر و باعث برداشت های متفاوت، نه تنها در میان عموم مردم، بلکه فعالین عرصه بین المللی می گردد. چنین وضعیتی در مورد اصطلاح "دیجیتال دیپلماسی" نیز، علیرغم پذیرش آن از سوی مراکز آکادمیک و موسسات علمی وابسته به وزارت خارجه های کشورهای مختلف پیش آمده است. از آنجائی که گاه اصطلاحات دیگری برای این دیپلماسی نیز بکار گرفته شده است جهت افتراق موضوع و پیشگیری از ابهامات احتمالی و دستیابی به تصویری روشن تر، ابتدا در این بخش، اصطلاحات یاد شده بطور اختصار تعریف می شوند. سپس به وجوه اشتراک و تفاوت اصطلاحات مشابه با دیپلماسی دیجیتال و مختصات و کارکرد این دیپلماسی پرداخت خواهد

شد. بویژه با توجه به یک برداشت غیر دقیق که عقیده دارد این اصطلاحات مبین دیپلماسی خاصی نیست بلکه توصیف بکارگیری تجهیزات الکترونیک در دیپلماسی است نگارنده ناگزیر از تعریف توصیفی و تحلیلی دیپلماسی دیجیتال می باشد با این ملاحظه که در مورد تعریف دیپلماسی معمول نیز پس از گذشت سالها از سابقه آن هنوز بحث و مناقشه نسبت به هنر یا علم بودن آن پایان نگرفته است.

آقای برین هاکنگ در این باره می گوید: یکی از مشکلاتی که همواره در ارزیابی طبیعت و نقش متغیر دیپلماسی وجود دارد فقدان تعریف تحلیلی دیپلماسی در مقابل تعریف توصیفی عوامل احاطه کننده آن بوده است. این را می توان ناشی از وجود انبوهی از مباحث بی فایده درباره زوال دیپلماسی دانست که اغلب در مغالطه هائی مانند، دیپلماسی بعنوان یک "فرایند" در محیط بین المللی و یا به عنوان "یک سری از مکانیسم ها" که از طریق فرایند های فوق اعمال می شوند، پیش می آید. اغلب گفته شده است که ما شاهد دوران زوال سریع دیپلماسی در اثر وقوع تغییرات شدید هستیم. در اینجا ما با مباحثه ای ظاهرا متضاد مواجهیم از یک سو نیاز به دیپلماسی بیشتر احساس می شود، در عین حال زوال قریب الوقوع آن نیز پیش بینی شده است.¹

دیپلماسی

واژه دیپلماسی مانند مفاهیم دیگر، دارای کاربردهای متفاوتی است. گاهی این واژه معادل اصطلاح «سیاست خارجی» بکار می رود، زمانی بعنوان "ایجاد ارتباط قانونمند بین دو اجتماع" است که به دنبال مفهوم قدیمی تر "اعزام فرستاده از یک قبیله به قبیله دیگر به نشانه تمایل برای مذاکره درباره علائق دوجانبه" پدید آمده است. سومین مورد، "بر عامل مذاکره بین نمایندگان دو اجتماع"

متمرکز است و چهارمین کاربرد زمانی است که واژه دیپلماسی اختصاصاً حاکی از "انجام مذاکرات بین یک حکومت با حکومت دیگر" است. پنجمین و تازه ترین کاربرد، مربوط می شود به هویت های مهم از نظر سیاسی از جمله گروه های آزادیبخش، سازمان های بین المللی و نیز حکومت های مستقل. در یک ساختار جدیدتر، دیپلماسی بر اساس تشکیلات و دستگاه بورکراتیکی که فرایند مذاکرات بین المللی را پشتیبانی می کند، از قبیل ادارات، بخشها و دفاتر در کشور فرستنده و سفارتخانه ها و کنسولگریها در خارج، قوانین و دستورالعملها، پروتکل و مصونیت های دیپلماتیک، فهمیده می شود. در سطحی وسیع تر، دیپلماسی واژه ای است که در سطحی وسیع برای توصیف نوع مهارت ها، زیرکی و فراست، آداب دانی، صبوری و قدرت متقاعد سازی که نویسندگان آنها را برای موفقیت در انجام مذاکره ضروری می دانند، بکار می رود. دو استفاده دیگر نیز از دیپلماسی می شود، یکی به عنوان شاخه ای از خدمات خارجی و دیگری آنچه که دیپلمات های حرفه ای انجام می دهند.²

تحولات تکاملی در دیپلماسی

گرچه بعضی شیوه ها و فعالیت های دیپلماتیک، صدها سال قدمت دارند، اما بعنوان اجرای فعالیت های بین المللی توسط دیپلمات های حرفه ای، این واژه نسبتاً جدید است. کلمه لاتین «دیپلما» از یک کلمه یونانی به معنای «تا کردن و بهم پیچیدن» مشتق شده است که در اصل به صفحات فلزی مهر و موم شده و درهم پیچیده ای اطلاق می شد که مقامات رومی به کسانی که از راه های امپراتوری عبور می کردند و یا برای انجام کارهای رسمی به خارج می رفتند، می دادند. لذا «دیپلما» برگ عبور یا گذرنامه ای بود که به افراد خاصی داده می شد و زمانیکه

بتدریج این اصطلاح آنقدر گسترش یافت که هر گونه سند رسمی را در بر می گرفت، نیاز به گروهی از کارکنان برای ثبت، طبقه بندی و نگهداری ازچنین اسنادی در آرشیو امپراتوری، رخ نمود. به کارکنان در این آرشیو «دیپلماتیست» می گفتند که بر اساس تجربه و سلسله مراتب کار می کردند، همان طور که دیپلمات های مدرن فعالیت می نمایند. بسیاری از نمایندگان در قرون وسطی و رنسانس، بخصوص آنهایی که از طرف پاپ از رم اعزام می شدند یا خود، کارکنان چنین آرشیوی بودند یا توسط آنان آموزش دیده بودند.³

دیپلماسی عمومی^۱

دیپلماسی عمومی یا مردمی را می توان پایه انواع دیپلماسی هایی دانست که با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات و به تناسب پیشرفت نوآوریهای آن با اصطلاحاتی ترکیبی متشکل از نام آن فناوری و یا نرم افزار همراه با دیپلماسی، مطرح می گردند. وجه تمایز اصلی انواع دیپلماسی عمومی از دیپلماسی سنتی در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسائل تبلیغی است. این اصطلاح اولین بار در سال 1965 از سوی رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی دانشگاه Tufts آقای ادموند مطرح گردید. در یکی از قدیمی ترین بروشورهای این موسسه، دیپلماسی عمومی چنین تعریف شده است⁴:

«اعمال و اجرای سیاست خارجی از طریق تاثیرگذاری بر طرز تلقی عمومی که در بر دارنده ابعادی ورای روابط بین المللی در دیپلماسی سنتی می باشد و شامل پرورش افکار عمومی سایر کشورها توسط دولتها و تعامل میان گروههای خصوصی و ذینفوذ دو کشور، ترویج موضوعات و امور مربوط

¹ Public diplomacy

به وزارت امورخارجه، در میان کسانی که حرفه اشان ارتباطات است، مانند خبرنگاران خارجی، و بالاخره فرآیند ارتباطات میان فرهنگی می باشد. محور اصلی این دیپلماسی انتشار فرا ملی اطلاعات و ایده هاست»⁵.

تفاوت دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی در این است که دیپلماسی عمومی نه فقط با دولت ها بلکه از ابتدا با مردم، افراد و سازمانهای غیر دولتی سروکار دارد و فعالیت های آن محدود به نظرات دولت نیست بلکه نظرات دولت، سازمانهای خصوصی و افراد نیز مد نظر قرار می گیرند. یکی از دیپلماتهای با سابقه آمریکایی می گوید: دیپلماسی عمومی عبارتست از تلاشهایی برای فهمیدن، آگاهی دادن و تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی خارجی با هدف دنبال کردن منافع ملی و گسترش گفتگو میان آمریکا و سازمانهای آمریکایی و همتاهایشان در خارج⁶. امروزه «مدیریت تصویر» که عبارتست از ارائه یک چهره مثبت از کشور و ترمیم خدشه هایی که از سوی دیگران وارد می شود، وظیفه اصلی سفارتخانه ها و وزارت خارجه می باشد و این همان کاری است که آمریکائیان سالها پیش آنرا با نام دیپلماسی عمومی آغاز نمودند. در آمریکا دیپلماسی عمومی چنین تعریف شده است: تلاشهای رسمی دولت برای شکل دادن به محیط ارتباطات خارجی که سیاست خارجی آمریکا در آن جریان دارد با هدف کاهش سوءتفاهمات و درک های نادرستی که ممکن است ارتباط میان آمریکا و آن کشور را پیچیده و مساله دار نماید، از طریق مطلع ساختن و تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی سایر کشورها و ابزار اساسی آن عبارتند از نشریات، مبادلات فرهنگی، فیلم، امواج صوتی و تصویری. و بالاخره آنکه این دیپلماسی عمومی معتقد به اداره ماهرانه و دستکاری شده سیاست خارجی

از طریق پخش آنچه که می تواند بعنوان تبلیغات پنداشته شود، می باشد.⁸

دیپلماسی شبکه^۱

دیپلماسی شبکه عبارتست از آمیزه ای از دیپلماسی سنتی که در آن دیپلماتها با مقامات عالیرتبه و رهبران کار می کنند و آنچه که دیپلماسی عمومی نامیده می شود و دیپلماتها مستقیماً با شهروندان خارجی سر و کار دارند. از این روش افزون بر وسائل ارتباط جمعی مورد استفاده در دیپلماسی عمومی، از اینترنت استفاده می شود.⁹ مشخصه دیگر این دیپلماسی «تعامل» می باشد چون از طریق اینترنت مخاطبین نیز می توانند اظهار نظر نمایند. در روش دیپلماسی عمومی امکان مانور برای تبلیغات زیاد بوده و می شود اطلاعات را اعم از درست یا نادرست - با هدف «مدیریت تصویر» منتشر نمود، در حالیکه در دیپلماسی شبکه بدلیل امکان عکس العمل افراد آنهم در گستره های بین المللی، باید اعتبار و سندیت اطلاعات و اخبار بیشتر باشد. نکته مهم آنکه برای این جریان دو سویه، داوری مقتدری وجود ندارد لذا مقابله با شایعات و اکاذیب از هر طرف که باشد انرژی زیادی می طلبد و معمولاً برد با آن هایی است که دانش استفاده و دسترسی به شبکه های ارتباطی جدید را دارند. از دیگر ویژگیهای دیپلماسی شبکه ای وجود یک رابطه متقارن بین بازیگران حکومتی و غیر حکومتی است. هیچ حکومتی نمی تواند یا حداقل برایش بسیار مشکل است که بطور موثر به فرا افرادی از قبیل بیل گیت، جرج سوروس، جیمی کارتر یا اسامه بن لادن پاسخ دهد. اهمیت دسترسی داشتن به حمایت محافل جهانی، بیش از همه در چنین روابطی مشخص می شود.¹⁰ آقای باری فولتان در کنفرانس فناوری اطلاعات و اعمال دیپلماسی در این باره می گوید: دیپلماسی شبکه ای دارای دو خصوصیت است یکی تکنولوژی و دیگری

¹ Net diplomacy

قابلیت اعتماد. دیپلماسی شبکه ای را باید وارث دیپلماسی مگافون دانست. در جهانی که هر روز بیشتر بسوی مظاهر دموکراسی پیش می رود و توسط رسانه های خصوصی و دولتی بشدت به یکدیگر مرتبط شده است، دیگر تنها صدا و یا بالاترین مقام بودن برای اعمال رهبری کافی نیست¹¹.

دیپلماسی سایبرⁱ

هدف دیپلماسی سایبر مانند دیپلماسی سنتی، تعاملات دو جانبه بین نمایندگان منصوب حکومتها، سازمانهای بین المللی و دیگر بازیگران بین المللی است که یکدیگر را برای این منظور پذیرفته اند. اغلب هدف چنین تعاملاتی مذاکره در باب یک توافق یا بیانیه که توسط قانون بین المللی به رسمیت شناخته شده است می باشد. قوانین دیپلماسی سنتی، مقررات دقیق و صریحی مانند کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مصوب 1961 و نیز قوانین رایج دیگر را به منظور تضمین قانونی بیانیه ها و توافقات منعقد از سوی بازیگران بین المللی ارائه می نمود. حال آنکه دیپلماسی سایبر فقط در صورتی می تواند آلترناتیو قابل قبول یا سهیم برای دیپلماسی سنتی باشد که مقررات مربوطه با آن قابل تطبیق باشند. دیپلماسی سایبر به آینده ای نظر دارد که در آن دیپلمات به عنوان یک شخص حقیقی یا ماهیت حقوقی رسماً از طریق وب سایت و ای میل استوار نامه خود را به کسی که با او سر و کار خواهد داشت ارائه داده و از همان طریق هم به کلیه وظایف خود عمل می کند. دیپلماسی سایبر می تواند مکمل و تا حدی متمم دیپلماسی معمولی باشد.¹²

تله دیپلماسیⁱⁱ

ⁱ cyber diplomacy

تله دیپلماسی هم اینک به عنوان یک جنبه کلیدی در محیط سیاسی دیده می شود که بر نتایج و نیز فرایند سیاست خارجی اثر می گذارد که در نتیجه توانایی پاسخگویی سریع به جریان شتابنده اتفاقات، یکی از شاخصهای اصلی در ارزیابی قابلیت بازیگران بوده و در سازمان و عملکرد سیستم های ملی در دیپلماسی منعکس می گردد¹³.

دیپلماسی مجازیⁱⁱⁱ

ابتکار دیپلماسی مجازی توسط موسسه صلح آمریکا از 1995 شروع شد و یکی از هدف های آن این بوده است که بگوید چگونه دولت ها می توانند یا باید از تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات برای پاسخگویی و اداره درگیریهای جهانی استفاده نمایند و اینکه چگونه این تکنولوژیها رقبای جدید و فعالیتهای تازه ای را به مامورین و نیز دیپلماسی دولت به دولت تحمیل نموده است¹⁴ دیپلماسی مجازی نیز به همان اندازه واژه جهانی شدن در روابط دیپلماتیک انعکاس داشته و متناسب با آن استفاده شده است. دیپلماسی مجازی طبق تعریف «موسسه برنامه دیپلماسی مجازی» آمریکا منوط می شود به کاربرد تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات در دیپلماسی. دیپلماسی مجازی دو تاثیر عمده دارد: اول ایجاد توانمندی در ایجاد سفارتخانه های مجازی که چیزی بیشتر از یک رایانه «لپ تاپ»، یک مودم و یک تلفن ماهواره ای در اتاق یک هتل نیست. بسیاری از کشورها در مدت بحران بوسنی از این روش استفاده کرده اند. دوم: تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات رابطه بین وزارت خارجه کشورها و نمایندگی مستقر در خارج را، با بخشیدن نقش مستقیم تر در شکل بخشیدن به سیاست ها در این نمایندگی های مجازی، دگرگون ساخته اند.

ⁱⁱ Tele diplomacy

ⁱⁱⁱ Virtual diplomacy

دیجیتال دیپلماسی^۱

آقای ویلسون دیزارد مبتکر اصطلاح "دیجیتال دیپلماسی" در پیش گفتار کتاب خود درباره انتخاب این اصطلاح می نویسد: "من گاهی نسبت به پیشنهاد نام برای موضوعی که در این کتاب راجع به آن به بحث پرداخته ام، ابا دارم. در حال حاضر اگر بطور موقت این نام نیز به فهرست سنتی و طولانی سابق شامل عناوینی همچون دیپلماسی کشتی جنگی، دیپلماسی دلار، دیپلماسی آرام، دیپلماسی شاتل، دیپلماسی پینگ پنگ و جدیدتر از همه دیپلماسی عمومی اضافه گردد، ممکنست این اصطلاح مفید باشد"¹⁵.

تردید آقای دیزارد ناشی از مشکل ذاتی علوم اجتماعی یعنی عدم وجود موضوعات ملموس و عینی است. بویژه در باره دیپلماسی که بستگی تام و تمامی به توانمندی های شخصی، موقعیت دو کشور و شرایط ویژه بین المللی دارد. به طوریکه پس از گذشت چند قرن از سابقه آن هنوز بحث و مناقشه نسبت به هنر یا علم وبالاخره رویه بودن آن پایان نگرفته است. یکی از ساده ترین تعریف های دیپلماسی آنرا علم مطالعه روابط میان کشورها می داند. حتی در این تعریف بسیار ساده نیز "روابط میان کشورها" مفهوم بسیار گسترده ای است. ضمن آنکه به کارگیری این علم، توسط تمامی دانش آموختگان و در ارتباط با کلیه کشورها، همانند آزمایشات علوم تجربی، نتیجه یکسانی در بر ندارد. درحالیکه نسبت به دیپلماسی که واقعیتی تجربه شده در زندگی انسان امروز است چنین ابهام و اختلافی مطرح است، تردید آقای دیزارد مبتکر این اصطلاح و پرسش و ابهام و برداشت های متفاوت دیگران بدلیل تازگی موضوع "دیجیتال دیپلماسی" کاملاً طبیعی است. به هر حال در تمامی کتاب آقای دیزارد تعریف مشخصی برای "دیجیتال دیپلماسی" ارائه نشده است و او در واقع

^۱ digital diplomacy

فقط سیر تکامل دیپلماسی عمومی و بکارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در سیاست و تجارت خارجی امریکا را با تاکید بر فناوری دیجیتال، مورد بررسی قرار داده است. البته در نوشته های بعدی او موضوع تا اندازه ای روشن تر می شود.

خاستگاه

ظهور دیپلماسی دیجیتال، به شکل امروزی آن، ناشی از احساس نیاز وزارت خارجه امریکا در سال 1930 به تبلیغات وسیع برون مرزی رادیویی بر علیه قدرت های مخالف خود بود. همین ضرورت باعث بنیان گذاری دیپلماسی الکترونیک با استفاده از فرستنده های برون مرزی برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی در داخل و خارج کشور و آنچه که بعدها "دیپلماسی عمومی" نامیده شد، گردید. این برنامه در پایان جنگ جهانی دوم و در سال 1945 به بزرگترین قدرت اطلاع رسانی جهان با عنوان "صدای امریکا" تبدیل شد و در سال 1950 با اتصال اولین کابل زیردریایی که توانست ترافیک مخابراتی، تلویزیون و تلفن را اداره کند و در سطح وسیعی فعالیت های تجاری، اقتصادی و فرهنگی برون مرزی امریکا را پیش برد و سپس با ادامه آن در دوران جنگ سرد و آغاز برنامه های ماهواره، کامپیوتر، اینترنت و دیگر فناوری های اطلاعاتی "دیپلماسی دیجیتال" متولد گردید.¹⁶

در سال 1960 موضوعی که امروز دیپلماسی دیجیتال نامیده می شود، در وزارت خارجه امریکا با پرتاب نخستین ماهواره ارتباطی بنام کام ستاً دنبال شد. تا آن زمان سیاست ارتباطات از ملاحظات درجه دوم سیاست خارجی به شمار می آمد و اکثراً محدود به معاملات دو جانبه موردی با بعضی از کشورها بود، لیکن

¹⁶ Com sat

از این تاریخ ببعد امریکا توانست یک شرکت خصوصی را در مذاکره با دولت‌های خارجی پایه پای وزارت خارجه وارد نموده و آغازگر حرکتی باشد که از وجوه بارز دیپلماسی دیجیتال می باشد یعنی حضور بخشها، افراد، سازمان‌های تجاری در فرایند مناسبات سیاست خارجی- می باشد¹⁷.

البته این سیاست امریکا در داخل و خارج با مقاومت‌هایی روبرو بود. در داخل اغلب دست‌اندرکاران سیاست خارجی، دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی بودند که به اهمیت نقش تکنولوژی ارتباطات در امور سیاسی و اقتصادی چندان واقف نبودند بنابراین در بکارگیری آن اکراه داشتند. تصور دیپلمات‌ها راجع به حرفه خودشان، بعنوان یک تخصص ویژه نخبگان، مانع دیگری بود. ولی امروز سرعت انتقال و انبوه اطلاعات در دسترس همگان و حضور گروه‌های ذینفع غیر دولتی فراملیتی و چند ملیتی در سر میز و پشت صحنه مذاکرات دو و چند جانبه، خطا بودن این تصور را محرز ساخته است. در خارج از کشور ایالات متحده نیز بلوک شرق و کشورهای مستقل حتی در بلوک غرب مانند فرانسه در مقابل برنامه‌های امریکا که از آن به عنوان تهاجم فرهنگی امپریالیستی نام برده می شد مقاومت می‌کردند. امریکا برای ادامه کار موضوع جریان آزاد اطلاعات را مطرح و حتی یک بار به این بهانه یونسکو را ترک کرد.

بطور خلاصه آقای دیزارد خاستگاه دیپلماسی دیجیتال را چنین مطرح می‌کند: در عصر اطلاعات نه فقط به دلیل مطرح شدن یک سلسله از موضوعات استراتژیک جدید، بلکه به دلیل ضرورت پاسخ‌گویی مناسب به آن‌ها، سیاست خارجی تحت تاثیر روز افزون ارتباطات و اطلاعات الکترونیک قرار گرفته و در نتیجه نوع مشخصاً متفاوتی از روابط بین‌ملت‌ها بوجود آمده که مستلزم بکارگیری دیپلماسی دیجیتال است. اقلیتی از طرفداران افراطی

این نوع از دیپلماسی، آنرا کامپیوتری کردن کلیه عملیات سیاست خارجی و اعمال آن‌ها بروش کنترل از راه دور، یعنی تله دیپلماسی و نهایتاً ایجاد سفارتخانه‌های مجازی بعنوان باجه‌های گردآوری و پردازش الکترونیکی اطلاعات و ارسال آن‌ها به مراکز تصمیم‌گیری کامپیوتری در پایتخت‌های کشورهای می‌دانند. درمقابل منتقدان افراطی با استناد به غیرقابل اعتماد بودن حتی پیشرفته‌ترین بانک‌های اطلاعات الکترونیکی و نفوذ پذیری کامپیوترهای دولتی، برای دیپلماسی دیجیتال کمترین اعتبار را قائل می‌شوند. لیکن افکار غالب در این زمینه عقیده دارند که کشورهای دارای بورکراسی بزرگ و محافظه‌کار و مایل به مقاومت در برابر نوآوری، احتمالاً از مزایای استفاده از تکنولوژیهای جدید، سفارتخانه‌های کوچکتر و سازمانهای «پهن‌تر» با طبقات سازمانی کمتر و مسئولیت‌ها و اختیارات بیشتر در هر طبقه، که به اندازه هیات‌های نمایندگی بزرگ و سلسله‌مراتبی، موثر خواهند بود، محروم خواهند شد. بعضی معتقدند که جهانی شدن اقتصاد و وجود نیروهای سیاسی و فناوری مدرن به معنای حذف تدریجی نه فقط دیپلماسی سنتی، بلکه حتی حکومت‌هاست. این نظریه اغراق‌آمیزی است، اما دولت‌هایی که در تطبیق فعالیت‌های خود از جمله دیپلماسی، در بهره‌برداری از مزایای تخییرات فناوری، شکست بخورند محکوم به تحمل زیان‌های سنگین خواهند بود. بهرحال در حد واسط دو نظر افراطی فوق واقعیت‌هایی وجود دارند که خاستگاه دیپلماسی دیجیتال را مشخص‌تر می‌نمایند. این واقعیت‌ها عبارتند از:

- ظهور یک سری جدید از موضوعات سیاست خارجی و الزام بکارگیری منابع پیشرفته ارتباطات و اطلاعات.
- بروز تغییرات در سازمان منابع اطلاعات، در درون وزارت خارجه و دیگر

دیپلماسی دیجیتال / 61

مؤسسات وابسته به وزارت خارجه.. باید توجه داشت که کسب موفقیت در دو وظیفه اصلی وزیر بنائی دیپلماسی یعنی گزارش دهی و مذاکره، در حال حاضر نیز در گرو استفاده بهتر از فناوری پیشرفته برای گردآوری و پردازش اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری است.

• اجتناب ناپذیری اعمال دیپلماسی عمومی و مخصوصاً استفاده از فناوری دیجیتال برای تاثیرگذاری بر نظرات توده های مردم.

این واقعیت ها باعث ارائه مدل های جدیدی از دیپلماسی با تاکید بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات شده و به محادلات ضرورت و یا عدم ضرورت دیپلماسی دیجیتال پایان بخشیده است. و این مدل ها با اصطلاحاتی متفاوت ولی با اشاره به مفاهیمی بسیار مشابه، در ادبیات روابط خارجی وارد شده اند. برای دستیابی به تعریفی روشن از دیپلماسی دیجیتال ناگزیر به توضیح تفاوت و تشابه هر یک از آنان با دیپلماسی دیجیتال می باشیم.

وجوه تمایز دیپلماسی دیجیتال

تفاوت دیپلماسی دیجیتال با عمومی عبارت است از اینکه دیپلماسی عمومی جریانی یک سویه ای است که در یک سمت آن یک دولت قرار دارد و از طریق رسانه های جمعی، ایدئولوژی، فرهنگ، اقتصاد و سیاست های خودش را تبلیغ می نماید. در این روش، مخاطبین به دلیل بسته بودن نظام ها و نبود امکانات، فرصت عکس العمل نداشته هم اکنون نیز با وجود گسترش فناوری ارتباطات کماکان این مشکل وجود دارد. در این روش فقط می توان مطمئن بود که پیام ارسال شده است درحالی که در دیپلماسی دیجیتال، نقش اساسی بعهد دیپلماتهاست و ارتباط نه تنها دو جانبه بلکه چندین جانبه است. ضمن آنکه در این

روش امکان دریافت نظرات، سازماندهی و هدایت نیز وجود دارد.

تفاوت دیپلماسی دیجیتال و شبکه در آن است که دیپلماسی شبکه همان دیپلماسی سنتی است که در آن نقش دولت محدودتر می شود و دیپلمات ها برای تماس با مقامات از امکانات شبکه ای استفاده می کنند. در این روش، تاکید اصلی بر بهره مندی از امکانات شبکه ای در فعالیت دیپلماتیک است. درحالیکه در دیپلماسی دیجیتال استفاده از شبکه داخل دستگاه دیپلماسی، شبکه دولت و اینترنت جزئی از کار است و تاکید ها بر شرایط محیط بین المللی حاصل از تاثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات می باشد.

روش دیپلماسی سایبر معطوف به فعالیت های دیپلماسی سنتی در عرصه مناسبات و تحرکات بین المللی، از طریق اتصالات کامپیوتری است که براحتی دستیابی به مقررات و کنوانسیون های بین المللی را فراهم می آورد. در حقیقت این روش بخشی از دیپلماسی دیجیتال است.

در جوه تمایز دیپلماسی دیجیتال با دیپلماسی مجازی و تله باید گفت روشهای دیپلماسی مجازی و تله بر هر نوع اقدامات دیپلماتیک از راه دور اطلاق می شود. دیپلماسی مجازی عبارت از انجام امور دیپلماتیک بدون استقرار در سفارتخانه و یا استفاده از ساختمان و امکانات پرهزینه و بدون حضور دیپلماتهای مقیم می باشد. نمونه آرمانی این روش عبارت است از: هدایت کارها از وزارت خارجه و اقدام با یک کامپیوتر کیفی در یک اتاق کوچک هتل در پایتخت کشور مورد نظر، توسط یک دیپلمات خبره و با ظرفیت یک سفارتخانه تمام عیار. البته در عالم واقع چنین کاری هنوز ممکن نیست.

خلاصه

با توجه به سابقه ورود اصطلاح دیجیتال به عرصه دیپلماسی و مقایسه آن با سایر دیپلماسی های مرتبط، دیپلماسی دیجیتال را می توان چنین تعریف نمود:

دیپلماسی دیجیتال / 63

دیپلماسی دیجیتال عبارت است از اثرگذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان (سرعت) مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت منافع ملی.

حوزه فعالیت دیپلمات ها در دیپلماسی دیجیتال به درون وزارت خارجه، سفارتخانه، کشور محل مأموریت و نهادهای بین المللی محدود نمی شود. سرعت در تصمیم گیری و اقدام از مشخصات بارز این دیپلماسی است. بر خلاف دیپلماسی سنتی که فاصله مکانی دیپلمات ها را در شناسائی مسائل از سایرین متمایز می ساخت در دیپلماسی نوین بدلیل دسترسی همگان به اخبار و اطلاعات، سرعت دریافت و انتقال عامل تعیین کننده خواهد بود. در این دیپلماسی مخاطبین به مقامات، دیپلمات های دیگر، ارباب جراید و رسانه ها و گروه های ذینفوذ، سازمان های غیر دولتی کشور پذیرنده محدود نمی گردد. بلکه هر فرد یا گروهی از هر نقطه جهان در حوزه اقدام یک دیپلمات قرار می گیرند.

تخصص شغلی و حرفه مندی مرتبط با فناوری ارتباطات و اطلاعات پیش نیاز ورود به دیپلماسی دیجیتال بوده و جلب مشارکت و سازمان دهی و هدایت هویت های حقیقی یا مجازی بسوی اهداف مورد نظر از ویژگی های دیپلماسی دیجیتال است. با این توضیح که عدم محدودیت مکانی و بی شماری مخاطبین به مفهوم نادیده انگاشتن کنوانسیون ها و مقررات ناظر بر مناسبات دیپلماتیک نیست بلکه منظور تغییر طبیعت کار و لزوم توجه به عواملی است که ممکن است از داخل و یا خارج از کشور محل مأموریت بر جریان امور تأثیر گذارند. بی تردید همانگونه که برای ماهواره ها قوانین و مقرراتی تصویب شده است. درخصوص این قبیل دیپلماسی ها نیز کنوانسیون های جدیدی ایجاد و یا قوانین گذشته مورد بازنگری قرارخواهد گرفت.

منابع و یادداشت فصل سوم

¹ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

² Geoffrey Stern, "The Structure of International Society, an Introduction to the Study of International Relations"p 152, ISBN 1-85567-276-6.

³ Ibid p.154.

⁴ <http://www.publicdiplomacy.org/1.htm>

⁵ Ibid.

⁶ Donna Marie Oglesby, "Dog Food, Diapers, Diplomacy", St. Petersburg West Rotary 19 February 2003.p3.

⁷ <http://www.publicdiplomacy.org/1.htm>

⁸ Ibid.

⁹ Bryant Jordan "Net diplomacy" United States Institute of Peace-Virtual Diplomacy -- 1200 17th Street NW -- Washington, DC _ October 30 2000.pp.1-12.

¹⁰ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pp. 28-44. ISSN 1311-1493

¹¹ Barry Fulton, "The Digital Diplomat", Conference on Information Technology and the Practice of Diplomacy. The Elliot School of International Affairs at George Washington University and the American Academy of Diplomacy. April 20, p.3.

¹² Dietrich Kappeler "some legal issues in cyber diplomacy" www.diplomacy.edu/conference/

¹³ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

¹⁴ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493.

¹⁵ Wilson Dizard, Jr. " Digital Diplomacy, U.S. Foreign Policy in the Information Age" ISBN 0-275-97228-3.preface

¹⁶ Ibid.p.32,62

¹⁷ Ibid.p.32,44

فصل چهارم فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه روابط بین الملل

روابط بین الملل و دیپلماسی از جمله موضوعاتی هستند که از ادبیات نسبتاً غنی و متنوعی برخوردار می باشند، بخصوص از قرن پانزدهم میلادی به این سو که هزاران جلد کتاب و مقاله و اسناد معتبر در این باره منتشر شده و می شود. لیکن در مورد موضوعات جدیدی که عناوین آنها برگرفته از موقعیت های ناشی از تلفیق فناوری های نوین با ابتکارات بین المللی و دیپلماسی از جمله موضوع پژوهش حاضر است، محدودیت منابع مشکل جدی محققین بشمار می آید. با این وجود تلاش و علاقمندی پژوهشگران روابط بین الملل خصوصاً در مراکز آمریکایی به مطالعه و تجزیه و تحلیل اثرات ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه روابط بین الملل و حوزه فعالیت دیپلمات ها باعث گردیده تا مقالات مفید قابل استناد و راه گشا بسوی انجام تحقیقات مرتبط با دیپلماسی دیجیتال، هر چند محدود در دسترس باشد.

با عنوان دیپلماسی دیجیتال فقط یک کتاب موجود است و کتاب دیگری نیز با عنوان دیپلماسی سایبر منتشر شده است که تا حدودی به موضوع مورد نظر این تحقیق مرتبط می باشد. بقیه مطالب از یک سو به سخنرانی های مقامات و مسئولین پیرامون ضرورت حرکت بسوی استفاده گسترده از تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات در وزارت خارجه امریکا و مؤسسات وابسته به آن مربوط می شود و از سوی دیگر به مقالات محققین در توصیف موضوع و تجزیه و تحلیل نظری تا تئیرات فناوری ارتباطات و اطلاعات در عصر حاضر بر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با استفاده مترادف از

اصطلاحاتی چون دیپلماسی سایبر، کنترل از راه دور، مجازی و امثال آن آن محدود می‌گردد. به همین دلیل پیرامون دیپلماسی مورد نظر این تحقیق بویژه با عنوان دیپلماسی دیجیتال مطالب مفصل و متنوعی بدست نیامد ولی مقالات و منابع موجود علیرغم محدودیت از اطلاعات و استدلال و پایائی لازم برای ارجاع و استناد برخوردار می‌باشند که ذیلاً مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند. لازم به یادآوری است که بدلیل تنوع عناوین مقالات و به جهت ایجاد ارتباط میان مطالب و مباحث با موضوع این رساله، ادبیات مورد بررسی تحت عناوینی مشابه فصل‌های دیگر این رساله طبقه‌بندی گردیده است.

عرصه جدید

یکی از نخستین مقالات مورد استناد در این باره متن سخنرانی آقای گوردن اسمیت معاون وزیر خارجه و تجارت بین الملل کانادا در میزگرد «تکنولوژی و دولت» است که در 18 سپتامبر 1996 در اتاوا و تحت عنوان «دیپلماسی سایبر» ایراد گردیده است. وی می‌گوید: از میان همه انقلاباتی که در قرن بیستم رخ داده است، هیچیک در تاریخ بشری تأثیری به ماندگاری انقلاب جاری در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات نداشته‌اند. وی سپس نتیجه می‌گیرد که «مرزهایی که زمانی وجود داشتند تا انسانها را از نظر ماهیت‌های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدا سازند اینک از بین رفته‌اند» و اینکه «تکنولوژیهای جدید هیچ احترامی برای مرزهای اقتدار و حاکمیت قائل نیستند. یک کامپیوتر خانگی می‌تواند گذرنامه ورود به آنسوی مرزها باشد» در بخشی از این مقاله تصریح شده «چالش دیپلماسی سibernتیک، اقدام در اوج کارایی در جهانی است که هر لحظه کوچکتر می‌شود و با گامهایی که هر روز بر سرعت آنها افزوده می‌گردد.

سرعت مهمترین متغیر عملیاتی در جهان سیرننتیک جدید است¹. وی در سخنان خود به خوبی تحولات بین المللی جاری را تشریح و ضرورت ایجاد اصلاحات و تغییرات در دستگاه دیپلماسی در جهت دیپلماسی سایبر را مطرح می نماید، لیکن هیچ اشاره ای به مبانی نظری موضوع ندارد. ضمن آنکه اصطلاحات دیپلماسی سایبر و دیپلماسی دیجیتال به صورت مترادف بکار رفته است. از آنجائی که سخنران از منظر تئوریک به موضوع نمی نگرد، نبود تجزیه و تحلیل نظری کاملاً طبیعی است. تلاش این خواهد بود که در رساله حاضر این دو موضوع مورد بحث قرار گیرد.

مقاله مورد استناد دیگر توسط آقای لی وینگ استون تحت عنوان «دیپلماسی و تکنولوژی حساس از راه دور» است². وی در این مقاله با استناد به شواهد موجود نتیجه می گیرد که: سازمانها در حال تجربه تغییر شکل و ماهیت بسیار جدی و رادیکالی هستند که باعث می شود تا به سرعت از ساختار سلسله مراتبی قدیم که بر اعمال لایه های ساختاری و مسئولیتهای بوروکراتیک استوار بود فاصله بگیرند، ساختاری که مبتنی بر دسترسی طبقه بندی شده به اطلاعات است. در مقابل، امروزه امواج اطلاعات هر کسی را که در مسیر «شبکه» قرار گیرد، همزمان و به یک نسبت راجع به هر موضوعی مطلع می سازند». در بخش دیگری از این مقاله آمده است «از نظر دیپلماسی مگافون، اطلاعات و ارتباطات دارای طبقه بندی بوده و آندسته از آگاهی های مربوط به همکاریهای اطلاعاتی- امنیتی و یا تهدیدات و فرصتهای خارجی، اختصاصی محسوب می شوند. این وضعیتی است که در دنیای شبکه ای و sensor شده جدید که غیر قابل سانسور است دیگر وجود نداشته و در این محیط جدید، دیپلماسی شبکه ای بر اساس شفافیت، فاش بودن و سهیم شدن اطلاعات با دیگران عمل می کند». آقای لی وینگ استون با تمرکز بیشتر بر تغییرات بوجود آمده ناشی از ماهواره

های تجاری، عکسبرداری و تجهیزات حساس از راه دور در طبیعت جمع آوری اطلاعات و چگونگی انتشار و اثرات آن بر روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و از همه مهمتر بر روابط بین الملل مختلف، تلاش نموده است تا تحولات آتی دیپلماسی معاصر را پیش بینی و تشریح نماید. مقاله فاقد بررسی تحولات ناظر بر تشکیلات دیپلماسی بویژه نقش و کارکرد دیپلمات ها است.

در همین رابطه مقاله نسبتاً جامع آقایان رانفیلد و آرکوئیللا است که تلاشی است برای پاسخ به سؤالی که خود مطرح نموده اند. چه انقلابی در امور دیپلماتیک رخ داده است؟ آنها عقیده دارند که پس از انقلاب دهه شصت در عرصه بازرگانی و تجارت جهانی و انقلاب اواخر دهه هشتاد در امور نظامی، اینک زمان وقوع انقلابی عظیم در عرصه امور دیپلماتیک فرا رسیده است و سپس در بخشهای دیگر به تشریح تنش های موجود بین دو جریان حاکم در روابط بین الملل می پردازند. بازنگری نظریه رابرت کهان و جوزف نی در خصوص وضعیت جهانی شده «وابستگی درونی پیچیده» که در آن تقابل دو جریان را نشان می دهد، توسط خود آنها و پس از گذشت نزدیک به 20 سال از معرفی این نظریه، بعد دیگری را به ابعاد مورد مطالعه در این تحقیق افزوده است. کوهان و نی در 1998 اذعان نمودند که تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات هنوز نتوانسته اند بطور کامل جهان سیاست را که به صورت دنیایی از وابستگی های درونی اخیراً در اطراف ماهیتهای اولیه ای همچون مذهب، ملیت، قومیت گرایی و مناطق جغرافیایی گرد آمده اند متأثر ساخته و مانع از نفوذ سریع و پیش بینی شده در ساختارهای سنتی گردد و آنها نتوانسته اند در مقابل جوامع مبتنی بر نهاد های مذاکره شده و توافق شده جدید مقاومت کنند، هر چند انکار «وابستگی پیچیده درونی» روز به روز برای حکومت ها و

کشورها گران‌تر تمام می‌شود. دلیل اینکه چرا تکنولوژیهای اطلاعات و ارتباطات هنوز نتوانسته‌اند بطور کامل جهان سیاست را تغییر دهند را باید در این حقیقت جستجو کرد که اطلاعات در خلاء و فضای تهی و بدون رقیب جریان نمی‌یابند بلکه در فضای سیاسی اشغال شده‌ای جاری می‌شوند. لذا کهان و نی معتقدند که به همین دلیل در خارج از آنچه که آنها آن را «مدار صلح آمیز دموکراسی» نامیده‌اند و شامل امریکا و امارات می‌شود، جهان مبتنی بر «وابستگی‌های پیچیده درونی» هنوز فرصت ظهور نیافته‌اند. برای درک بهتر آنچه که به عقیده نی و کهان دیر یا زود بصورت جهانی بر مبنای وابستگی‌های پیچیده درونی رخ خواهد داد.

برای درک ویژگی‌های این بنیاد جدید، نظریه جیمز روزینو³ قابل اعتنا است. وی می‌گوید: ما در حال یک ائتلاف غیرمتمرکز از منافع داخلی و جهانی هستیم. روسنیو این وضعیت جدید را *fragnigration* می‌نامد. مفهومی که ترکیبی است از *fragmentation* - به معنای شکسته و جدا شدن و *integration* - به معنای همگرایی. روسنیو معتقد است که این وضعیت دردرون و بین سازمانها، جمعیت‌ها، کشورها و سیستم‌های فرا ملیتی بگونه‌ای وجود دارد که تقریباً غیر ممکن است با آنها جداگانه و مستقلاً روبرو شد و معامله و برخورد نمود. به تبع این وضعیت که می‌توان آنرا «اتحاد منفک‌ها» ترجمه نمود، پراکندگی اقتدار از اطراف کشورها و رشد نقش حکومت‌های غیرمتمرکز، سازمانهای غیر دولتی، رسانه‌ها، جنبشهای اجتماعی و دیگر شبکه‌های غیردولتی فرا ملی به عنوان بازیگران اصلی بین‌المللی بروز می‌کند. آنچه که ظاهراً مهمترین ویژگی این دوران انتقالی و احتمالاً پارادایمی در حال ظهور است، افراط در روابط غیرمبتقارن و نامتناسب بین کشورها و بازیگران غیر حکومتی است، شامل فعالیت‌هایی که آن دسته

از فرا افراد مانند بیل گیت در راس قلمرو جهانی نرم افزار، سرمایه گذار جهانی جرج سوروس و امپراطور رسانه ای تد ترنر انجام می دهند. گرچه «اتحاد منفک ها» قدرت شناخته شده و رسمی کشورها را به خطر می اندازد ولی نگارنده معتقد است که کشورهای فهمیم باید شرایط جدید را به عنوان فرصتی برای اجرای شیوه های انقلابی و اتخاذ رویکردهای جدید در استراتژیها و مدیریت امور جهانی تشخیص دهند و با خارج شدن از وضعیت سر درگمی که به دلیل شوک ناشی از سرعت تغییرات بر آنها وارد شده روشهای نوین دیپلماسی متناسب با شرایط را برگزینند.

جغرافیای جدید جهانی

از دیگر موضوعاتی که در ادبیات مربوط به دیپلماسی دیجیتال به آن پرداخته شده است مکان شناسی حاکمیت است که مسئله قلمرو جغرافیایی و مرزهای قانونی کشورها در عصر اطلاعات می باشد. نویسنده یکی از مقالات مورد استناد در این پژوهش جین ماری گونو⁴ می باشد که به طرزی ماهرانه، با مقایسه انقلابی که اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ باعث خلع ید طبقه ای خاص بر انحصار جهانی علوم و فنون شده و همگانی ساختن معارف بشری و در نتیجه دگرگون ساختن رابطه بین کلیسا و قدرت در جهان به پا کرد، با طوفان تاثیرات انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر در هم شکستن مرزهای جغرافیایی و قلمرو اقتدار، به این موضوع می پردازد. وی معتقد است که از مقایسه این دو انقلاب سه نتیجه گیری عمده می توان نمود: نخست آنکه انقلاب ناشی از ای سی تی جهانگرایی و یونیورسالیسم جدیدی را باعث شده و قلمروهای حاکمیت را تخریب خواهد کرد. دیگر آنکه در عصر اطلاعات، طبیعت قدرت دگرگون می شود و بالاخره آنکه برای نهادهای سیاسی، کاربردهای جدیدی کشف می گردد. جین ماری گونو اعتقاد دارد که در عصر اطلاعات

قلمرو جغرافیایی دیگر نه تنها اساس قدرت محسوب نمی‌شود بلکه ضمانت کافی برای برقراری امنیت را نیز در بر ندارد و اینکه امنیت قلمروها فقط در صورتی قابل دستیابی است که کشورها بتوانند خودشان را به داخل جوامع با مرزهای دروازه بندی شده عظیم انتقال دهند، یک هدف غیرواقعی و خطرناک که فقط می‌تواند به بیچاره شدن کشوری که چنین سیاستی را اتخاذ کرده است بیانجامد. در واقع امنیت کشورها مستلزم نگرستن به ماورای مرزهاست. بدیهی است امکان چنین نگاهی بیشتر در اروپا وجود خواهد داشت چون منطقه و کشورها کوچک و کم جمعیت هستند ولی این یک پدیده جهانشمول است. آنگاه نویسنده در پاسخ به این سوال که آیا ما در حال تکمیل فرایند تغییر قلمروها از شهر - کشور در گذشته، به ملت - کشور در زمان حال و به قاره - کشور در زمان آینده هستیم معتقد است که جهانی شدن و انقلاب اطلاعات حاکمیت کشورها را بکلی تخریب خواهد کرد و یونیورسالیسم کارایی جایگزین یونیورسالیسم مذهب خواهد شد که قبل از انقلاب گوتنبرگ بر جهان تسلط داشت. نویسنده در بحثی که ارتباط بیشتری با موضوع این پژوهش دارد می‌گوید نهادهای سیاسی و دستگاه دیپلماسی کشورها باید تیزهوشانه، فرز و چالاک شوند. آنها باید پیچیدگی را بپذیرند. ما تا به حال در دوران وجود ساختارهای هرمی و بنوعی یکنواخت، با سطوح مختلف و متقارن قدرت زندگی کرده ایم. نویسنده معتقد است این دوران «یک شکل» بودن در حال خاتمه یافتن است. وی می‌گوید که ما باید منتظر درجاتی از آشفتگی و بروز ساختارهای در هم و متداخل در نهادهای سیاسی باشیم. این خطر وجود دارد که بروز چنین آشفتگی‌هایی، شفافیت را به عنوان مهمترین عامل کنترل دموکراتیک نابود سازد، و این بر پیچیدگی و اهمیت نقش دیپلماتها در عصر اطلاعات که بر اساس جریان آزاد اطلاعات و

شفافیت بنا نهاده شده است، می‌افزاید. نویسنده معتقد است که مدیریت جریان‌ها بین المللی بین این دو جریان متفاوت بسیار دشوار خواهد بود.

از دیگر صاحب‌نظرانی که به موضوع ملیت و قلمرو و حق حاکمیت در نظم نوین جهانی و در عصر اطلاعات پرداخته‌اند می‌توان به تیموتی لوک اشاره نمود⁵. وی در سلسله سخنرانی‌هایش در سمینار تکنولوژی‌های ارتباطی که در اول بهار 1996 در دانشگاه ولینگتون نیوزلند ایراد نموده است قاطعانه اعلام می‌دارد فضای سایر، موضوعی نیست که اتفاق خواهد افتاد بلکه مربوط به شرایطی است که همین امروز بر محیط زندگی و کار ما حکمفرماست. وی معتقد است مهندسی جغرافیای جهانی، مخصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییر نموده است. نویسنده می‌گوید در گذشته از ترکیب هنرمندان یک مکان جغرافیایی و جمعیت و منابع موجود در آن، قدرت در اختیار نیروی حاکمه قرار گرفته و خارجیان از آن قلمرو و دستیابی به منبع مادی و انسانی آن عقب رانده می‌شدند. به این ترتیب حاکمان، اساس «دولت‌گرایی» را چنین تبلیغ می‌کردند که «دولت اختیار دار قانونی همه چیز است» تا «سرانجامی آسوده را برای مردم فراهم آورد». با این حال برای آن دسته که امروزه اخبار بین المللی را بطور مرتب از طریق سی‌ان‌ان یا بی‌بی‌سی دنبال می‌کنند مشخص است که این وضعیت روتین دولت‌گرایی بشدت در بحران قرار داشته و گروه‌های استقلال طلب بشدت در تعارض با دولت‌های مرکزی قرار دارند. حتی ایالات متحده نیز در دهه 80 چنان تحت هجوم سرمایه‌داری ژاپنی قرار گرفت که می‌توان گفت کنترل خویش را بر شهروندان و اقتصادش از دست داد. نویسنده آنگاه اشاره می‌کند به سلطه کاپیتالیسم ژاپنی که در دهه 80 چنان از نظر مالی بر هاوایی تسلط یافت که ارتش ژاپن در دهه 1940 حتی خواب آن را هم

نی دید. نویسندگان در جای دیگر با اشاره به فعالیت سازمانهای غیر دولتی فعال در امور حقوق بشر، منع سیگار و الکل، مخالف حمل سلاح، ضد توسعه تسلیحاتی، طرفدار فضای سبز، مدافع محیط زیست و امثالهم نتیجه می گیرند که آنان چنان عرصه را بر فعالیتهای آزادانه دولتها در درون و بیرون مرزها تنگ کرده اند که دیگر جایی برای دولت گرایی وجود ندارد. تیموتی لوک فعالیت مبارزان بنیادگرای اسلامی را در کنار اتصالات اینترنتی، عناوین خبری سی ان ان، موضوع کارگران مهاجر غیر قانونی، فرهنگ مصرف کوکائین در شهرها و مانند اینها را از جمله نمادهای مبارزات ضد دولت گرایی فرا کشوری می داند که به گونه ای موثر جایگزین تمایلات درون کشوری دولت گرایانه شده اند. وی معتقد است این گروههای غیر واقعی - فرا واقعی و فوق واقعی، مراکز جدیدی را با حاشیه های متعدد و کانالهای موازی ارائه می دهند که جریان قدرت می توانند در آنها برای خود حق انتخاب های جدیدی پیدا کنند از قبیل دستورالعمل های جایگزین یا منافع و ارزشهایی که بالاتر، همدیف و یا حتی پایین تر از منافع و ارزشهای کشور - ملت قرار دارند. اما این جریانات در عین جهانشمول بودن هیچ کدام کمی به برقراری ثبات اقتصادی و یا ایجاد جامعه همگون در اطراف دنیا نمی کنند. در عوض به عقیده نویسندگان این ضد دولت گرایی های غیر متمرکز، تحلیل مارکس را از مدرن شدن کاپیتالیست تایید می کنند آنجا که می گویند «همه آنچه که استوار است در هوا ذوب و نابود می شود». آقای لوک در توجیه نظر خود اذعان می دارد که هر چند انتقال مردم به فضای سایر ممکنست بخوبی در یک سطح کار کند ولی به تدریج که این فضاها از هم گشوده می شوند، مردم آنها را بعنوان جریانات و اشکال جدیدی از فشارهای مخرب بر سیستم های غالب بر جامعه سیاسی، استقلال اقتصادی و هویت

فرهنگی خویش یافته و به مقابله بر خواهند خاست و این دنیای سراپا چالشی است که دستگاه دیپلماسی بدون در دست داشتن مولفه های تعریف شده سنتی باید به مقابله با آن برخیزد.

پیامدهای انقلاب در امور دیپلماتیک

مقاله نسبتاً مفصل و جامع "اگر انقلابی در امور دیپلماسی رخ داده است آن چیست؟" را موسسه «صلح ایالات متحده»⁶ در فوریه 99 منتشر ساخت که نویسندگان آن آقایان دیوید رانفلت و جان آرکوئیلایه تفصیل راجع به پیامدهای انقلاب در امور دیپلماسی سخن رانده اند. آنها در ابتدا قاطعانه اظهار می دارند که پس از انقلاب دهه 1960 در عرصه بازرگانی و تجارت جهانی و انقلاب اواخر دهه 80 در امور نظامی اینک زمان بروز انقلابی عظیم در عرصه امور دیپلماتیک فرا رسیده است و سپس در بخشهای دیگر به تشریح تنشهای موجود بین دو جریان حاکم در عرصه روابط بین الملل می پردازند به این ترتیب که از یک سو تمرکزگرایی روز افزون برای کنترل دیپلماسی از درون دولتها جریان دارد و از سوی دیگر، جریان گریز از مرکز کنترل، آنها را بدلیل ظهور بازیگران بی شمار غیردولتی که گرایشی بین المللی بوجود آمده است. در بخشی از این مقاله آمده است: «این جریانات، در حال گسترش در سرتاسر جهان بوده و نه فقط بسط و توسعه سازمانهای غیردولتی، به تنهایی، بلکه ارتباطات درونی آنان در شبکه های منسجم را که باعث افزایش تاثیرگذاری هایشان می شود را نیز به دنبال دارد. بهمان نسبت که قدرت بازیگران غیرحکومتی شبکه ای شده افزایش می یابد، بهمان نسبت نیز قطعاً طبیعت سیاستهای جهانی - و به طبع آنها دیپلماسی نیز - هرچه کمتر حکومت مدار می شود. این صاحب نظران در قسمتی دیگر از پژوهش خود به تشریح سه عرصه از اصلاحات

مبثنی بر اطلاعات پرداخته، می نویسند: بهمان نسبت که توجه بیشتر به ارتباطات و اطلاعات معطوف می شود، توجه به اصلاحات و قلمروهایی که توسط آنها تعریف می شوند نیز بیشتر شده اند که سه عرصه از مهمترین آنها عبارتند از فضای سیبرنتیک، حوزه اطلاعات و حوزه اندیشه که همگی مربوط به موضوع اطلاعات بوده و منعکس کننده انواع پیشرفتهای تکنولوژیک، سازمانی، و اندیشه ای است. اما هر یک از این سه عرصه دارای تاکیدات متفاوت و اهمیت ویژه خود است. فناورترین از میان سه عرصه فضای سایبر است و اندیشه ای ترین آن نوواسفر می باشد. مهم آن است که دیپلمات باید به همان نسبت در نوواسفر بیندیشد که در دو حوزه دیگر فکر می کند. بطور خلاصه می توان گفت در طول این مقاله، نویسندگان این نظریه را دنبال می کنند که طی دهه های آینده اصلی ترین هدف یا بنا به اصطلاحی که آنان بکار برده اند «بازی معطوف به آینده» آنست که جهان از درون به هم متصل شود و این هدف اهمیتی به مراتب بیشتر از «بازی تعادل قوا» طی دهه های گذشته دارد. این نظریه پردازان معتقدند که به این ترتیب راه هر گونه بازگشت به هرج و مرج و یا دیگر گامهای ارجاعی از قبیل نژاد پرستی های قوم گرایانه ای از قبیل نئونازیسم مسدود شده و این اتصالات داخلی جهانی که به تدریج عمیقتر و فراگیرتر می شوند به عنوان «ویژگی تعریف شده» قرن بیست و یکم مطرح بوده و انقلاب اطلاعات زمینه ساز رسیدن به این تعریف جهانی است. در عین حال آنها اذعان دارند که در قرن بیست و یکم نیز حکومت ها همچنان به عنوان بازیگران اصلی در سیستم بین المللی باقی خواهند ماند و هر چند انقلاب اطلاعات طبیعت حکومت ها را تغییر می دهد ولی نخواهد توانست ریشه های قدرتش را بخشکاند و تنها استحاله و تغییر شکل صورت خواهد گرفت و همین واقعیت در مورد

بازیگران صحنه دیپلماسی به عنوان نمایندگان این حکومتها نیز صادق است.

دیپلماسی در عصر اطلاعات

آقای جفری کوپر مدیر مرکز اطلاعات استراتژیک در آمریکا از دیگر نویسندگانی است که نظریاتش در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است. او در مقاله ای تحت عنوان «دیپلماسی در عصر اطلاعات»⁷ به بررسی محتوا و نیز روشها در دیپلماسی دیجیتال پرداخته و معتقد است که درک محیط بین المللی در قرن بیست و یکم باید مبتنی بر مدل مکانیک کوانتومی باشد که ویژگی شاخص آن فرایند اتفاقات ناگهانی و ناپایداری است. آقای کوپر معتقد است این سیستم یک مجموعه ذاتا پویا و پیچیده است که نیروهای انتزاعی غیر ملموس از قبیل قدرت نرم و یا اغوای اخلاقی و فکری قادرند تا تغییرات فیزیکی ملموس در این سیستم ایجاد نمایند. نویسنده در طول این مقاله نتیجه می گیرد که تغییراتی که در محیط بین الملل رخ داده اند محصول بروز انقلاب و دگرگونی در سه عرصه وسیع و در عین حال وابسته به یکدیگر است که وی از آنها به عنوان انقلاب در «عرصه سیاسی» به دنبال فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه دموکراتیزه و کوچک شدن قدرت دولتها، انفجار ناشی از «انقلاب اقتصادی» که نیروهای آزادیبخش و طرفداران بازار آزاد، خصوصی سازی، امنیت سازی و جهانی شدن نیروهای محرکه آن بشمار می آمدند و بالاخره بروز «انقلاب اطلاعات» که موجب تسریع روند دموکراتیزه شدن و جهانی شدن جریان و محتوای اطلاعات گردیده است، نام می برد و به تفصیل به تشریح هر یک از این سه عرصه و پیامدهای آن می پردازد. در بخشی از این مقاله آمده است: امنیت در مقایسه با محیط خطرناک دوران جنگ سرد تضمین شده است اما به گونه ای پارادوکسیکال یا تضاد نما، تاثیرات این انقلابات باعث آن چنان تغییرات دراماتیکی

در محیط استراتژیک بین المللی شده است که امروزه ممکنست ایالات متحده هر کشوری را به عنوان تهدید بخصوص برای اعمال تفوق دیپلماتیک خود تلقی نماید.» نویسنده سپس نتیجه می گیرد که این محیط جدید اساساً دارای پویایی و پیچیدگی بیشتر بوده، فهمیدن آن دشوارتر است و لذا در عمل برای هر حکومتی چالش آفرین می باشد. دولتها این محیط جدید را دشوار خواهند یافت مگر آنکه در مفاهیم زیر بنایی دیپلماسی خود تغییراتی را بوجود آورند. در بخش دیگری از این مقاله تاکید شده است که در مجموع انقلاب در امور دیپلماتیک که نویسنده در طول مقاله از آن با مخفف آر دی آ نام می برد اجتناب ناپذیر است هر چند متأسفانه در مقایسه با انقلاب در امور نظامی کمتر به آن توجه شده است و این در حالی است که ما هم با مفاهیم و هم با جریانات جدیدی در دیپلماسی مواجهیم. نویسنده موکداً یادآور می شود که امروزه دیگر دیپلماسی نمی تواند همچنان معادل امور خارجه تلقی شود زیرا اینک موضوعات و اهداف بین المللی حساس فراوانی وجود دارند که بسیار فراتر از ملاحظات سیاسی- نظامی سنتی که زمانی روابط بین المللی کلاسیک را تعریف می کرد، عمل می کنند. این ملاحظات تا پیش از این فقط شامل موضوعاتی از قبیل تعادل قوا، مرزبندی قلمروها، مذاکرات کنترل تسلیحاتی و همگرایی متحدین بود که امروزه علاوه بر آنها ما شاهدیم که مفاهیم جدید سیاسی به این سیاهه دیپلماتیک اضافه گردیده است. موضوعاتی که سابقاً سیاستهای با اولویت پایین شمرده می شد از قبیل موضوع پناهندگان، حقوق بشر، جنایات فراملی، تروریسم، مواد مخدر، سرمایه نیروی انسانی و فرار مغزها، ملاحظات تکنولوژیک، استانداردهای کارگری، پروتکل های فنی و تکنیکی و امثالهم که در نتیجه روند جهانی شدن هم اینک بطور فزاینده ای تبدیل به جریانات کلیدی در

روابط بین المللی و در درون حکومت ها گردیده است. نویسنده در بخش دیگری از مقاله خود موضوع «داخلی شدن دیپلماسی» را بررسی می کند که در نتیجه حضور روز افزون بازیگران از بخشهای مختلف داخلی اعم از دولتی، خصوصی و غیردولتی در عرصه مناسبات بین المللی کشورهاست که گاه در تضاد و زمانی به موازات فعالیت های وزارت امور خارجه کشورها و اغلب حتی بدون احساس نیاز به هماهنگ ساختن خود با دستگاه دیپلماسی به عنوان یکه تاز سنتی در این صحنه، به فعالیت می پردازند که این روند، مدیریت روابط دیپلماتیک را با چالشی جدید مواجه ساخته است. در این شرایط شرط بقا و موفقیت دیپلماسی - به نظر آقای کوپر - جایگزینی و استفاده سریع و وسیع از نیروی نرم، دیپلماسی عمومی، و وسائل ارتباط جمعی بعنوان عوامل کلیدی در دیپلماسی قرن بیست و یکم خواهد بود که باید طیف وسیعی از بازیگران را علاوه بر نخبگان در امنیت ملی سنتی - در بر گرفته و مخاطب قرار دهد

آینده دیپلماسی، چالشها و فرصتها

یکماه پیش از حادثه یازدهم سپتامبر و وقوع انفجار و فروپاشی مرکز تجارت جهانی آمریکا مقاله ای با عنوان «بازنگری در نحوه فعالیت دستگاه سیاست خارجی در عصر اطلاعات در کتاب دیپلماسی مجازی منتشر شد که هر چند بسیاری از ملاحظات جدید امنیتی آمریکا را در عرصه بین الملل در بر نمی گیرد ولی در آن توجه کافی به علل و انگیزه های بروز تهدیدات امنیتی - در جهانی که روز به روز بیشتر به هم متصل می شود - شده است. نویسندگان مقاله شریل براون و مارگریتا ستود میستر⁸ با استناد به ویژگی دیپلماسی در عصر اطلاعات که عبارتست از استفاده از تکنولوژیهای پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی برای ایجاد هماهنگی در تصمیم گیری، ارتباط و اقدام در امور بین الملل که آنهم بدلیل

آگاهی کامل از تغییراتی که کامپیوتر، و تسهیلات ارتباطات از راه دور بر جهان در عصر اطلاعات تحمیل کرده است، به تشریح محیط بین المللی در حال تغییر قرن 21 پرداخته و موکدا خواستار «ایجاد تعمیرات در سطوح بالا» شده اند. نویسندگان فوق معتقدند که دیپلماسی سنتی حاکم بر وزارت خارجه و دیپلمات‌های مامور در نمایندگیها در شرایط فعلی در بسیاری از مواقع فاقد هرگونه اثر بخشی بوده و از حیث انتفاع ساقط شده اند. آنان در این مقاله سعی داشته اند تا با مرور بعضی از توصیه های متخصصین برای بازسازی فعالیتهای دیپلماتیک توسط دستگاه سیاست خارجی آمریکا، در پرتو تغییرات حاصله در محیط بین المللی، پیشنهادهای را برای ارتقاء کارایی دیپلماتها ارائه دهند. این دو نظریه پرداز معتقدند امروزه تنها روشها بلکه مضمون و محتوای دیپلماسی نیز تغییرات جدی یافته اند و استفاده از شیوه متقاعد سازی آنقدر گسترش یافته تا بتواند هر کسی را در هر کجا، توسط رسانه های اطلاعات - ارتباطات به یکدیگر مرتبط ساخته و تحت تاثیر قرار دهد. به عقیده آنها امروزه حتی مفهوم «منافع ملی» نیز تغییرات زیر بنایی یافته و علاوه بر محورهای سنتی، طیف وسیعی از موضوعات جدید شامل اقتصادهای جهانی، مهاجرت های بین المللی، بحران های زیست محیطی، قاچاق انسان، تروریسم، توسعه تسلیحاتی، فرار مغزها و تجاوزات کامپیوتری و ساینتریک را در بر می گیرد که همگی تهدیدات جهانی را افزایش داده و ضمناً در ابعاد داخلی نیز تاثیرات تخریبی به مراتب وسیع تر و سریع تری را بر ملتها تحمیل نموده است. لذا دیپلماسی بعنوان نیمه مستقل سیاست داخلی و فعالیت محوری امور خارجه که خود نیز بوسیله دستورالعمل های بسیط امنیت ملی شکل می گیرد باید تمامی این حوزه های جدید را درک نموده و پوشش دهد. نویسندگان یاد

شده در بررسی وضعیت دستگاه سیاست خارجی کشورها و بخصوص آمریکا اعلام می دارند که امروزه چند شاخه شدن بودجه و مدیریت سیاست سازی، فرهنگ سری بودن، اخلاقیات کاری و وابستگی های شغلی ضعیف، عدم توجه به ارتقاء و توسعه دانش و مهارت کارکنان، فراساختارهای مطلق گرای ارتباطات و اطلاعات، تجهیزات غیر امن و قدیمی و ناکارآمد و بالاخره اقتدار پایمال شده سفرای در نظارت بر منابع و کارکنان دیگر بخشهای دولتی در خارج از کشور و مستقر در سفارت خانه ها، مشکلات اصلی دستگاه دیپلماسی در قرن بیست و یکم محسوب می شوند. و بالاخره در پایان مقاله، نویسندگان به گردانندگان حکومت آمریکا هشدار می دهند که در آینده ای قابل پیش بینی، گرچه امریکا بصورت قدرت برتر و بلامنازع اقتصادی، تکنولوژیکی، نظامی و تاثیرگذاری دیپلماتیک باقی خواهد ماند ولی دیپلماسی، بسیار پیچیده تر از آنچه امروز است خواهد شد. امریکا مجبور خواهد بود تا به مشکلات و مسائل هر دو نیمکره فاصله دار جهان پاسخ گوید. وقتی که منافع جهانی شدن بسیاری را محروم تر و شماری را ثروتمندتر خواهد ساخت. در این شرایط، کشورها و وزارت خارجه آنها با تهدیدات و منازعات «دنیای قدیم» و «دنیای جدید» همزمان مواجه می شوند و لذا نیاز دارند که به دیپلماسی قدیم و دیپلماسی جدید هر دو عمل نمایند. این خط سیر محتاطانه ای برای آنان محسوب می شود که می توانند در جهان پیچیده ای که هر روز بیشتر از نظر داخلی به یکدیگر وابسته می شود، اتخاذ نمایند.

در مروری بر ادبیات مربوط به موضوع دیپلماسی در عصر اطلاعات، به مقالات متعددی بر خورد می شود که در آنها نویسندگان به پیش بینی شرایط جهانی و نحوه عملکرد دیپلماسی در سال 2015 میلادی پرداخته اند. این مقالات عموماً برای و یا از سوی صاحبان نظران دستگاه سیاست خارجی و وزارت

امور خارجه ایالات متحده به رشته تحریر در آمده اند که آن سال را به عنوان نقطه عطفی برای رسیدن به شرایطی مورد نظر انتخاب نموده و با بررسی چالشها و فرصتهای پیش رو تا آن نقطه موعود، به ارائه نظرات و پیشنهادات خویش اقدام کرده اند. با توجه به تشابه موضوعی بسیاری از این مقالات به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود که یکی از آنها به قلم استفانی اسمیت کینی یکی از مدیران ارشد وزارت خارجه آمریکا به موضوع مهم «فرهنگ دیپلماسی در سال 2015» پرداخته⁹ و آنرا پیچیده تر، بی ثبات تر و خطرناکتر و حتی کمتر قابل پیش بینی نسبت به سالهای رو به افول جنگ سرد می‌یابد. در بخشهای دیگر، این مقاله با استناد به تحقیقی میدانی که بر اساس مصاحبه با کارشناسان ارشد وزارت خارجه آمریکا در مارس 2000 انجام گرفته است اعلام می‌دارد ارزشهای اصلی از نظر مامورین و کادر دستگاه سیاست خارجی به ترتیب اولویت عبارت بوده انداز تخصص، نظم و دیسیپلین آزادی در اختلاف عقیده، تنوع و تکثر گرایی، تحت فشار قرار داشتن و تعهد. جالب آنکه در حالیکه ماموران عالیرتبه و دون پایه همگی در پاسخهای خود انگشت بر ارزشهای مثبت فوق الذکر گذاشته و آنها را عنوان نموده بودند، بخش قابل ملاحظه ای از مامورین میانی ارزشهای منفی را شناسایی نموده بودند. به عنوان مثال چاپلوسی، پشت پا زدن، مواظب خودت باش دیگری مواظب تو نخواهد بود، مقامات مزایا دارند ولی پاسخگو نیستند و بالاخره آنکه هر چیزی قابل معامله است. با اینحال به نظر نویسنده، فقدان شناخت از ارزشهای نهادی و یا درک مشترک از ماموریت، باعث شده تا درک شایع پاسخگویان و مصاحبه شوندهگان آن باشد که هم وزارت خارجه و هم خدمات خارجی «نهادهایی تو خالی» هستند نویسنده معتقد است امریکا نمونه ای از این تفکر است که کم و بیش در مورد اکثر

قریب به اتفاق کشورهای دنیا صدق می‌کند و آنگاه سوال می‌کند که آیا آینده دیپلماسی در این شرایط پایدار خواهد ماند؟ نویسنده خود در تلاش برای یافتن پاسخ این سوال ضمن تشریح وضعیت جهان در سال 2015 آنرا متأثر از نظریه نی و کهان نسبت به وجود جهانی سرشار از وابستگی‌های پیچیده درونی که قبلاً به آن اشاره شد- به صورت دنیایی متشکل از نهادها و قوانین بین المللی، امور مالی و تجاری، تعرفه‌ها، متحدین، و فعالیت‌های درون حکومتی دائماً دستخوش تحول و انطباق پیش‌بینی می‌کند و معتقد است که این وضعیت به تقویت هر چه بیشتر نقش دیپلماسی در حال و آینده کشورها می‌انجامد. وی وظیفه وزارت خاجه کشورها را در دهه‌های آینده شامل موارد زیر می‌یابد:

- ارائه مشاوره دیپلماتیک و حمایت از دستورالعمل‌های سیاست بین الملل ابلاغ شده از سوی روسای حکومتها و دولتهای متبوع خود.

- ارائه خدمات به شهروندان کشور متبوع خویش در خارج.

- تربیت و معرفی یک کادر تجربی با کیفیت بالا متشکل از نمایندگان دیپلماتیک، مذاکره‌کنندگان و رهبران بین المللی و امور سیاسی در درون دولتها و در صحنه جامعه جهانی. ضمن آنکه عواملی مانند داشتن تحصیلات عالی، مرتب، قدرت مشاهده، کنجکاوی، خلاقیت، شجاعت، تسلط استادانه به زبان انگلیسی، قدرت برقراری ارتباط فردی و بین فرهنگی، مهارتهای مدیریتی و مذاکره همچنان از ویژگیهای ضروری انتخاب یک فرد به عنوان دیپلمات بوده و خواهند بود و وظایف قدیمی بدلیل نوآوری‌های تکنولوژیک باروشهای جدیدی انجام خواهند. پایگاه‌های اطلاعاتی بین المللی، مدیریت دانشها و آگاهیهها، همدستی به موقع جهان از طریق ای تی و اینترنت، کاربرد سیستم‌های مدیریت پرسنلی و

مالی بدون کاغذ (paperless) یادگیری از راه دور و کنفرانسهای مجازی از طریق وب، مثالهایی از تکنولوژیهای جدید در خدمت انجام وظایف قدیمی هستند. نویسنده علاوه بر این ها معتقد است که نسل جدید و آموزش دیده ای که جذب دستگاه دیپلماسی می شوند کاربردهای زیر را در ای تی نه در موارد استثنایی، بلکه بصورت استانداردهای کاری مورد استفاده قرار خواهند داد: مدیریت آگاهی، مدیریت داتا بیس، گزارش دهی چند رسانه ای، ویدئو کنفرانسهای چند جانبه و همکاریهای جهانی از طریق اینترنت، جی ای اس، جی پی اس، معرفی و ارائه و بازاریابی، ترجمه زبانهای مختلف و استفاده از سیستم های صوتی با تصاویر سه بعدی پیشرفته و کاملاً زنده. مهمتر از همه آنکه ما در آینده نیازمند یک فرهنگ نهادی با ارزشها و نگرشهایی هستیم که ترغیب کننده ویژن شجاعانه سازمانی برای آینده بوده و افکار پیشرو و اقدامات مورد نیاز برای دستیابی به این ویژن را ممکن سازد. نویسنده تاکید می کند که ما در آینده نزدیک نیازمند فرهنگی خواهیم بود که به همان اندازه که به مشاهده، بازتاب و عکس العمل اهمیت می دهد برای اقدام، عمل و پیشدستی نیز اولویت قائل باشد. نویسنده در جای دیگری از این مقاله تاکید می کند که هر چند امروزه اینترنت، سازمانهای غیر دولتی و وال استریت، تربیت کنندگان بازیگران جدید، با جهت گیریها و افکار خاص و در فضای پیچیده بین المللی بشمار می آیند اما آنها هنوز هم نمی توانند از طرف حکومتها و یا حتی ماهیت هایی که مایلند بعنوان حکومت های مستقل یا خود مختار به رسمیت شناخته شوند، سخن بگویند. این وظیفه تا آینده ای دور همچنان در انحصار مامورین و دیپلمات های آموزش دیده و مجرب هر دولت خواهد بود. در قسمت دیگری از مقاله آقای کینی با پیش بینی شرایط کادر دستگاه دیپلماسی در اکثر

کشورهای دنیا برای پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌های بین‌المللی حاکم بر سال 2015، علاوه بر آنچه که امروزه به عنوان محدودیت زمانی در تصدیق‌ها یا قابلیت‌های اثبات شده در مدیریت سیاسی و مدیریت منابع ویژه کسانی که انتظار می‌رود پست‌های مدیریتی را اشغال نمایند وجود دارد، شروط دیگری را نیز به شرح زیر اعلام می‌دارد:

- درجه دار بودن پرسنل: نویسندگان معتقد است که کلیه پرسنل در سال 2015 مانند ارتش دارای سلسله‌مراتب و درجه بندی خواهند بود تا تحرک و مطابقت آنها برای انجام کارهای مختلف بر اساس توانمندی، دانش، آگاهی و سابقه کار صورت گیرد.

- حداقل یک مأموریت کوتاه مدت خارجی طی 5 سال اول کار آزمایشی که این برنامه ازسویی باعث دسترسی به آگاهی‌های دست اول برای مأمور و از سوی دیگر حاکی از میزان شایستگی فرد برای احراز مقام مورد نظر در عمل برای مسئولین خواهد بود. در پایان نویسندگان اذعان می‌دارد که همه آنچه تا کنون مورد اشاره قرار گرفت الزاماً حرف‌های جدیدی نیستند ولی آنچه در دهه‌های آتی جدید خواهد بود تاکید بیشتر و لزوم اجرای کامل و صحیح تر این سخنان و نیز تطبیق فرهنگ و زیربنای سازمانی دستگاه دیپلماسی کشورها با این اصول می‌باشد.

دیپلماسی و شرایط متغیر

دیپلماسی دیجیتال و دیگر واژه‌های مترادف آن اصطلاح جدیدی است که متخصصین روابط بین‌الملل در مقالات خود، اکثراً از طریق توصیف محیط جدیدی که حاصل اثرات ICT بر مولفه‌های تشکیل دهنده ساختار، کارکرد و خط‌مشی عرصه دیپلماسی است، سعی در تعریف ابعاد و ویژگی‌های آن دارند. از جمله آقای والتر ریستون در کنفرانس دیپلماسی مجازی¹⁰ به مقایسه نوع دیگری از انقلابات عظیم بوقوع پیوسته در

تاریخ بشری پرداخته است و همانگونه که جین ماری گونو انقلاب حاصله از اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ را با انقلاب ای سی تی مقایسه کرده و پیش از این به آن اشاره شد، با اعلام اینکه ما هم اینک در قلب سومین انقلاب بزرگ بشریت قرار داریم به توضیح و مقایسه این سه انقلاب می پردازد ابتدا کشف اصول کار با اهرم که باعث تولد انقلاب کشاورزی و کاهش قدرت روسای قبایل عشیره ای گردید، سپس زمانی که انسان قدرت آب، بخار و الکتریسیته را جایگزین قدرت عضلانی حیوانات نمود و انقلاب صنعتی زاده شد و بالاخره امروزه که پیوند کامپیوتر و فناوری ارتباطات عصر اطلاعات را پدید آورده که به همان نسبت با دوران انقلاب صنعتی تفاوت دارد که آن دوران با عصر انقلاب کشاورزی فرق داشت. نویسنده می گوید انقلاب تکنولوژی زمان و فاصله را درهم شکسته است و بجای نظریه برادر بزرگتر «اورل» که مراقب شهروندان است، انقلاب سوم، شهروندان را قادر می سازد که مراقب برادر بزرگتر باشند و اینکه ویروس آزادی که هیچ دارویی بر آن کارگر نیست توسط شبکه های الکترونیک در حال پراکنده شدن و سرایت به حتی دور افتاده ترین نقاط جهان است. ریستون معتقد است که قلمرو اقتدار ملی، یعنی قدرت یک ملت در جلوگیری از مداخله دیگران در امور داخلی اش بسرعت در حال فرسایش است. امروزه هیچ کس و هیچ ملتی نمی تواند بارش اطلاعات را از اطراف مرزهای ملی کشورها متوقف سازد.

نویسنده در تشریح شرایط متفاوت در صحنه دیپلماسی از جمله به ذکر مثالی از دوران جنگ اول خلیج فارس می پردازد وی می گوید: در آن زمان صدام برای پایان جنگ پیشنهادی را مطرح کرد که از نظر واشتگتن مزورانه بود. بوش پدر، رییس جمهور وقت آمریکا می بایست سریعاً این برداشت خود را به سران 26 کشور متحد خویش در جنگ منتقل و آنها را به

ادامه جنگ متقاعد می ساخت. موثرترین وسیله پیشنهادی سی ان ان بود زیرا کلیه کشورهای جهان آنرا بطور همزمان نگاه می کردند. لذا تنها 20 دقیقه پس از دریافت دستور از بوش، مشاور مطبوعاتی وی در کاخ سفید، بر صفحه تلویزیون ظاهر گشت تا به کشورهای متحد و بقیه دنیا اعلام نماید که جنگ ادامه می یابد. این نمونه ایی از صدها مثالی است که نشان می دهد چگونه در عصر اطلاعات تشکیلات نخبگان سیاست خارجی و شیوه ارتباطات دولت با دولت در آنها نادیده گرفته می شوند. در این جا هیچ یک از مامورین به شدت زبده و آموزش دیده دستگاه سیاست خارجی پیش نویس استادانه ای را از نطق مورد نظر تهیه نکرد، هیچ وزیر خارجه ای آن نطق را امضا نکرد و هیچ سفیر آمریکایی به وزارت امور خارجه فرا خوانده نشد و ملاقاتی انجام نداد تا پیامی را برساند. آمریکا در مجبوره جنگ یک اقدام و پیام حیاتی دیپلماتیک را با اعتماد کامل به یک شرکت تلویزیون خصوصی واگذار کرد و همه دنیا نیز شاهد بود. بوش پدر تشخیص داده بود حال که نمی تواند بازار آزاد بارش اطلاعات را شکست دهد بهتر است با آن متحد شود.

نویسنده در بخش دیگری به تشریح وضعیت موجود یا دهکده جهانی می پردازد که در این دهکده کوچک از سویی مرزهای زمانی و مکانی در هم شکسته شده و از سوی دیگر به تدریج و به مدد انتشار سریع و وسیع ایده ها و نظریات، بتدریج مردم بیشتر خود را شبیه به هم می یابند و فرهنگ جهانی متفاوتی در حال شکل گیری است بطوریکه بعنوان مثال انکار حقوق بشر یا آزادیهای دمکراتیک دیگر صرفاً به معنای انکار بخشی از حقوق افراد در کشوری خاص نبوده بلکه به معنای خدشه دار شدن فرهنگ مسلط بر این دهکده جهانی است که همین فشارهای زیادی را بر اقتدار دولتها

وارد ساخته و در درازمدت بر فرایند های سیاسی در کل جهان تاثیر می گذارد. از موضوعات حائز اهمیت دیگری که آقای ریستون در این مقاله به آن پرداخته است بروز فاصله روز افزون بین دیپلمات ها و دانشمندان است. وی ضمن تشریح شرایط متفاوت گذشته و حال می گوید دیپلمات ها که در رشته امور انسانی تربیت شده و آموزش دیده اند، اغلب بی توجه به آنچه در جهان علم می گذرد، طبق نظریه معروف سی پی اسنو در «دو فرهنگ» آنجا که می گوید «دانشمندان و متخصصین علوم انسانی نسبت به آگاهی های دیگران بی اطلاعند و به همین روش هم ادامه می دهند»، به دور از آشنایی با تحولات علمی کار می کنند. بسیاری از صاحب نظران در امور دیپلماتیک سعی کرده اند تا تاثیر کشف های علمی را بر دوره های تاریخی نادیده بگیرند و بجای آن ترجیح داده اند تا نظریه های مردان بزرگ را پیگیری نمایند و یا به دنبال یافتن پیوندهای تاریخی که به تنهایی جهان را اداره می کنند باشند. به این ترتیب و قطعاً وقتی شما به بخش اندیکس در کتابهای بی شمار تاریخ دیپلماتیک مراجعه می کنید لغاتی چون تکنولوژی و اقتصاد را نمی یابید. نویسندگان در تشریح استدلال خود می گویند که در طول تاریخ رهبران اعم از نظامی یا اقتصادی همواره در مراحل اولیه با اختراعات و ابداعات مخالفت کرده اند. در جنگ جهانی اول فیلد مارشال داگلاس هیگ در ارتش بریتانیا پس از مشاهده مانور تانکها گفت: این نظر که ارابه آهنی جای سواره نظام را خواهد گرفت مسخره است

واقعیت آنست که علیرغم تمامی این مخالفت ها، تکنولوژیهای جدید هرگز عقب نشینی نخواهند کرد بلکه طبق قانون موور تراکم و سرعت میکروچیپ ها هر هجده ماه یکبار دو برابر می شود و یکی از پیامدهای این افزایش سرعت و تراکم، میزان دسترسی فوق

تصورسیاست سازان به اطلاعات جدید است. نویسندگان در پایان اظهار امیدواری کرده است که اطلاعات پردازش شده توسط اذهان دیپلمات‌های تعلیم یافته «آگاهی واقعی» را تولید نموده و با کمک تجربه کافی بتوان این آگاهی را به دانایی تبدیل کرد. برقراری ارتباطات دیپلماتیک در عصر اطلاعات که قرن سرعت و شفافیت است مستلزم بکارگیری ابزارهای خاص ارتباطی در این دوران می‌باشد و سایت‌های کامپیوتری امروزه به عنوان ابزاری در سیاست خارجی و دیپلماسی در خدمت توفیق بیشتر در انجام وظایف قرار دارند به شرط آنکه به خوبی طراحی شده باشند.

آقای دریک کپلر در دومین کنفرانس بین‌المللی «شبکه همچون ابزار دیپلماسی» به تشریح وب‌سایت‌ها به عنوان ابزاری در دیپلماسی پرداخته است¹¹. وی با بیان نتایج بررسی‌های میدانی خود از سایت‌های موجود در برخی کشورها معتقد است که اگر کسی با دقت به مشاهده وب‌سایت‌های موجود کشورها، دولت‌ها و وزارت‌های خارج آنها بپردازد، احساس می‌کند که بسیاری از این سایت‌ها بطور کاملاً تصادفی و بدون توجه کافی به کارکردهای واقعی و بالقوه آنها خلق شده‌اند که خجالت‌آور است زیرا مدیریت امور خارجی می‌توانست با استفاده از این سایت‌ها به عنوان ابزار اساسی کار، در حد بالایی تجهیز شده و کارایی داشته باشد. او می‌گوید وب‌سایت اکثر کشورها در نخستین گام تصویر بزرگی از رئیس‌دولت ارائه می‌دهند که بکلی - یا حداقل - در این مرحله - بی‌فایده است. می‌توان این تصویر را در سایت مخصوص دولت که با یک لینک قابل دستیابی است گنجاند. در مقابل آنچه مراجعین به سایت یک کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد می‌تواند یک سمبل، نقشه آن کشور و چند فقره اطلاعات گلچین شده باشد. چند فلاش سریع و گذرا در باره آخرین

و مهمترین تحولات کشور نیز می تواند توجه فوری مراجعین را بخود جلب نماید. وی در بخش دیگر از مقاله خود می گوید سایت وزارت خارجه باید نشان دهنده ساختار و وظایف وزارت خارجه و نیز شبکه نمایندگیهای دیپلماتیک آن در خارج از کشور باشد. علاوه بر اطلاعات مرسوم، لیستی از هیات های دیپلماتیک و پستهای کنسولی خارجی حاضر در کشور و چگونگی برقراری تماس با آنها نیز کمک کننده خواهد بود. آقای کپلر پس از توضیحات مبسوط در این قسمت، یادآور می شود که به همان نسبت که موضوع روابط خارجی هر روز نقش مهمتری در مسائل سیاسی داخلی بازی می کند باید صفحه خانگی مجزایی نیز برای توضیح و تفسیر این جریانها، انعکاس مطبوعاتی آنها، بیانیه ها و نظرات شخصیت های داخلی و خارجی گشوده شود. یک صفحه مهم و مفید دیگر می تواند شامل اطلاعاتی درباره عکس العمل ها، نظرات خارجی نسبت به موضوعات و مسائل کشور متبوع باشد.

در مقاله آقای کپلر علاوه بر عناوینی همچون دسترسی به اطلاعات و اسناد قانونی و امور کنسولی که به تفصیل بیان شده، قسمتی نیز به موضوع معامله با سازمانهای بین المللی می پردازد. وی یاد آور می شود از آنجا که سازمانهای بین المللی بطور مرتب و منظم نیاز به انواع اطلاعات راجع به کشورهای عضو دارند، در گذشته مجبور بودند با نمایندگی های دائم کشورهای عضو تماس بگیرند ولی امروزه بسیاری از این اطلاعات را از طریق شهروندان آن کشور و سازمانهای غیر دولتی و نیز کانالهای غیر رسمی دریافت می دارند. ایشان در همین رابطه پیشنهاد می کند که ممکنست مفید باشد اگر لینک خاصی با پس ورد قابل دسترسی و مخصوص دستیابی به اطلاعات کمتر عمومی روی وبسایت نمایندگی دائم کشورها ارائه شود تا کانال ارتباط کشورها با این گونه نهادهای بین المللی همچنان باز

نگاه داشته شود. نویسندگان در پایان تاکید می‌کنند که سایت‌های دولتی نباید از اینکه لینک‌هایی به سازمان‌های غیردولتی و موسسات خصوصی بدهند وحشت داشته باشند.

موضوع نقش شبکه جهانی در پیشبرد فعالیت‌های دیپلماتیک و به عنوان یکی از ویژگی‌های دیپلماسی دیجیتال در مقاله پروفیسور تایلور تشریح شده است¹². نویسندگان در ابتدا با بیان آنکه تلاقی علوم اطلاعات، الکترونیک، کامپیوتر، و تکنولوژی‌های ارتباطی، دنیای جدید را بسوی یک جهان چهار بعدی که در گذشته نظیری برای آن وجود نداشته است، سوق می‌دهد، این ابعاد چهارگانه را زمان - فاصله و مکان با اضافه بعد چهارم یعنی سرعت که درهم پیچاننده و ادغام‌کننده سه بعد قبلی است معرفی می‌کند و معتقد است مرزها، قوانین، رویه‌های قضایی، محدودیت‌ها، اجماع و روابط از این پس نه فقط متأثر از سه بعد سنتی دارای پیشینه بلکه تحت تأثیر بعد سرعت دائما در حال تغییر و تحول خواهند بود و در این نظم نوین جهانی که ترکیبی از ملت‌های جدید و اقتصاد است، سرعت و ارتباطات متقابل نه فقط پیش شرط‌های ضروری بلکه محرک اصلی برای تجارت کارآمد، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، روابط بین المللی، میانجیگری و بالاخره مذاکرات دیپلماتیک می‌باشند.

در این مقاله مستدل ضمن اعتراف به آنکه متاسفانه منافع جهانی عادلانه تقسیم نشده و حدود یک چهارم جمعیت بالغ جهان در بیش از نیمی از کشورهای عضو سازمان ملل عملاً بی‌سواد بوده و طبیعتاً قادر به مشارکت در این انقلاب و سرعت بی‌سابقه تحولات نیستند می‌گوید: باین ترتیب ظرفیتی که ملل در حال توسعه برای ایجاد ارتباط، استدلال‌های هوشمندانه و قضاوت‌های آگاهانه دارند همچنان تنها روش انجام تحقیقات و ارتقاء سطح سیاست خارجی‌شان باقی مانده و روابط آنها همچنان

بدور از تاثیر پیشرفت های حاصله در آی سی تی شکل می گیرد، پیشرفت هایی که دیگر مفهوم سواد را نه در توانایی خواندن و نوشتن بلکه در سواد دیجیتالی و اینترنتی ارزیابی می کند. نویسندگان سپس نتیجه می گیرند که باین ترتیب با سرعتی بی سابقه و با مقیاس سواد کتابی و سواد دیجیتالی فاصله موجود بین کشورها و نهاد ها و افراد فقیر و غنی بیشتر و بیشتر می شود و باعث از دست رفتن هر چه سریعتر و بیشتر فرصتهای افراد و جوامع برای برقراری ارتباطات متقابل، ارتقاء سطح زندگی، رفاه اقتصادی و داشتن بازده های منطقی در روابط و سیاست خارجی کشورها می شود. مقاله به اختصار به موضوعات مهمی مانند ایجاد ارتباط بین سیاست خارجی، وب و اقتصاد، بهره وری از اینترنت و اینترنت در دیپلماسی و ارائه یک ماتریکس از مکانیسم مدیریت وب نیز پرداخته و بالاخره چالشهای وب در دیپلماسی کارکردی را مورد بررسی قرار می دهد و یکی از بزرگترین چالشها را بخصوص در زمان انجام مذاکرات بین المللی، عقد قراردادهای تجاری حساس و تصمیمات کلان در سرمایه گذاری، سوء ظن و بی اعتمادی نسبت به امنیت وب سایت و نحوه مدیریت جهانی آن می داند.

در ادامه بررسی ادبیات مربوط به دیپلماسی دیجیتال و بخصوص مبحث ابزار این نوع دیپلماسی، مقاله «ابزار مجازی برای دیپلماسی واقعی» توسط مایک وایز¹³ قابل توجه است. نویسندگان با تاکید بر آنکه عصر کامپیوتر هر چند تازه شروع شده ولی می رود که به مرحله انفجار برسد معتقد است که ده سال آینده نیازمند تخصص آنها تخصص دیپلماتیک در درک انسانها و فهمیدن امور بشری است. او می گوید هزاره سوم به مدد اینترنت به انسان فرصت انجام کارهایی را می دهد که همیشه فقط آرزویش را داشته است و من آن را عصر رقابت در همه جا حاضر می نامم. به عقیده مارک

وایز در این عصر انتشار و امکان مرور فایل های اطلاعاتی هر دو فرصت های ذیقیمتی برای دیپلماسی هستند و بدیهی است که دیپلمات ها با انتشار عقاید و نظرات خود قادر به «متقاعدسازی» دیگران هستند. از سوی دیگر باید توجه داشت که وب یک ارتباط مستمر و دو جانبه است که می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. نویسندگان قسمتی از مقاله را به بیان جنبه های منفی اینترنت و از جمله «انباشتگی بیش از حد و بارش سیل اطلاعات اختصاص داده و تاکید می کند اگر سطوح بالایی از هوشمندی، توجه و وقت صرف پالایش و انتخاب اطلاعات نشوند، اثرات مخرب اطلاعات بیش از حد و بررسی نشده، اثرات منفی خودش را بر عملکرد دولت ها و دستگاه سیاست خارجی بر جای می گذارد. بخش دیگری از این مقاله نیز به توضیح ابزارهای جدیدی که در خدمت روش های قدیم دیپلماسی درآمده اند پرداخته و از جمله به توضیح روش کریپنوگرافی یا روش رمز نوشتن که امروزه بسیار پیشرفته شده را همراه با مثال هایی از سایت های کشورهای مختلف توضیح می دهد.

یکی از واقعیت هایی که هزاره سوم با آن روبروست آن است که در ساختار جدیدی که تحت تاثیر سی تی بر جهان تمایل گردیده دیگر صرفاً وزارت امور خارجه و دیپلمات هایش تنها بازیگران عرصه بین الملل نیستند. این موضوعی است که در مقالات اکثر صاحب نظران مورد اشاره و یا شرح و تفسیر قرار گرفته است که از جمله می توان به مقاله دیپلماسی دیجیتال به قلم ویلسون دیزارد اشاره کرد. او ضمن تشریح چگونگی تداخل وظایف امور بین الملل دستگاه های مختلف داخلی و حضور شمار زیادی از رایزن ها و نمایندگان سازمان های غیر از وزارت امور خارجه در صحنه بین الملل اعم از دولتی، غیر دولتی و بخش خصوصی معتقد است که آنان تمامی تجربیات تخصصی، منابع اطلاعاتی و تاثیرگذاری های سیاسی خود را

وارد فرایند سیاست خارجی کرده و نقش مهمی در دیپلماسی دیجیتال ایفا می نمایند. به نظر نویسندگان از آنجا که شعار هزاره سوم «مدیریت آگاهی» بوده و این شعار بسیار فراتر از ساختار داخلی وزارت خارجه کشورها عمل می کند لذا ارتباطات مبتنی بر مدار همکاری های دیجیتال با دیگر بخشهای دولتی و غیر دولتی درگیر در تصمیم گیری های سیاست خارجی را نیز شامل می شود. مقاله دیپلماسی دیجیتال به ذکر مثال های متعددی از چگونگی در هم شکسته شدن ساختار کلاسیک «سفارتخانه های» بزرگ و تبدیل آن به میکرو کنسولگریهای عصر اطلاعات پرداخته که قادر بوده است علاوه بر توانمندی در ارائه حضور موثر کشور پیشقدم یعنی آمریکا در کشور های میزبان، از نظر صرفه جویی مالی نیز یک انقلاب محسوب شود.

هر چند نویسندگان با استناد به نظر هارولد نیکسون دیپلمات انگلیسی تاکید می کند که ماشین هرگز نخواهد توانست جایگزین مهارتهای انسانی در دیپلماسی شده و چیزی به نام دیپلماسی از راه دور وجود نخواهد داشت ولی وی با اینحال اذعان دارد که دیپلماسی از عصر مترنخ گذر کرده و وارد دوره میکرو چیپ بعنوان مدل تکنیکال از عصر اطلاعات شده است. در این دوران هر چند موضوعات قدیمی همچنان در جریان خواهند بود ولی این بار باید به آنها از زاویه حقایق جدید و دیجیتالی نگریست. فشارهای ناشی از این ضرورت، پایدار بوده و تمامی بخشهای سیاست خارجی را در بر خواهد گرفت. نویسندگان با تشریح دستاوردهای عظیم آمریکا در بخشهای مختلف سیاسی و اقتصادی که دیپلماسی دیجیتال نقش عمده ای در تحقق این وضعیت داشته معتقد است که در شرایط جدید، دستگاه های مستقر در واشنگتن روش مذاکرات تهاجمی را با استفاده از روش دیپلماسی دیجیتال و تحت رهبری واحدی مستقر در کاخ سفید موسوم به نمایندگی تجاری ایالات متحده اتخاذ کرده است.

دیپلماسی دیجیتال

در خصوص موضوع این تحقیق از جمله منابع موجود می توان به کتاب دیپلماسی دیجیتال نوشته ویلسون دیزارد اشاره نمود¹⁴ که تحقیق جامعی است درباره اینکه آمریکا با توسل به شیوه های جدید از دیپلماسی که او آن را دیپلماسی دیجیتال می نامد بسرعت به یک کشور قدرتمند مبتنی بر دموکراسی صنعتی بسوی شکل جدیدی از جامعه پسا صنعتی و متمرکز بر اطلاعات که هنوز هم کاملاً جزئیات آن مشخص نیست به پیش رانده می شود این کتاب که در نه فصل تنظیم گردیده، پژوهشی است درباره اینکه چگونه دیپلماسی امریکایی بخصوص در یکصد و پنجاه سال پیش به این طرف با بهره گیری از فن آوری در عرصه ارتباطات خارجی از یک کشور قدرتمند مبتنی بر دموکراسی صنعتی بسوی شکل جدیدی از جامعه پسا صنعتی و بشدت متمرکز بر اطلاعات به پیش رانده می شود، و بصورت الگویی فراگیر و جدید از دیپلماسی در قرن بیست و یکم در عرصه روابط بین المللی جای می گیرد. آقای ویلسون دیزارد این رویکرد جدید را "دیپلماسی دیجیتال" می نامد.

فصل اول کتاب به موضوع ویژگیهای سیاست خارجی در عصر اطلاعات پرداخته و ضمن بررسی سوابق تاریخی، نقش جدید آمریکا را بعنوان یک تاز عرصه کنترل تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات و ابزار "تهاجم جدید" این کشور برای متقاعد سازی افکار عمومی جهان به نفع سیاستهای خود توضیح می دهد.

فصل دوم به موضوع خاستگاه دیپلماسی دیجیتال اختصاص دارد. نویسنده نخستین آثار این نوع دیپلماسی را در استفاده وزارت خارجه آمریکا از برنامه های تبلیغات رادیویی و برون مرزی وسیع بر علیه مخالفین خود از اواخر دهه 1930 میلادی و بخصوص در دوران جنگ سرد با بلوک شرق ردگیری می نماید و به تفصیل و به تشریح روند شکل گیری و

استحکام این سیاست که در ادبیات روابط بین الملل تحت عنوان "دیپلماسی عمومی" بعنوان روشی نوین در مقابل دیپلماسی سنتی وارد معادلات جهانی شد، می پردازد. فصل سوم با عنوان ماهواره های ارتباطی، چالشهای سیاسی در کنار موضوعات مرتبط با تیر، به پدیده بی سابقه ظهور سازمانهای غیر دولتی بعنوان یکی از بازیگران اصلی و موثر در روابط رسمی بین المللی در اوائل دهه 1960 که یک شرکت غیر دولتی. در مقابله با دولت و مجلس قانونگذاری آمریکا توانست در کنترل ماهواره ها به خودمختاری دست یافته و مستقیماً با دولتهای خارجی وارد مذاکره شود در حالی که وزارت خارجه ایالات متحده فقط نقش "مشاوره" ای داشت و سپس روند قدرت گیری سازمانهای غیردولتی، بخصوص در سازمان ملل و نقش آنها بعنوان گروههای فشار و بازدارنده دولتمردان با استفاده از فن آوریهای جدید ارتباطات و اطلاعات از جمله اینترنت را از آن زمان تا کنون بررسی می نماید.

فصول چهارم و پنجم به موضوع جنگهای طیفی و خطرانی که جریان آزاد اطلاعات را تهدید می کند اختصاص دارد. نویسندگان طی این دو بخش به تفضیل به چگونگی تلاش هدایت شده آمریکا از بالاترین سطوح، برای تزریق اولین اصل قانون اساسی ایالات متحده، یعنی موضوع آزادی مطلق بیان، در درون اصول و عملکرد بقیه کشورهای جهان و موانع و چالشهایی که دیگر ملل برای مقابله با این سیاست تهاجمی بوجود آورده اند می پردازد. و نتیجه می گیرد که هدف آمریکا از ترویج سریع و کم و بیش اجتناب ناپذیر و رویکرد دیپلماسی دیجیتال که یکی از مشخصه های آن آزادی جریان شفاف اطلاعات در سرتاسر جهان است اولاً رشد صادرات کالاها و خدمات مربوط به فن آوریهای ارتباطات و اطلاعات و ثانیاً تضمین کارایی ارتباطات برای تاجار آمریکایی در خارج از این کشور است.

فصل ششم اختصاص به موضوع بازسازی ارتباطات دیپلماتیک دارد. آقای دیزارد در این بخش به تفضیل بیان می‌دارد که گامهای سریع و حجم انبوه و وسعت اطلاعاتی که امروزه دیپلماتها برای تصمیم‌گیری موثر به آنها نیاز دارند، تفاوت اصلی دیپلماسی سنتی و دیجیتالی بوده و اینکه برای حفظ توانایی رویارویی دستگاه سیاست خارجی با جهان بسرعت متحول و بشدت وابسته به یکدیگر، امروزه ضرورتاً وزارت خارجه کشورهای بزرگ باید رویکرد دیپلماسی دیجیتال را در کنار الگوهای گذشته اتخاذ نمایند. برای دستیابی به هدف فوق، نویسنده فصل هفتم را مفصلاً به سازمان دهی دیپلماسی دیجیتال از جمله تغییرات مورد نیاز در ساختار بوروکراتیک و سنتی و شیوه روابط در دستگاه خارجی اختصاص داده است. فصول نهایی این کتاب اختصاص به موضوعات فنی‌تر در مذاکرات تجارت الکترونیک و نیز آینده دیپلماسی دیجیتال دارد.

ادبیات موجود مرتبط با موضوع دیپلماسی دیجیتال علیرغم محدودیت، در مجموع تصویر روشنی از دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نهایتاً بین‌المللی ناشی از تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات را ترسیم می‌نماید. تردیدی نیست که یافتن پاسخ‌های مربوط به دیپلماسی دیجیتال مستلزم بررسی آن از منظر و موقف مختلف خصوصاً از دیدگاه دیپلمات‌های درگیر در مسائل جاری بین‌المللی است.

منابع و یادداشت فصل چهارم:

¹ Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18, 1996.

² Steven Livingston, "Diplomacy and Remote Sensing Technology: Changing the Nature of Debate". George Washington University, Washington D.C. School of Media and Public Affairs July 9, 2002.

³ James N. Rosenau, "Sovereignty and Diplomacy in the Information Age, Virtual Diplomacy Series (February 25, 1999). available <http://www.usip.org/oc/vd/vdr/jrosenauISA99.html>, accessed July 30, 2001.

⁴ Jean-Marie Guehenno, "The Topology of Sovereignty", Virtual Diplomacy Conference, April 1, 1997. United States Institute of Peace, Washington DC.

⁵ Timothy W. Luke, "Nationality and Sovereignty in the New World Order". Presented to the Communications Technologies Seminar Series, sponsored by the Telecommunications Users Association of New Zealand, the New Zealand Academy for the Humanities, and Victoria University of Wellington, March 21, 1996.

⁶ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC. 4. (February 2000)

⁷ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

⁸ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pp. 28-44. ISSN 1311-1493

⁹ Stephanie Smith Kinney, "The Culture of Diplomacy in 2015: What Kind of Service Will We Cultivate?" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

¹⁰ Walter B. Wriston, "Bits, Bytes, and Diplomacy" Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace , Washington DC. Keynote Addresses from the Virtual Diplomacy Conference Release Date: September 1997.

¹¹ Dietrich Kappeler, " Websites as Instruments of Diplomacy", Second International Conference on Web Management in Diplomacy January 2002. <http://www.diplomacy.edu/conferences>

¹² Prof Earle Taylor" The Web as the Ideal Pedestal for Negotiation and International Mediation" Second International Conference on Web Management in Diplomacy Malta, 1-3 February 2002.

¹³ Mark Weiser, "Virtual Tools for Real Diplomacy". Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington, DC Edited remarks by Dr. Mark Weiser, Chief Technologist, Xerox Palo Alto Research Center, at the Virtual Diplomacy Conference of the United States Institute of Peace, Washington, D.C., April 1-2, 1997.

¹⁴ Wilson Dizard, Jr. " Digital Diplomacy, U.S. Foreign Policy in the Information Age" ISBN 0-275-97228-3.

فصل پنجم تحولات بین المللی

اواسط نیمه دوم قرن بیستم را می توان آغاز انقلاب و تحول در عرصه بین المللی دانست. از ویژگی های بارز این تحولات پرسش ها و تردیدهای معطوف به حاکمیت کشور - ملت ها با مفهوم و نظم وستفالی است. به این معنا که هر حاکمیتی پس از شناسائی از سوی سایرین می بایست از هر نوع مداخلات خارجی مصون باشد و مستقلاً راجع به قلمرو خود با سایر کشورها مذاکره نموده و یا عقد قرارداد نماید. با ورود عوامل و مولفه هایی به عرصه بین المللی که پیش از این به هیچ وجه دخالتی در روابط بین المللی نداشته و یا دخالت آنها غیرمستقیم و نامحسوس بود، از جمله موضوعات نه چندان مهمی مانند محیط زیست، باعث فشارهای بین المللی و وادار ساختن کشورها به ملحوظ داشتن نظرات نهاد های خارجی در تصمیمات داخلی شان شده است.

افزون بر این، تحولات دیگری نظیر پایان جنگ سرد، تجزیه کشورها، گسترش اتحادیه اروپا، فشارهای بین المللی غیر قابل انکار ناشی از اثرگذاری افراد و سازمانهای غیردولتی بر روند جریانهای داخلی و جهانی، درگیری های قومی، مداخلات نظامی بشردوستانه و یکجانبه، بروز و رشد جریانهای اسلاخواه و بالاخره تروریسم جهانی، مصادف و موجب بروز تردیدهایی نسبت به نظریه های بین المللی و مفاهیم تبیین کننده تحولات میان کشورها گردیده است. جبریت های اقتصادی از جمله فقر، عقب ماندگی، مشکلات تهیه مواد اولیه، جابجائی تولید و عرضه کالا باعث گردیده تا کشورها به صورت داوطلبانه مرزهای خود را برای ورود قوانین فرامرزی بگشایند. مهاجرتهای ناشی از جنگ، ناامنی و یا سودای زندگی بهتر

از یک سو و از سوی دیگر نیاز کشورهای صنعتی ولی کم جمعیت به نیروی انسانی باعث گشایش مرزهای کشورهای توسعه یافته برای تشکیل جوامع مینیاتوری از ملتهای جهان سوم در آن کشورها شده است.

تحول و انقلاب دیگر تسهیل و تسریع ارتباطات می باشد که موجب فرو ریختن مرزها و عبور بدون مانع اطلاعات و اخبار و فراهم آوردن امکان مبادله نظرات، و عقاید افراد، گروهها سازمانهای رسمی و غیر رسمی از اقصی نقاط جهان با یکدیگر و باعث ورود نیروهای جدیدی به عرصه کاروزار بین المللی گردیده است. به عنوان مثال جنبش های نگران مرگ یا معلولیت هزاران غیر نظامی در سرتا سر جهان در اثر انفجار مین های نهفته در دل خاک در سال 1992 موفق به تشکیل یک سازمان غیر دولتی برای مبارزه در جهت توقف و ممنوعیت ساخت و استفاده از مین شدند و بعنوان یک راه حل در این حرکت جدید بین المللی، نوعی موافقت نامه چند جانبه برای متعهد ساختن کشورها به این جنبش را پیشنهاد نمودند. در ابتدا هیچ یک از دولتهای بزرگ جهان به این حرکت روی خوش نشان ندادند. ولی این حرکت مردمی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بسیاری از سازمانهای بین المللی را در جهت ایجاد یک شبکه تاثیرگذار هماهنگ بسیج کرد و از سوی دیگر با استفاده آگاهانه از شبکه های رسانه ای موفق به کسب امضای بیش از 140 کشور جهان بر پای «موافقتنامه ممنوعیت مین های زمینی» شد و در نتیجه جایزه نوبل سال، 1997 نه فقط به این شبکه سازمانی بلکه همچنین به جودی ویلیامز هماهنگ کننده ای که با استفاده از اینترنت موفق به ایجاد این همگونی و هماهنگی بین المللی شده بود تعلق گرفت¹.

علاوه بر تحولات بین المللی یادشده و دگرگونی بویژه در جریانات اقتصادی مانند تسریع و تسهیل حمل و نقل، پیدایش تجارت

مجازی، جایابی لحظه ای سرمایه، و اتفاقات دیگری از این قبیل باعث گردیدند تا ساختار عرصه بین المللی بیش از پیش تغییر نماید و کارکرد آن وارد مرحله جدیدی شود که در آن کشورها و حاکمیت ها نه تنها نتوانند جدای از دیگران و در انزوا زندگی کنند بلکه افزون بر آن شاهد فرو ریختن مرزهای سنتی اطراف خود باشند و حتی خود داوطلبانه به برداشتن بسیاری از مرزها و موانع پردازند و مفاهیمی همچون استقلال سیاسی- اقتصادی که روزگاری از آنها بعنوان واژه های افتخار آمیز در ادبیات و سخنرانیهای رهبران سیاسی استفاده می شد امروز به راحتی جای خود را به مفاهیمی چون (interrelation) و (interdependence) واگذار نماید.

بدیهی است شمارش عوامل و تجزیه و تحلیل تمامی تحولاتی که منجر به پیدایش محیط بین المللی جدید شده اند در این بخش مد نظر نیست، فقط به آن دست از تحولات و عوامل به عنوان شاهد مدعی اشاره می شود. لازم به تاکید است که جهان توسعه یافته در حال گذار از عصر اقتصاد صنعتی به اقتصاد اطلاعات بوده و روابط انسانی نیز در حال تحول از ارتباط بومی - ملی به ارتباطات جهانی است همچنان که در جریان جایابی از عصر کشاورزی به عصر صنعتی رخ داد.

خصیصه دیگر محیط بین المللی امروز که ناشی از انفجار اطلاعات است، الزام دولت ها به پاسخگویی است. این پاسخگویی از محدوده اقناع افکار عمومی داخلی که به جای خود حائز اهمیت بسیار است، فراتر رفته و پاسخگویی به سازمانهای بین المللی و غیر دولتی و گروههای شبکه ایی علاقمند به یک موضوع و نهایتاً به توجیه افکار عمومی جهانی رسیده است. شرایطی که حتی در تصور پادشاهان و روسای کشورها تا نیم قرن پیش قابل تحمل نبود که برای مثال راجع به آلودگی یکی از رودخانه های کشورشان باید

در مقابل افراد یا سازمانهایی در خارج از مرزهای خودشان پاسخگو باشند. ضمن آنکه عده ای از متخصصین علوم سیاسی این پاسخگو بودن را فقط محدود به رابطه بین شهروند و حکومت ندانسته بلکه یک رابطه تسهیل کننده مبتنی بر خدمات می دانند بعبارت دیگر پاسخگو بودن سیاسی بیشتر مربوط به قابلیت تحرک بخشیدن به شبکه های مختلف قدرت برطبق منافع مرتبا در حال تغییر می باشد. در نتیجه پلورالیسم بجای دموکراسی، اخلاق سیاسی دولت در جامعه شبکه ای است². در این فصل به آن دسته از موضوعات بین المللی که اثرات تعیین کننده ای در تحولات دیپلماسی سنتی داشته اند اشاره می گردد.

تحدید حاکمیت ها

از ابتدای ظهور حاکمیت ها تا کنون، مرزها آشکارترین نشانه قلمرو حاکمیت های مستقل بشمار آمده و علیرغم محو علایم فیزیکی گذشته و نامحسوس بودن آن در میان بعضی از کشورها، کماکان نادیده گرفتن آنها برای حاکمیت ها غیرقابل تحمل می باشد. امروزه این حساسیت، با چالش های فراوانی روبروست. عبور جریان آزاد اطلاعات، دخالت های نظامی بشر دوستانه، اعمال تحریم های مختلف، تعمیم قوانین بین المللی و موضوعاتی از این قبیل اقتدار حاکمیت ها را محدود و مرزهای آنان را مورد تجاوز و تعدی قرار می دهد. با پیشرفت و توسعه سریع فناوری، رسانه های جمعی، ماهواره های مخابراتی و تلویزیونی و شبکه های اینترنت، باعث عبور بدون مانع و رادع اطلاعات به درون مرزهای ملی آنها علیرغم مخالفت و نارضایتی حاکمان شده و عملاً فرسایش و فرو ریختن مرزها آغاز گردیده است. باین ترتیب قلمرو اقتدار ملی یعنی قدرت یک ملت در جلوگیری از مداخله دیگران در امور داخلی بسرعت در حال فرسایش است. امروز هیچ

ملتی نمی تواند بارش اطلاعات را در اطراف مرزهای ملی اش متوقف نماید³. قبل از توسعه غیرقابل کنترل فناوری اطلاعات و ارتباطات، با تمهیدات مختلفی نظیر تولید پارازیت و یا توسعه پوشش رادیو و تلویزیون داخلی به اقصی نقاط کشور و توجیه مسایل برای شهروندان؛ مقابله با تهاجم امواج تبلیغاتی بیگانگان ممکن بود. ولی موضوع فرسایش و بعضاً محو مرزها امروز بسیار فراتر از گذار امواج صوتی و تصویری سنتی است. ابداعات تکنولوژیک باعث رشد دامنه دار زیرساخت های جدید اطلاعات از جمله اینترنت و مهمتر از آن سیستم های کابلی ماهواره ای و نوری گردیده و در نتیجه شکل سنتی انتقال اطلاعات که شامل یک رسانه خری بعنوان فرستنده و دیگری بعنوان دریافت کننده می باشد (مثل کارکرد سنتی رادیو و تلویزیون) به رسانه های متعامل چند گانه و (interactive) در حال تحول و تعادل می باشد. افزایش بی سابقه در سطح اتصالات و ارتباطات جهانی (global interactivity) نتیجه مستقیم تسهیل در ورود و دستیابی بسیاری از ملل به این فناوری ها و نیز حاصل افزایش علاقمندی بسیاری از بازیگران به استفاده از این زیرساختار های جدید در کلیه جنبه های عمل متقابل می باشد⁴. چنین سیستم به هم تنیده ارتباطی و اطلاعاتی اگرچه در ابتدای کار وسیله ای برای ارتباط سریعتر و آسان تر میان کشورها به نظر می آمد ولی استفاده توده گیر از آن در اقصی نقاط جهان باعث خلق شرایط نوینی از قرار گیری کشورها در کنار یکدیگر گردیده است. در این سیستم دیگر دیپلمات های دو کشور یا مرزبانان دو کشور نیستند که با هم صحبت می کنند. حتی گسترده تر از آن دیگر نمایندگان سازمانهای دولتی یا غیر دولتی نیستند که با همتایان خود مذاکره می کنند. بلکه برای نخستین بار در تاریخ، فقیر و غنی، شمال و جنوب، شرق و

غرب، شهری و روستایی در یک شبکه الکترونیک جهانی متشکل از تصاویر مشترک، بطور همزمان، بهم متصل شده اند. ایده ها چنان از مرزها عبور می کنند که گویی هرگز مرزی وجود نداشته است. امروزه زمان بسیار مهمتر از مرزها شده است.⁵ فرسایش مرزها فقط به جریان اطلاعات و مبادله اخبار و نظریات بین داخل و خارج ختم نمی شود. این فرسایش در حوزه های دیگر از جمله اقتصاد و تجارت نیز مشهود است بطوریکه تمایز میان جریانات داخلی و بین المللی روز به روز کمرنگ تر شده و توانمندی کشورها برای اجرای سیاست های مستقل پولی و مالی بوسیله بازار جهانی سرمایه های سیال، تحدید می شود. توانایی کشورها در وضع مالیات که به معنای قدرت دولت هاست، بوسیله تصمیمات شرکت های چندملیتی و برای جذب سرمایه آنها، محدود می گردد. در نتیجه این شرایط اقتصادی، واضح است که حاکمیت کشورها بوسیله اصل لزوم ورود به عرصه ترتیبات چند جانبه خدشه دار شده است. نمونه آن را در خلق سازمان تجارت جهانی شاهد بوده ایم.⁶

مهاجرت

گسترش اطلاعات موجب آگاهی توده های مردم در دورافتاده ترین نقاط دنیا نسبت به امکانات زندگی بهتر در نقطه ای دیگر از جهان پیرامونشان شده است. این آگاهی ها، موجی از مهاجرت هائی را بوجود آورده که برای هر دو کشور فرستنده و پذیرنده مشکل آفرین است. مهاجرین گاهی در کشور میزبان به نیروهای مخالف دولت متبوعشان تبدیل می شوند و در موافقی با نفوذ در سیستم علمی، سیاسی و فرهنگی کشور پذیرنده، خصوصاً در کشورهای توسعه یافته و برخلاف میل آنها و حفاظت های دقیقشان، اطلاعات علمی و فنی را که اساس برتری آنهاست به کشورهای جهان سوم منتقل می نمایند. این مهاجرین افزون بر کسب اطلاعات

فنی، در انتقال سرمایه ها از خارج به داخل کشورشان نیز نقش مهمی بعهده دارند. از همه مهمتر آنکه وجود امکان تاثیرگذاری این مهاجرین بر روی تصمیمات کشور پذیرنده باعث شده است تا بسیاری از کشورهای فرستنده نه تنها مرزهای خود را برای خروج این افراد نادیده بگیرند بلکه تمایل دارند تا مرزهای نامریی خود را به آنسوی کشورهای پذیرنده امتداد دهند. ملیت و حاکمیت در اقتصاد جهانی نیز به اصول قابل تردید و کشمکش مبدل گشته است. کنترل قلمرو و جمعیت که بطور کلاسیک مبنای حاکمیت بودند بواسطه جریان فراملی سرمایه، نیروی کار، تولیدات مادی و معنوی در حال فرسایش می باشند.

از سوئی دیگر این جایابی مرزها، کشورهای پذیرنده را دچار دوگانگی در رفتارها نموده است. از یک طرف ایده همگرایی و جهانی شدن ارزش ها ترویج می شود که شاید این ایده ها با پیش فرض غالب شدن فرهنگ غرب به کشورهای توسعه نیافته و یا به اصطلاح «انتر لیبرالیسم جهانی» قوت گرفته باشد ولی امروزه با حضور جوامع کوچک فراملی و رشد و توسعه فرهنگ جوامع توسعه نیافته در جهان غرب، جریان برعکس شده است و از طرف دیگر با ملاحظه رشد نفوذ تازه واردین، شهروندان اصلی احساس خطر کرده و رفته رفته تفکرات نژادپرستانه از سطوح پایین تر جوامع شروع شده و امروز دولت ها نیز از یکسو با احساسات نژاد پرستانه مخالفت می کنند و از سوی دیگر خواسته یا ناخواسته با فرهنگ های دیگر در قالب دفاع از ارزشهای غربی به مبارزه می پردازند. بعبارت دیگر انکار حقوق بشر یا آزادیهای دموکراتیک دیگر از این پس صرفاً به معنای انکار بخشی از حق افراد نخواهد بود بلکه به معنای خدشه دار ساختن فرهنگ بنا شده در دهکده جهانی است.⁸

شهروندی جهانی

پس از انقلاب فرانسه و شناسایی حقوق مشخص برای افراد تحت یک حکومت بعنوان شهروند و متقابلاً تعیین تعهداتی برای یک شهروند در مقابل دولت، در عرف بین المللی این رابطه حقوقی، بعنوان یک ارزش مقدس و نشانه ملیت بشمار می رفت و تخلف از آن خیانت به کشور تلقی می گردید و بهمین دلیل در قانون مدنی اکثریت قریب به اتفاق کشورها تا همین اواخر تابعیت مضاعف ممنوع بود. بیش از سه دهه است که مفهوم شهروندی از تعهد و وفاداری به کشور، به انتظارات منطبق با استانداردهای جهانی شهروندان از دولت تبدیل شده است. در واقع شهروندان فعلی بدون توجه به موقعیت کشورشان خود را با شهروندان کشورهای توسعه یافته مقایسه می نمایند و از دولتشان نیز انتظار دارند که با استانداردهای بین المللی به آنها خدمت نمایند. این انتظارات به معنای نا دیده گرفتن مرزها از سوی شهروندان یک کشور است. حتی امروزه از عناوین نوظهوری همچون «شبکه وندی» یا شهروند شبکه ایی نیز استفاده می شود که هر چند این مفهوم در دنیای مجازی معنی پیدا می کند اما این اصطلاح حکایت از هویت های جدیدی دارد که روز بروز ظهور آنها پررنگتر می شود. مک لوهان متخصص برجسته رسانه ها بر این نکته اصرار می ورزد که ایجاد حس و آگاهی مشترک و فراهم آوردن امکان ارتباط بین افراد و جوامع توسط تلویزیون، تایید و توجیهی است برای «دهکده جهانی». چنین تلقی تایید شده ای در سالهای اخیر نسبت به اثرات رسانه ها، با ورود تکنولوژیهای جدید ارتباطات و اطلاعات و با اضافه اثرات بی تردید اینترنت، در پی تعمیم حقوق «شبکه وندی» (netzenship) بر «شهروندی» است. گونو می گوید که همه چیز برای یک حکومت ملی مبتنی بر شهروندی در حال تغییر است زیرا مناسبت های جدید بشری،

انسان را از اسارت در فضای قلمرویی و جغرافیایی آزاد ساخته و وارد فضای سایبر نموده است. بنابراین شهروندان نه فقط شانس دسترسی به شبکه را دارند بلکه تحت شرایط پذیرش بین المللی معاهدات بازار آزاد و دموکراتیک، حق فعالیت بعنوان یک «شبکه‌وند» را نیز، صرفنظر از سیاستها و موقعیت دولتشان، دارا می‌باشند. از سوی دیگر چون شبکه‌ها قلمروها را هم تغییر داده‌اند لذا تفوق از قلمروهای حکومتی و جغرافیایی به شبکه‌ها منتقل می‌شود، صلاحیت و شایستگی انسان مدرن، گرانترین کالا می‌شود و رقابت برای کسب شایستگی در سطوح جهانی رخ می‌دهد. در اینصورت دیگر پس از این حاکمیت‌های قلمرویی مقدس نیستند و ما که پیش از این در جهان دو قطبی تحت سیطره قدرتهای قلمرویی زیسته‌ایم، هم اینک در حال ورود به آنچه که می‌توان آن را جهان سه بعدی از قدرت شبکه‌نامید هستیم¹⁰.

تابعیت مضاعف و چند گانه

در اغلب کشورهای جهان تا دو دهه پیش، تابعیت مضاعف ممنوع و داشتن تابعیت کشور دیگر نشانه‌ای از عدم تعصب ملی و یا وابستگی به بیگانگان معنا می‌شد. ولی امروزه حتی سخت‌گیرترین کشورها نیز یا قانون تابعیت مضاعف را پذیرفته و یا با بکارگیری راهکارهایی عملاً وجود آن را نادیده گرفته‌اند. همین امر باعث گردیده است تا مفاهیم تابعیت و وفاداری به وطن معانی قدیمی خود را از دست بدهند یک کشور دیگر نمی‌تواند روی تבעه خود بعنوان یک وفادار به آب و خاک حساب کند این مشکل در حالی است که هر روز به تعداد افرادی که برای دسترسی به زندگی بهتر کشورهای خود را ترک و در سرزمین دیگری ساکن می‌گردند، اضافه می‌شود. این افراد با داشتن دو گذرنامه، به تناسب فرصتهایی که پیش می‌آید، از امکانات یکی از کشورها استفاده می‌

کنند. و اگرچه همواره از دلبستگی خود به سرزمین مادری و عشق به ملیت سخن می‌گویند ولی این نوع ملیت چیزی فراتر از علاقمندی به آداب و سنن و افتخار به تمدن گذشته که تعهد چندانی برای آنها ندارد، نیست. و هرگاه این علاقمندی‌ها در قالب تعهدات شهروندی معنا شود از ابراز آنها خوداری و یا برای فرار از آن تعهدات، توجیهات انسان دوستانه و جهان وطنی به میان می‌آورند. برای یک تبعه اسپانیایی که بواسطه زندگی والدین خود تحصیلاتش را در سوئد تمام و در همانجا امکان اشتغال دارد، اگر مجبور نباشد که در یکی از دو کشور خدمت سربازی را انجام دهد انگیزه‌ای برای ادای چنین وظیفه‌ای نخواهد داشت. نگارنده خود از یکی از ایرانیان شنید که می‌گفت (من دوره سربازی را در سوئد گذرانده‌ام آیا ایران به من برگ پایان خدمت خواهد داد؟). در واقع برای چنین افرادی طی دوره سربازی به معنای آمادگی برای دفاع از سرزمین خاصی نیست بلکه دوره ایست برای عبور به مرحله دیگر زندگی، در حالیکه برای فردی که در داخل یک کشور با مفاهیم ملیت و وطن پرستی رشد کرده باشد انجام وظیفه سربازی معنای دیگری دارد. اصولاً احساس دفاع هنگامی بوجود می‌آید که فرد در طی زمان طولانی نسبت به یک قلمرو احساس تعلق نماید. امروز افرادی که هزار چندی در یک کشور اقامت می‌گزینند، احساس تعلقشان هم مانند زندگی پراکنده‌اشان، از هم گسسته می‌شود و از استحکام کافی برای دفاع از یک ملیت برخوردار نخواهند بود. برای مثال یک ایرانی که در آمریکا تحصیل کرده و در سوئد زندگی راحتی دارد و در بسیاری از موارد خود و خانواده‌اش با جامعه سوئد نزدیکی بیشتری احساس می‌کنند تا با سرزمین مادریشان، دیگر دفاع از ایران در اولویتی هم طراز همیهنان داخل کشورش نخواهد بود. از سوی دیگر فرهنگ یکسان سازی

از سوی رسانه های جمعی دنیا تبلیغ می شود که در آن ارزشهای انسانی و جهانی بسیار پررنگتر از ارزشهای ملی است و لذا تعلقات فردی، گروهی و سازمانی بر تعلقات ملی ارجحیت می یابند.

چند فرهنگی، همگرایی، جوامع فراملی

وجود جوامع کوچک با تفاوت های قومی مذهبی نسبت به جامعه اصلی، پدیده نوظهوری نیست و از ابتدای تشکیل جوامع بشری و شکل گیری کشورها، اقلیت ها یکی از مسایل مبتلا به دولتها بوده است. این جوامع بنا بر مقتضیات و شرایط سیاسی، مورد لطف یا ظلم و ستم حاکمان قرار می گرفتند. از اواسط نیمه دوم قرن گذشته و تحت عنوان حقوق اقلیت ها این مسأله رفته رفته به موضوعی جدی در مباحث بین المللی تبدیل گردید. این موضوع اگرچه کماکان در مباحث حقوق بشر مطرح می باشد ولی به دلیل شیوع مهاجرت های گسترده دو دهه اخیر و امکان دستیابی به فرصتهای نفوذ در فرایند تصمیم سازی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای پذیرنده از وضعیت اقلیت غالباً تحت ستم به جوامع فراملی تاثیرگذار تبدیل گشته است. این جوامع با ویژگی شمشیر دو لبه، هم برای کشور فرستنده و هم کشور پذیرنده، بعنوان موضوعی جدید در عرصه بین الملل ظاهر و به نسبت مطرح بودن آن در برهه های مختلف، به فهرست موضوعات دیپلماتیک نیز اضافه گردیده اند.

موضوعاتی از قبیل تابعیت و شهروندی، که تا دو دهه پیش مباحث چندان مطرحی نبودند و در اغلب کشورها از قوانین ثابتی پیروی می کردند، در اثر موج مهاجرت های جدید و پیدایش افرادی با تابعیت های متعدد و شکل های جدیدی از هویت سیاسی، به موضوعات مطرح دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی مبدل گشته و برداشتهای سنتی مربوط به شهروندی از جمله

تعلق و حق عضویت را مورد چالش قرار داده و باعث تجدیدنظر در معنای شهروندی گردیده اند. اگر شهروندی در ابتدا یک موضوع و دلمشغولی داخلی و محلی کشورها به شمار می آمد، واقعیت هایی چون کوچ و در پی آن تشکیل جوامع فوق ملی مانند اتحادیه اروپایی، تشکیل کشورهای جانشین و نهضت جمعیت های پناهنده و جبریت ها و هنجارهای بین المللی حقوق بشر باعث تسریع شناسایی شهروندی بعنوان یک موضوع فراملیⁱⁱ گردیده است.¹¹

این جوامع در کشورهایی که در پیاده کردن برنامه های همگراییⁱⁱⁱ موفق بوده و توانسته اند وابستگی های بی چون و چرا و به اصطلاح تعصب آمیز این خیل شهروندان را نسبت به سرزمین مادریشان کاهش داده و کنترل نمایند، در شرایط مختلف به عنوان اهرم فشار علیه کشور اعزام کننده مورد استفاده قرار می گیرند و یا در شکل مثبت آن، بعنوان پلی برای نفوذ در بازار کشور اعزام کننده، یا تاثیرگذاری در آن، مورد بهره برداری قرار می گیرند. البته در مواقعی نیز این جوامع بعنوان لابی موثر در کشور پذیرنده برای کشور فرستنده بکار می آیند. امروزه یکی از استراتژ هائی که برای جهانی شدن پیشنهاد می نمایند عبارت از داخل ساختن افراد جامعه در وطن و یا در خارج از کشور در جریانات مختلف و ارتقاء روشها و سیاستهای کشورها برای درگیر ساختن آنها با موضوعات مختلف ملی و نیز توسعه حضور در بازارهای جهانی و حمایت از فعالیت های تجاری شهروندان ساکن در خارج به عنوان پیشرو منافع ملی در یک محیط جهانی شده، می باشد.¹² اگر چه دوگانگی نقش مهاجرین به خودی خود موضوع مبهمی در روابط دو کشور فرستنده و پذیرنده بشمار می آید

ⁱ supernational

ⁱⁱ Trans national

ⁱⁱⁱ Intgration

ولی موضوع هنگامی پیچیده تر می گردد که اتفاقات دیگری در نقاطی بسیار دورتر از دو کشور رخ می دهد. بعنوان مثال اتفاق یازدهم سپتامبر و گسترش موج اسلام ستیزی از سوی رسانه های آمریکایی، حالت نظم و تعادلی را که نتیجه سالها تلاش تعدادی از کشورهای اروپایی در جهت همگرایی بود بر هم زد و مسائل جدیدی را برای این کشورها بوجود آورد. به این ترتیب به فهرست مسائل بین المللی علاوه بر حقوق اقلیتها، همگرایی و بیگانه ستیزی، اسلام ستیزی و کنترل این احساس در کشورهای مختلف اضافه گردیده است. به این ترتیب کشورها در داخل خود با گروهها و پاره جوامعی روبرو هستند که به اقتضای شرایط با هم متحد یا با یکدیگر درگیر می شوند. این گروهها قدرت و امنیت حکومت ها را با منافع مشترک حاصل از منافع شبکه ای و همبستگی خود از پایین و شرکت های چند ملیتی آنها را از بالا با چالش هایی روبرو ساخته اند. این شرکتهای چندملیتی برای پاسخگویی به فرصتهای اقتصادی، سرمایه های کلان خود را در محیط های دوستانه از نظر وضع مالیاتها و صرفنظر از «منافع ملی» جای می دهند و مهاجرین نیز بعنوان افرادی که بطور قراردادی یا بنا به اجبار های سیاسی یا اقتصادی به عنوان تبعیدی، مهاجر و پناهنده در سرتاسر جهان پراکنده شده اند، هر دو، فشارهای سیاسی مضاعفی به کشورهای فرستنده و پذیرنده، برای همنوای شدن با هنجارهای جامعه شبکه ای وارد می سازند¹³. بی تردید مقابله با این موضوعات بسیار فراتر از حل و فصل مسائل و مشکلات شهروندان در شرایط فعلی توسط سفارتخانه ها و کنسولگری هاست. این مسائل افزون بر موضوعی دو جانبه بودن، طبیعت چند جانبه و بین المللی داشته و در مواقعی نیز باعث سردرگمی دیپلماتها می شود که آیا باید از این جریان یا افراد دفاع کنند یا خیر؟ چون هر اقدام یا عدم

اقدامی، دیپلمات را به ورطه مسائل حقوقی دو جانبه و بین المللی و کشمکش گروهها و نهایتا درگیری با افکارعمومی می کشاند. یک نمونه دیگر درگیری رو به افزایش راجع به تابعیت مضاعف میان کشورهای اروپایی و کشورهای آسیایی و آفریقایی است که بسوی تدوین قوانین جدید بین المللی حرکت می کند. نمونه ساده ای از این مسائل هم اکنون میان ایران و کشورهای اروپائی از جمله سوئد بطور روزانه مطرح می گردد. برای مثال هنگامی که ما راجع به وضعیت یک ایرانی سوال می کنیم آنها پاسخ می دهند که او سوئدی است و روز دیگر از ما می خواهند که یک فرد ایرانی ولی دارای گذرنامه سوئدی را بعنوان تبعه خود بپذیریم. اگرچه قوانین ناظر بر تابعیت مضاعف در سوئد روشن است، ولی تازگی موضوع باعث سر درگمی مامورین دست اندرکار می شود. این سر درگمی از سویی باعث اتلاف فرصتهای استفاده از امکانات و از سوی دیگر فراموش شدن ارزشهای مربوط به ملیت می گردد. مشکلات یاد شده راجع به مهاجرین و جوامع فرا ملی تا جایی است که آنان با هویتی مشخص و در قالب یک جامعه معین در کشور پذیرنده ظاهر می گردند ولی کار هنگامی مشکل تر و پیچیده تر می شود که این جوامع بطور پنهانی اهداف و مقاصد را دنبال نمایند. آنها براساس اطلاعات در اطراف موضوعات به هم می پیوندند و بطور ضعیف یا قوی، به تناسب اطلاعات در شبکه جهانی، به پیش بینی می پردازند. این رقبا اغلب بطور مشخص شرکتهای چند ملیتی و قدرتمند بین المللی، جمعیت ها و ائتلاف سازمانهای غیردولتی و سازمانهای بین المللی، شهروندان و گروههایی که در درجات و انواع مختلفی از وفاداری هستند و نیز متخصصین و یهودیان پراکنده در جهان می باشند. آنان اگر چه قدرت رسمی برای شناخته شدن یا متمایز بودن در کشورها را ندارند ولی با تکیه بر نیروی اهرم گونه خود که مرتبا زیاد و پر شتاب می گردد و با

قدرت استفاده از شبکه ها، اغلب بر حکومت ها تاثیر می گذارند تا آنطور که آنها می خواهند عمل نمایند. فقدان تجانس گروهی یا جمعیتی و نیز عدم وجود سلسله مراتب بین آنها، اغلب وزارت خارجه ها را دچار مشکل و سر درگمی نموده است¹⁴.

کلیدی ترین تاثیر انقلاب سیاسی که بدنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انحلال پیمان ورشو جریان یافت، ریزش و انتشار قدرت دولت ها بود. این انقلاب نه تنها حکومت های ملی جدیدی را جایگزین کرد و نقش اساسی بازیگران حکومتی را جایجا نمود بلکه توانست بطور قابل ملاحظه ای بر تعداد هویت های غیر مستقیم و بازیگران مهم در صحنه بین المللی بیفزاید¹⁵. اصطلاح سازمان های غیر دولتی یا مردم نهاد که امروزه آشنا ترین مفهوم در ادبیات روابط بین الملل محسوب می شود و به عنوان نیرو یا عامل موثری در محاسبات دیپلماتیک بشمار آمده و بالاخره در تصمیمات مختلف بین المللی و حتی داخلی کشورها اثرات قابل ملاحظه ای دارد، نمونه ای عینی از هویت های بین المللی و شبکه ای در محیط بین المللی آینده می باشد که ممکنست بر اساس موضوعی سریعاً از اقصی نقاط دنیا و از طریق شبکه های جهانی بهم متصل و پس از تاثیرگذاری، منحل یا مجدداً بشکل دیگری در آینده ظاهر گردند. جیمز روسنیو در کتاب قلمرو دیپلماسی در عصر اطلاعات می نویسد: ما در حال تجربه امتزاج غیر متمرکز از منافع داخلی و جهانی هستیم. بطور خلاصه باشگاه کشور- ملت ها دیگر بیش از این از قدرت اختصاصی برای قانونمند ساختن یا غیرقانونی کردن رژیم های جدید، به رسمیت شناختن حکومت های جدید و مذاکره و اعمال معاهدات و قوانین بین المللی برخوردار نیستند. مخالفین جدید برای اعمال قدرت بین المللی، منتقل کنندگان اطلاعات هستند که موضوعات و جریانات را گردآوری و مونتاز می کنند، مانند شرکتهای چند ملیتی قدرتمند، گروههای بی قاعده و قانون، سازمان های غیر دولتی،

سازمانهای بین المللی و مهاجرین. این گروهها گرچه دارای قدرت رسمی برای به رسمیت شناختن یا رد کردن اقدامات دولتهایشان نیستند اما به دلیل گستردگی و سریع بودن و نیز بدلیل توانایی استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات، اغلب حکومت هایشان را وادار به انجام کاری که می خواهند، می کنند¹⁶. در بحث تابعیت و شهروندی و علقه های ملی گفته شد که علائق جهانی، محدوده شهروند را از یک یا دو کشور به موضوعاتی بسیار فراتر از مرزهای پیرامونی یک شهروند گسترش می دهد. امروزه از اصطلاحاتی مانند بومی- جهانی صحبت می شود به این مفهوم که بعنوان مثال دانشجویان یک کشور نسبت به اخبار جهان بسیار حساس تر از همپرازان خود در قرن گذشته هستند. آنها به دنبال یافتن فرصت اشتغال در نقاط مرفه جهان، مایلند از استانداردهای شغلی و مهارت های تخصصی مورد نظر آنان مطلع و سریعاً خود را با آن شرایط منطبق نمایند و گذشته از مهارت های تخصصی مایلند تا ارزشهای اخلاقی و نرم های حاکم بر آن جوامع و محیط کار را هم بیاموزند. به این ترتیب اگر چه دانشجویان بهره برداری در داخل تربیت می شود اما وی همزمان دو فرهنگ را مد نظر دارد و بسیار طبیعی است که با چنین ذهنیتی، با افراد یا سازمانها یا حکومتهای خارج از کشور خود، بیشتر اتفاق نظر داشته باشد. تجار و صاحبان شرکتهای نیز برای دستیابی به نیروی کار ارزان و نیز پرداخت حداقل مالیات و استفاده از زیر ساختهای اقتصادی کشورها بدون رعایت استانداردهای دقیق محیط زیست تمایل دارند که از اتفاقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دور افتاده ترین نقاط جهان مطلع و در همان حال ارتباطاتی را با آنها برقرار نمایند. متقابلاً افراد بومی یک شهرستان نیز ارتباطاتی را با طرفهای خارجی خود برقرار می کنند که هنوز وزارت بازرگانی یا بخش تجارت خارجی از آنها مطلع

¹⁶ Local-global

نیست. همین جریان در مورد آموزشهای راه دور از طریق اینترنت و یافتن بورسهای تحصیلی و دوره های آموزشی میان افراد، موسسات بومی با موسسات جهانی یا درون کشور دیگر اتفاق می افتد. به عقیده جفری کوپر امروزه ما شاهد ترکیب غریبی از کشور- ملت ها و حکومتهای شبیه مدلهای قبل از قرون وسطیⁱⁱ و هویتⁱⁱⁱ های فرا ملی مانند امپراطوری روم مقدس هستیم که در کنار یکدیگر بعنوان سیستم های وابسته و پیوسته زندگی می کنند. منابع وحدت بطور زیرکانه ای تغییر نموده و چنگانه شده اند. افراد مانند قرون وسطی بگونه ای فزاینده وفاداری به هویت های غیر حکومتی را همانند دنبال می کنند، حتی اگر این وفاداری در تضاد با منافع یا سیاست های طراحی شده ملی باشد. به عنوان مثال موضوع شهادت دادن برای حمایت از مسایل زیست محیطی فراملی، یا ظهور گروههای جدید مدعی منافع ملی و اعمال نظر آنها به همراه رشد انفجار گونه سازمانهای غیر دولتی و دیگر عوامل جامعه مدنی فراملی، که مرزبندی و تعیین حدود دولت ها را که هر دو از عناصر کلیدی دیپلماسی مدرن هستند پیچیده تر می کند¹⁷.

به این ترتیب عرصه بین المللی شاهد یک نیروی آزاد در فضای خود می باشد که هیچکس نمی تواند روی آن حساب کند ولی در عین حال ممکن است بر اساس یک اتفاق یا خبر این نیرو بسود یک طرف و بر علیه دیگری بکار آید. نیرویی که هیچگاه در محاسبات سیاسی و دیپلماتیک قرن گذشته وجود نداشت.

برطبق نظریه جمیز روسنیوا ما در حال یک ائتلاف غیرمتمرکز از منافع داخلی و جهانی هستیم که او آنرا اتحاد منفکهاⁱ می نامد. این اصطلاح که مفهومی ترکیبی است از منفکهاⁱⁱ

ⁱ on-line

ⁱⁱ City-state

ⁱⁱⁱ Entities

ⁱ Frmigration

ⁱⁱ fragmentation

و همگراییⁱⁱⁱ که در درون و بین سازمانها، جمعیت ها، کشورها و سیستم های فرا ملیتی است به گونه ای که تقریبا غیر ممکن است که با آنها جداگانه یا مستقلا روبرو شد و معامله و برخورد نمود. به تبع این وضعیت که می توان آنرا «اتحاد منفک ها» ترجمه کرد پراکندگی اقتدار از اطراف کشورها همراه با رشد نقش حکومت های غیر متمرکز، سازمانهای دولتی، رسانه ها، جنبش های اجتماعی و دیگر شبکه های غیر کشوری فراملی به عنوان بازیگران اصلی بین المللی بروز می کند.¹⁸

حضور بازیگران جدید و افزایش قدرت روزافزون آنها به تنهایی صورت نمی گیرد، بلکه کاهش قدرت کشورها بدلیل ضرورت پاسخگویی به افکار عمومی جهان، شفافیت قوانین، گریز از سیستم های توتالیتری گذشته و حرکت به سوی حکومت های پاسخگو می باشد. از مثالهای قابل ذکر در اینجا نقل قولی است از سفیر تایلند در سوئد که در توضیح درگیری های کشورش می گفت که تایلند دارای معدودی سد آبی است ولی سازمانهای غیردولتی طرفدار محیط زیست دیگر به هیچ عنوان اجازه سد سازی را در این کشور به دولت تایلند نمی دهند. لذا اجبارا دولت برای تامین برق مورد نیاز کشور و با نظارت بانک توسعه آسیایی در حال اجرای پروژه های سد سازی در کشورهای همسایه از جمله برمه است تا پس از اتمام آن سدها برق تولیدی طبق قراردادهای منعقد شده به تایلند صادر شود.

نظام تک قطبی اطلاعات

در گذشته تجزیه و تحلیل مناسبات و اتفاقات بین المللی چندان دشوار نبود. هر واقعه ای براحتی در قالب اردوی شرق یا غرب و در مرتبه بعد غیرمتعهدها طبقه بندی شده، حتی روابط دو جانبه میان کشورها نیز نمودی از برخورد دو ابرقدرت دانسته می شد. لیکن پس

ⁱⁱⁱ Integration

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مطرح شدن نظم نوین جهانی و تبلیغات امریکا از موضع ابرقدرت منحصر بفرد، تحلیل‌گران اوضاع بین‌المللی دچار سردرگمی شدند. کالین پائول وزیر خارجه وقت آمریکا در این باره می‌گوید: بعنوان مشاور امنیت ملی در یک کنفرانس شوروی-آمریکا در 1988 شرکت کرده بودم. میخائیل گورباچف رو به من کرد و گفت: «بسیار متأسفم ژنرال! شما باید یک دشمن جدید پیدا کنید.» و همین‌طور هم شد. دنیا تغییر کرد و طی چند سال غرب خود را در موقعیتی یافت که دیگر در آن نه تنها با ایدئولوژی و قدرت نظامی شوروی مقابله نمی‌کرد بلکه چالش جدیدش اداره کردن ضعف‌های روسیه و زوال سیاسی آن بود.¹⁹

هنری کسینجر در کتاب دیپلماسی خود با اشاره به سوابق تاریخی و با تشریح نظام تک‌قطبی می‌نویسد: بر طبق یک قانون نانوشته طبیعی در هر قرن کشوری با قدرت، اراده، هوشمندی و انگیزه بالا در صدد شکل‌بخشیدن به تمامی سیستم‌های بین‌المللی بر طبق ارزشهای خود بر می‌آید. در قرن هفدهم فرانسه تحت رهبری کاردینال ریشلیو رویکردی مدرن بسوی روابط بین‌المللی را مبتنی بر وجود کشورهای مستقل که روابطشان با انگیزه رسیدن به منافع و اهداف ملی شکل می‌گرفت به جهان معرفی نمود. در قرن هجدهم هم مفهوم "تعادل قوا" مطرح شد که تا دویست سال بعد بر دیپلماسی اروپا حاکم گردید. در قرن نوزدهم مترنیک کنسرت اروپا را بازسازی نمود و آلمان بیسمارک آن را از هم‌پاشید که در نتیجه دیپلماسی اروپا را بصورت یک بازی بی‌رحمانه و خون‌سردانه از سیاست و قدرت شکل‌بخشید. در قرن بیستم قدرت بلا‌منازع در تاثیرگذاری بر روابط بین‌المللی، ایالات متحده امریکا بوده است. امریکا در طول تاریخ خود دو نگرش متناقض در سیاست خارجی را در خویش پرورانده است. اول آنکه آمریکا در داخل

کشور، روند کامل دموکراسی را اجرا و ارزشهای خویش را به بهترین نحو تقویت و ارائه نماید تا باین ترتیب برای بقیه بشریت نقش راهنما و هدف ایده آل را بازی نماید و دوم آنکه ارزشهای امریکایی، وظیفه مبارزه در اکناف عالم برای پیاده کردن دموکراسی امریکایی را برای دولت امریکا متصور بدانند²⁰.

افزون بر اظهارات مکرر مقامات امریکائی دائر بر ضرورت رهبری جهان توسط امریکا و به دنبال آن تجاوزات آنها در بالکان، خلیج فارس، افغانستان و عراق که پدیده جدیدی در روابط بین الملل می باشد، از نقطه نظر موضوع این تحقیق نیز نظام جهانی به سوی تک قطبی شدن، خصوصاً در زمینه اطلاعات و فناوری که از آن با عنوان "شکاف دیجیتالی"²¹ نام می برند، پیش برده اند. ایالات متحده برای تبلیغ و تحمیل ارزشهای مورد نظر خود علاوه بر سیاست و برنامه عمل، نیازمند ابزار است. در حال حاضر ایالات متحده هم تولیدکننده و هم توزیع کننده اصلی کلیه منابع اطلاعات دیجیتالی در جهان بشمار می رود. هم اینک 35% از ترافیک ارتباطی جهان در ایالات متحده تولید یا از آنجا منتقل می گردد، کشوری که کمتر از 3% جمعیت جهان را داراست. یکی از شاخص های مفید این قدرت، تعداد پایگاه های اطلاعاتی است که یک ملت در اختیار دارد. در اینجا نیز امریکا با فاصله بسیار از بقیه جهان با پنج هزار بانک اطلاعات اصلی مقام اول را داراست و این تقریباً برابر مجموع بقیه جهان است²². یکی از مزایای فناوری ارتباطات و اطلاعات، امکان دستیابی همگان به جریان آزاد اطلاعات و فراهم آمدن زمینه مبادله اطلاعات و نظرات و در حوزه اقتصاد، امکان دستیابی به سرمایه و بازار و فعالیتهای تجاری است. اگر چه این فرضیه در هر جایی که کامپیوترهای متصل به شبکه روشن باشند صادق

است ولی واقعیت‌ها و جریت‌های دیگری همین امکان مساوی را نابرابر می‌کند. حدود یک چهارم از جمعیت بالغ جهان در بیش از نیمی از کشورهای عضو سازمان ملل، عملاً بی‌سوادند و بنابراین قادر به مشارکت در این انقلاب فراگیر جهانی و حرکت همپای سرعت بی‌سابقه تحولات نیستند. نیمی از بشریت بدلیل فقر و درگیری‌های مداوم فاقد مهارت‌های ضروری و اولیه و زیر بنایی برای جذب آموزش کامپیوتر و سواد اینترنت هستند. همین امر در مورد دولت‌ها و سازمانها در کشورهای در حال توسعه نیز صادق است که به دلایل فوق‌الذکر دسترسی ضعیف یا تماس‌های پراکنده‌ای با این شاهراه اطلاعاتی دارند. باین ترتیب ظرفیت ملل در حال توسعه برای ایجاد ارتباط، استدلال‌های هوشمندانه و قضاوت‌های آگاهانه، همچنان تنها روش انجام تحقیقات و ارتقاء سطح سیاست خارجی‌شان باقی مانده و روابط آنها همچنان بدور از تاثیر پیشرفتهای حاصله از علوم ارتباطی و تکنولوژی شکل می‌گیرد. پیشرفتهایی که دیگر مفهوم سواد را نه در توانایی خواندن و نوشتن، بلکه در سواد دیجیتال و اینترنتی ارزیابی می‌کند²³.

علاوه بر این وضعیت نا عادلانه، جهان در دهه نود تغییرات عمیق و پر دامنه‌ای را نیز در بعد نظام اداره جهانی تجربه کرد که در نتیجه ظرفیت ملل در حال توسعه برای ایجاد ارتباط، استدلال‌های هوشمندانه و قضاوت‌های آگاهانه، انجام تحقیقات و ارتقاء سطح سیاست خارجی با استفاده از فناوریهای جدید، بدلیل نبود پشتوانه مالی و تخصصی، همچنان کمتر از سطح و ظرفیت آن در کشورهای توسعه یافته باقی خواهد ماند و به این ترتیب دانش دیجیتالی با سرعتی بی‌سابقه و غیر قابل قیاس با دانش مکتوب، فاصله کشورهای فقیر و غنی را روز بروز زیادتر می‌کند. و باعث از دست رفتن فرصت‌های طلایی برای عمل متقابل، استدلال، ارتقاء استنادارد زندگی،

رفاه اقتصادی و بازده های منطقی در روابط و سیاست خارجی و بین المللی کشورها می گردد بنا به گزارش سال 2000 بانک جهانی دوسوم جمعیت مرتبط با اینترنت ساکن امریکا و کانادا هستند در حالیکه در جنوب شرق آسیا که 23% جمعیت جهان را در خود جای داده است استفاده کنندگان از اینترنت فقط 1% از جمعیت منطقه را تشکیل می دهند. لذا فاصله جهانی بین انهایی که از نتایج انقلاب دیجیتال برخوردارند و بهره وری و ثروت روز افزونی که از این طریق نصیبشان می شود با آنهایی که در آنسوی جهان غیر دیجیتال زندگی می کنند، از جمله بیش از نیمی از جمعیت کره زمین که هرگز حتی یکبار از تلفن استفاده نکرده اند، روز به روز بیشتر می شود. اینترنت ممکنست برای آنهایی که از آن استفاده می کنند همه چیز را عوض کند اما هیچ کاری برای اکثریت مطلق - 19 نفر از هر 20 نفری - که هنوز هم فاقد دسترسی هستند انجام نمی دهد.²⁴

ترکیبی از سیاستهای نامناسب ملی در خصوص ارتباطات بخصوص فقدان وجود یک سیاست قادر ساز تله کام و محیط قانونگذار، زیرساخت های ناکارآمد، هزینه های وصل شدن و دسترسی، کمبود نیروی کار ماهر و فقدان تولیدات زبان و نرم افزارهای داخلی باعث تاخیر در تجهیز ملتهای فقیر و نیز مناطق فقیرتر در درون کشورها و بخصوص مناطق روستایی ایزوله، با تکنولوژیهای مناسب اطلاعات و ارتباطات می شود و به همین دلیل است که گفته می شود اینترنت و بازارچه جدید اطلاعات فاصله بین کشورهای فقیر و غنی را بیشتر می کند. حقیقت آنست که پیش بینی و حتی ارزیابی تاثیر کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جوامع محلی به راستی دشوار است.²⁵ لذا تنها مدلی که در قرن بیست و یکم شانس خواهد داشت که در تاثیرات وضعیت جدید سهم باشد آن ائتلاف هایی از ملتهای علاقمند با شرکت های خصوصی و سازمانهای غیر دولتی خواهد بود که می

توان آنها را «شبکه های جریان‌ات جهانی» نامید. این شبکه ها می توانند ملاکی برای تعیین میزان موفقیت کشورها و بخشهای غیر دولتی در مواجهه با هنجارهای های تاکید شده در مورد موضوعاتی که رفاه کره زمین را تحت تاثیر قرار خواهند داد باشند. بدیهی است که چنین ائتلاف هایی ناپایدار بوده و ممکنست برای هر جریان، شبکه ائتلافی جدیدی شکل بگیرد. گونو این پدیده را به عنوان پویایی اصلی یک «امپریالیسم» جدید تعریف می کند که او آنرا به امپراطوری جهانی رها از قیود دوران روم باستان تشبیه می سازد که در آن بجای فضای سیاسی قابل اعتماد، همبستگی های جمعی بر اساس شرایط و نیازها شکل می گیرد یا منحل می شود. در این جامعه قدرت ناپایدار است

جهانی شدن

از اصطلاح مشهور «جهانی شدن» برای توجیه هر اتفاق جدیدی استفاده می شود و بیشتر از هر اصطلاح دیگری ادبیات بین المللی را تسخیر کرده است. با این حال هدف این بخش تعریف دقیق و یا بررسی تفصیلی جهانی شدن نیست فقط اثرات آن بر سیاست خارجی و دیپلماسی مد نظر می باشد.

تاثیرات سیاسی

چه تاثیر جهانی شدن را در عرصه بین المللی از منظر رئالیسم بنگریم که کماکان دولت ها را تنها بازیگران صحنه سیاست دانسته، تاثیر آنرا محدود می داند و معتقد است که جهانی شدن موجب هیچ نوع تحول ساختاری در دولت و در سیستم بین المللی نبوده و حداکثر تاثیر آنرا تغییر در شیوه های سنتی زندگی و ایجاد شباهت های بیشتر میان جوامع به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می داند که در نتیجه از این دیدگاه جهانی شدن قادر نیست تا تنازعات و

کشمکش‌ها را کاهش بخشد- و چه از منظر مارکسیسم بنگریم که معتقد است تحول خاصی در جهان بوجود نیامده و ساختار کماکان همان ساختار سابق است و جهانی شدن فقط تداوم استمرار و توسعه سرمایه داری است که اینک وارد مرحله نوینی شده است بدون آنکه در این مرحله رقیب جدی داشته باشد و چه نظریه غالب جاری مبتنی بر لیبرالیسم را که قائل به تغییر و تحول در تمامی عرصه‌ها است، بپذیریم²⁶- دستگاه سیاست خارجی باید خود را برای مقابله با تحولات و کسب توانمندی برای هدایت جریان‌ها به سمت منافع ملی، آماده نماید²⁷. چرا که حتی مارکسیسم علیرغم عدم اعتقاد به جهانی شدن به عنوان یک پدیده نو، وضعیت جدید را در توسعه سرمایه داری بی رقیب می‌داند. بدیهی است در چنین موقعیتی دستگاه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی باید به دنبال انتخاب فرصت‌هایی باشند که در کنار همین شرایط بوجود آمده، یا با دستکاری‌هایی بوجود خواهد آمد. سرمایه داری بین‌المللی از طریق گسترش شرکت‌های چندملیتی یا نهادهای اقتصادی بین‌المللی در پی هجوم به جهان سوم و استعمار جدید است. چگونه می‌توان از طریق نهادهای بین‌المللی کمک کننده، تکنولوژی و راه کارهای توسعه را به کشور وارد و اعتبارات مالی را جذب و یا از طریق سازمان‌های غیر دولتی مستقل و مخالف جهانی شدن این تهاجم را کنترل نمود؟

تاثیرات اقتصادی

بیش از نیم قرن است که اقتصاد نه تنها روی دیگر سکه سیاست خارجی است بلکه در مورد بعضی از کشورها، مترادف سیاست خارجی گردیده است و این روند به تناسب محدودیت منابع و بازار، عرصه رقابت و اعمال دیپلماسی را برای دیپلمات‌ها تنگ‌تر و دشوارتر نموده است. پدیده جهانی شدن نیز از هر دو منظر خوشبینانه و بدبینانه، فعالیت دیپلمات‌ها در جهت اهداف اقتصادی را شدیداً

تحت تأثیر قرار داده است. از نظر موافقان، جهانی شدن بطور اساسی روشهای تجارت را تغییر داده و اقتصاد بازار آزاد، آزادسازی صنایع کلیدی، بهبود کلان در فناوری حمل و نقل، تعدیل و ساده سازی قوانین تجارت و گمرکات، تمامی موانع را برای ورود به عرصه جهانی فراهم آورده و یک شبکه منسجم جهانی، زمینه ورود به عرصه بین المللی و اعلام آمادگی تجاری را برای تمام شرکتهای و همراه با امکان حضور در سرتا سر جهان، فراهم ساخته است. بطوریکه حتی یک فرد مستقل روستایی می تواند از طریق شبکه از قیمت و موقعیت محصول خود در بازارهای محلی و منطقه ای مطلع شده، با برخورداری از این اطلاعات با خریدار برخورد نماید.

از سوی دیگر از نظر مخالفان، جهانی شدن باعث افزایش دامنه انتخاب مصرفکننده و در نتیجه تضعیف بازار محصولات داخلی، روند رو به رشد، جابجایی سرمایه و نیروی کار و نیز باعث عمیق تر شدن شکاف موجود میان فقیر و غنی می گردد²⁸. افزون بر آن کشورهای توسعه یافته و شرکتهای بزرگ بدلیل برخورداری از زیر ساخت های لازم و رو به رشد تمامی فرصتها را به انحصار خود در می آورند و کشورهای توسعه نیافته بدلیل نبود امکانات ارتباطی و دانش لازم اقتصادی، روز به روز بیشتر از دایره فرصت ها خارج می گردند. با پذیرش هر کدام از این نظرات، اهمیت نقش دیپلماتها و وزارت خارجه به عنوان رابطین اصلی میان نهادهای داخلی و عرصه بین المللی انکار ناپذیر است.

تجارت مجازی

تجارت مجازی را می توان مظهر و نمود جهانی شدن دانست چراکه نقش مرزهای ملی را در قوانین عرضه و تقاضا محو کرده است. روزانه بیش از یک تریلیون دلار در بازار پولی بین المللی بدون مداخله حکومتها مبادله می شود.

تا سال 2000 حجم تجارت الکترونیک که هنوز در مراحل اولیه خود بود به سالانه دویست میلیارد دلار بالغ گردید. امروز دیگر محدودیت فاصله در اطلاعات و اقتصاد وجود ندارد. کارایی بازارها بیشتر اما به همان نسبت هم فراتر شده است.²⁹ در چنین شرایطی افزون بر مشکلات ناشی از این وضعیت در عرصه اقتصاد و تجارت داخلی و جهانی، اثرات چشمگیر آن در تخریب ارزشها و هنجارهای ملی است زیرا در آینده ای نه چندان دور امکان سهم شدن شهروند یک کشور در سرمایه های یک یا چند کشور دیگر بر راحتی فراهم می آید. در چنین وضعیتی منافع ملی و بیگانه با هم اشتباه می شود. بعنوان مثال آیا فعالیت های یک شرکت امریکایی که در آسیا فعالیت می کند، یک شرکت داخلی محسوب می شود یا به نفع کشور میزبان خود رای می دهد؟ آیا یک شرکت آلمانی مستقر در دبی در هیات های تجاری بین المللی از منافع امارات دفاع خواهد کرد یا المانی محسوب می شود؟ آیا یک اندونزیایی که برای شفافیت اقتصاد بین المللی مبارزه می کند حامی منافع کشورش است یا جامعه بین المللی و اگر زندانی شود کدام مرجع از او دفاع خواهد کرد؟³⁰

در جهان اقتصاد، ملیت و حاکمیت به صورت اصولی متضاد و متناقض در آمده اند. کنترل قلمرو و جمعیت که بطور کلاسیک اساس حاکمیت بشمار می آمد در اثر بارش فرا ملی از سرمایه، نیروی کار، محصولات و ایده ها بشدت در حال فرسایش است. با در نظر گرفتن اینکه چگونه فضای سایبر در نتیجه انتشار و همه گیر شدن کامپیوتر، همراه با شبکه های ارتباطات پیشرفته در سرتاسر جهان، سریعاً در حال شکل گیری هستند. ما اینک نیازمند آنیم که برای مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پاسخ های جدیدی بیابیم.³¹

تأثیرات فرهنگی

اثرات منفی جهانی شدن را تحمیل جریان‌ات کالا، سرمایه گذاری، اطلاعات، ایده‌ها و تصورات و خطرات فراسوی مرزهای ملی بر شمرده اند.³² از این دیدگاه جهانی شدن در واقع جریانی برای محو فرهنگها، آداب و سنن و اعتقادات ملل جهان و ایجاد یک فرهنگ واحد و ساختگی جهانی می‌باشد. باین ترتیب با پرورش انسان‌هایی که در مقابل فراورده‌های صنعتی و فکری جهان سرمایه‌داری، هیچ مقاومتی نمی‌توانند داشته باشند، سلطه جهان سرمایه‌داری به رهبری آمریکا بر تمامی جهان کامل و همیشگی خواهد شد. در مقابل این نظریه که چندان هم دور از واقعیت نیست موافقین جهانی شدن، اعتقاد دارند که جهانی شدن فرصتهای بسیاری را برای کشورهای جهان خصوصا کشورهای کوچکتر فراهم می‌آورد. از جمله تقویت تاثیرگذاری سیاسی، نفوذ بیشتر در روند تصمیم‌گیریهای جهانی، امکان جذب سرمایه‌گذاریها، کاهش تهدیدات و توازن و کیفیت‌های دموکراتیک که در ساختارها و روند جهانی شدن توسعه می‌یابند.³³ تا قبل از ورود اینترنت به عرصه جهانی، کشورهای توسعه یافته خصوصا آمریکا با برخورداری از امکانات وسیع ارسال امواج رادیو-تلویزیونی و با پیگیری سیاستی که در چارچوب «دیپلماسی عمومی» دنبال می‌کردند تمامی جهان را تحت پوشش اخبار و تبلیغات یک‌جانبه خود داشتند. در این میان اگرچه کشورهای کوچکتر نیز با ارسال امواج برون مرزی سعی در مقابله داشتند ولی بدلیل محدودیت‌های تخصصی و فنی موفقیت چندان بدست نمی‌آوردند و برنامه‌هایشان برد چندان نداشت. ولی اینترنت این فرصت را بوجود آورد که انحصار ارسال امواج اطلاعات از کنترل کشورهای بزرگ خارج شده و دولتهای کوچکتر، سازمانهای غیر دولتی، بخش‌های خصوصی و احاد مردم امکان دریافت و ارسال بی‌واسطه پیامهایشان را داشته باشند و باین ترتیب

برکلیه عرصه ها تاثیرگذار باشند. در نتیجه، فرهنگ جدیدی با ویژگی های دیجیتالی، که در بخشهای دیگر این تحقیق به آن پرداخته شده است، در حال حاکم شدن بر جهان می باشد که مستلزم بکارگیری دیپلماسی متناسب با ویژگیهای خود در عرصه های جهانی می باشد.

تحولات دیپلماتیک و جهانی شدن

اگر به مطالعات و تحلیل های متخصصین و اندیشمندان مستقل اعتماد داشته باشیم باید بپذیریم که جهانی شدن و کیفیت حکومت ها در حال شکل بخشیدن به محیط جدید دیپلماتیک می باشند. لذا جریانات اقتصادی و جهانی که هر روز بیشتر بهم وابسته می شوند اقتضاء می نمایند که دولت ها بصورت متقابل بین سیاست های داخلی و امنیت ملی کشورهاشان ارتباطات و همکاریهای وسیع تری ایجاد نمایند. در این راه همکاری برای شناسایی تهدیدات و ایجاد عکس العمل های مناسب و مسئولانه برای مبارزه با آنها ضروری است. اقتصاد شبکه ای شده جهانی، اطلاعات، ایده ها، ارزشها، سرمایه، کالاها و خدمات را به طور غیر مساوی بین مردم توزیع می کند. اگرچه کشورها همچنان نقش تعیین کننده و قاهرانه ای در سیستم بین المللی خواهند داشت ولی دولت ها کنترل خود را بر بارش اطلاعات، مهاجرت، مبادله اسلحه و مسائل مالی در درون مرزهایشان از دست خواهند داد³⁴.

تعمیم قوانین خارجی و بین المللی به درون مرزها

اینترنت بیش از هر تکنولوژی دیگری به بازیگران غیر حکومتی ابزار موثر برای رساندن صدایشان به طرفهای مورد نظر شامل طیف وسیعی از مخاطبین داخلی، منطقه ای و بین المللی و بدون اتکا به رسانه های سنتی و بدون نیاز به چاپ و

انتشار جزوه و نشریه، درباره تمامی موضوعات پیرامونی خود بخشیده است.³⁵ دومین دلیل اهمیت یافتن اطلاعات در زمان حاضر، بسط و توسعه سازمانهای جدید است. سازمانهای غیر کشوری جریاناتی در حال گسترش در سرتاسر جهان بوده و به همان نسبت که قدرت بازیگران غیرکشوری شبکه ای شده افزایش می‌یابد، به همان نسبت نیز طبیعت سیاستهای جهانی هر چه کمتر «کشور مرکزگرا» می‌شود.³⁶ این گروههای غیر واقعی و فرا واقعی مراکز جدیدی با حاشیه‌های متعدد و کانالهای موازی ارائه می‌دهند که جریانات قدرت در آن حق انتخاب‌های جدیدی پیدا می‌کنند. مانند دستورالعمل‌های جایگزین با منافع و ارزشهایی بالاتر، در کنار و پائین‌تر از منافع و ارزشهای کشور-ملت. ولی این جریان‌ها در عین جهانشمول بودن به برقراری ثبات اقتصادی و یا ایجاد جامعه همگون در اطراف دنیا کمکی نمی‌کنند. عصر اطلاعات مفهوم دیرینه «تعادل قوا» را مورد سوال قرار می‌دهد. در حالی که قدرت اقتصادی، تفوق نظامی و روابط بین‌الدولی همچنان به عنوان عوامل اساسی در برقراری رهبری سیاسی و ثبات اجتماعی در سرتاسر جهان باقی خواهد ماند در عین حال رشد استقلال درونی و تعامل بین همه بازیگران، دولت‌ها را مجبور می‌کند تا در مورد چگونگی روشهای خود در قرار دادن جریاناتی را که دیگر نمی‌توان در مرزهای خاصی تعریف نمود، بازنگری نمایند.³⁷

خلاصه

تحولات سریع، پی‌در پی و بعضاً غیر مترقبه عرصه بین‌المللی، در دهه‌های اخیر بر نقش و کارکرد سیاست خارجی کشورها، اثرات تعیین‌کننده‌ای داشته است. گسترش شبکه اینترنت به دور افتاده‌ترین نقاط جهان و دستیابی افراد عادی از پایین‌ترین سطوح جامعه به اطلاعات و امکان اظهار نظر مستقیم به بالاترین مقامات در داخل کشور خود و در

جهان، امکان دریافت علم و تعلیمات لازم در زمینه های مختلف برای توسعه کشور، انجام تجارت الکترونیک و اطلاع کشاورزان از بازارهای جهانی راجع به امکان عرضه محصولات خود، امکان داد خواهی گروههای تحت ستم نزد افکار عمومی جهان و سازمانهای بین المللی ذیربط و هزاران امتیاز و مزیت های دیگری که در گذشته حتی تصور آن نیز مشکل بود از یک سو، و از سوی دیگر انتشار اخبار جعلی و شایعات برای تضعیف کشورهای مستقل و تخریب شخصیت های مستقل و ملی، اشاعه فساد و فحشا، بارش اطلاعات زیاد برای گمراهی و سر درگمی تصمیم سازان برای اتخاذ تصمیم صحیح، شبکه جهانی را به تیغ دو لبه ای تبدیل کرده است که بدون تردید لبه برنده تر آن بسوی کشورهای جهان سوم نشانه رفته است. در چنین وضعیتی فوری ترین اقدام برای دستگاه سیاست خارجی و دیپلمات های آن گمانه زنی علمی و مستدل راجع به تحولات آتی است تا به تناسب وضعیتی که پیش خواهد آمد، راه کار های مناسب آنرا با توجه به خصوصیات فرهنگی و ترکیب سیاسی کشور خودشان تهیه و تنظیم نمایند.

محققین موسسه صلح امریکا در این باره می گویند: « انقلاب عظیم بعدی در عرصه دیپلماسی رخ خواهد داد. ایالات متحده از دهه شصت انقلاب در امور بازرگانی را تجربه کرد و از اواخر دهه هفتاد انقلاب در امور نظامی را شاهد بوده است و اینک زمان انقلاب در عرصه امور دیپلماتیک فرا رسیده است.»³⁸

تردیدی نیست که اتخاذ جایگاه مستحکم و حضور موثر در عرصه بین المللی حاضر مستلزم اصلاحاتی اساسی در ساختار تشکیلات، مدیریت دستگاه سیاست خارجی و در عین حال تغییرات در دایره تماسها، ساز و کارهای ارتباطات و چارچوب فعالیت های دیپلمات ها است. نکته بسیار قابل توجه آن است که انجام تحولات و اصلاحات می بایست بصورت یک فرایند مستمر مد نظر باشد. زیرا وضعیت موجود را نمی توان

دیپلماسی دیجیتال / 131

فقط انتقال دیپلماسی از ساختار سنتی و کلاسیک به ساختارهای جدید با عوامل و مولفه های ثابت برای مدتی معین دانست بلکه همین وضعیت جدید نیز با توسعه لحظه به لحظه فناوری ارتباطات و اطلاعات در حال تغییر و دگرگونی است.

منابع و یادداشت فصل پنجم:

¹ David Bollier, "The Rise of Netpolitik" *How the Internet Is Changing International Politics and Diplomacy*. Report of the Eleventh Annual Aspen Institute Roundtable on Information Technology. *Communications and Society Program* Charles M. Firestone Executive Director Washington, DC 2003.

² Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". *IMP Magazine information impacts*, July 2001. ISSN 1523-4541.

³ Walter B. Wriston, "Bits, Bytes, and Diplomacy" Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington DC. *Foreign Affairs*, Sep/Oct97, Vol. 76 Issue 5, p172, p 11.

⁴ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC (February 2000)

⁵ Walter B. Wriston, "Bits, Bytes, and Diplomacy" Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington DC *Foreign Affairs*, Sep/Oct97, Vol. 76 Issue 5, p172, p 11.

⁶ Jean-Marie Guehenno, "The Topology of Sovereignty", Virtual Diplomacy Conference. United States Institute of Peace, Washington DC, April 1, 1997.

⁷ Timothy W. Luke, "Nationality and Sovereignty in the New World Order". Presented to the Communications Technologies Seminar Series, sponsored by the Telecommunications Users Association of New Zealand, the New Zealand Academy for the Humanities, and Victoria University of Wellington, March 21.

⁸ Walter B. Wriston, "Bits, Bytes, and Diplomacy" Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington DC *Foreign Affairs*, Sep/Oct97, Vol. 76 Issue 5, p172.

⁹ "Global government in the 21st century alternative perspective on world order", publication of Egri Export Development. Sweden 2002.

¹⁰ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". IMP Magazine information impacts, July 2001.

¹¹ kulsmerger,doug B citizenship policices for an age of migration washigton DC .carnage fndowment for international pease 2002 www.cep.org

¹² David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC, Released Online 25 February 1999.

¹³ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

¹⁴ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493

¹⁵ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

¹⁶ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

¹⁷ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

¹⁸ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493

¹⁹ Howard Cincotta, "Post-Modern Diplomacy and the New Media". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

²⁰ Henry Kissinger" diplomacy", 1994. p16, 17.

21-Digital divide تقسیم دنیا از نظر دیجیتالی را در سطح وسیعی بعنوان «امکانات نابرابر در دسترسی و مشارکت در اطلاعات، آگاهی ها و شبکه ها و نیز بهره مندی از توسعه توانمندیهای روز افزون تعریف کرده اند. (پیش نویس گزارش- 1- 2 مارس 2001 آفریقای جنوبی).

²² The u.s.global trade outlook 1995-2000 washington DC department of commerce, marck 1995, p. 182.

²³ The Web as a Pedestal for Negotiation and International Mediation: Criteria and Critique”, Second International Conference on Web Management in Diplomacy.p.20

²⁴ Clare O’Farrell, personal communication, Apriltion 2001, “Appropriation (of Information and Communication Technologies or ICTs) meaning: people adapting the technology to fit their needs. It is more likely that they adapted their lifestyle to fit the technology”.

²⁵ The web as apedestal for negotiation and international mediation :criteria and critique. ”, Second International Conference on Web Management in Diplomacy. p.20

²⁶ effrey R. Cooper, “Diplomacy in the Information Age: Implications for Content andConduct”. IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

²⁷ Timothy W. Luke, “Nationality and Sovereignty in the New World Order”. Presented to the Communications Technologies Seminar Series, sponsored by the Telecommunications Users ssoiation of New Zealand, the New Zealand Academy for the Humanities, and Victoria University of Wellington, March 21.

28- سیاست خارجی، سال 15، تابستان 80 ، ص 671.

²⁹ Reinventing Diplomacy in the Information Age’ A Report of the CSIS Advisory Panel on Diplomacy in the Information Age. www.csis.org

³⁰ Jeffrey R. Cooper, “Diplomacy in the Information Age: Implications for Content andConduct”. IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541.

³¹ Timothy W. Luke, "Nationality and Sovereignty in the New World Order". Presented to the Communications Technologies Seminar Series, sponsored by the Telecommunications Users Association of New Zealand, the New Zealand Academy for the Humanities, and Victoria University of Wellington, March 21.

32- سیاست خارجی، سال 15، تابستان 80، ص 671.

33- سیاست خارجی، سال 15، تابستان 80، ص 671.

34- ایضاً.

³⁵ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

³⁶ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC 'Released Online 25 February 1999.

³⁷ Jonathan H. Spalter, Kevin Moran. "Toward a New Digital Diplomacy: Information Technology and U.S. Foreign Policy in the 21st Century. United States Advisory Commission on Public Diplomacy November 1996.

³⁸ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC. 'Released Online 25 February 1999.

فصل ششم

تحولات کارکردی دستگاه سیاست خارجی

کمتر دولتی را می توان یافت که تاکنون چندین بار در ساختار و تشکیلات، روشهای انجام کار و بکارگیری تجهیزات و امکانات وزارت خارجه کشورش، بدلیل عدم موفقیت در عملکرد گذشته و یا به منظور دستیابی به سیاست خارجی مؤثرتر، تجدیدنظر نکرده باشد. آموزش های حین خدمت، تربیت متخصصین منطقه ای و بین المللی و آماده سازی دیپلمات های متخصص در موضوعات ویژه و از همه جدیدتر آشنایی با فن آوری اطلاعات و استفاده از آنها در دیپلماسی جزء برنامه های اصلاحات و بازسازی وزارت خارجه و سفارت خانه های اغلب کشورهای جهان در سالهای اخیر می باشد. در گذشته تغییرات اغلب به تشکیلات داخلی و یا محتویات دروس و با احتیاط زیاد به تغییر رفتار دیپلمات ها محدود می شد. درحالیکه تغییرات مورد نیاز فعلی و زیر ساخت های لازم برای دیپلماسی مناسب هزاره سوم نه تنها بدون تشکیلات داخلی وزارت خارجه و ساختار دولت ها ختم نمی شود بلکه از محدوده مرزهای ملی نیز عبور خواهد نمود. این تحولات شامل ظرفیت سازی جهانی و جلب مشارکت افراد، گروهها و سازمان های داخل و خارج از کشور می گردد. در واقع فناوری ارتباطات همانگونه که مرزهای میان کشورها را برای ارتباط مردم اقصی نقاط جهان فرو ریخته، رفته رفته دیوار تشکیلاتی میان وزارتخارجه با سازمان های دولتی و غیردولتی را نیز در داخل و خارج محومی نماید. به بیان دیگر سیاست خارجی و دیپلماسی یک جریان هم افزایی از دیپلمات ها و کارشناسان سایر نهادها، بعلاوه فناوری اطلاعات و ارتباطات و

بازیگران کوچک و بزرگ از نقاط دور و نزدیک است و به قول رئیس آژانس اطلاعات آمریکا این ائتلاف تکنولوژی و دیپلماسی خالق توانمندی عظیم بالقوه ای است که فرصت منحصر بفردی برای خلق راه های جدید مقابله با جریانات بین المللی و بین الدولی بشمار می آید. در نهایت این وظیفه ایست که ما باید برعهده بگیریم، زیرا به بیان ساده دوران دیپلماسی سنتی مرده است و بخش اعظم این تحول مدیون اینترنت است. ما همه نسبت به این حقیقت واقفیم که تغییرات تکنولوژیک همراه با اینترنت و ظهور عصراطلاعات بشدت در حال تغییر روشهای ملاحظه و اجرای امور بین المللی هستند. آنها مرزهای سنتی را درهم می شکنند و انواع جدیدی از جریانات دیپلماتیک را خلق می کنند¹.

روند تحولات جاری در روابط میان کشورها و شیوه اعمال سیاست خارجی، حاکی از دگرگونی های متضادی از وضعیت دیپلماسی در آینده ای نه چندان دور می باشد. از یک سو نقش و اهمیت دیپلمات های متخصص بیشتر می شود و از سوی دیگر کارکرد سفارتخانه ها کمرنگ می گردد در حالیکه، اشتغالات دیپلمات های آن فراوان و موضوعات مبتلا به آن ها متنوع و عرصه فعالیت هایشان گسترده تر و به بیانی نامحدود می شود. در واقع از نقش تشریفاتی آن ها کم شده و تاثیرگذاری غیر مستقیمشان افزایش می یابد. سفارتخانه ها در آینده تعطیل نمی شوند بلکه عملکرد دیپلماسی به طرق مختلف و زیر بنایی تغییر می یابد. بدین معنا که در جهان شبکه ای شده غیر متمرکز، هیات های خارجی بیشتر و پراکنده تر، متحرک و حتی مجازی می شوند. جای گزارش دهی های مرسوم کابلی. دیپلماتها مجهز به تجهیزات دیجیتالی شده و قادر می شوند منابع عظیم اطلاعاتی را با یک کلیک جابجا کنند و ابزار ارتباطی آنها ویدیو کنفرانس، ای میل و ارتباط همزمان خواهد بود. دستور کار سیاست خارجی نیز هر

روز بطور افقی گسترش می یابد و مباحث نوینی چون تکنولوژی، بهداشت، محیط زیست، تحرکات جمعیتی و روابط اقتصادی را نیز شامل می شود. دیپلماتها بتدریج کمتر خود را اختصاصاً نمایندگان یک دولت نزد دولت دیگر می بایند. در عوض آنها به مذاکرات متوالی با سازمانهای بین المللی، دولت های محلی و دیگر بازیگران غیردولتی می پردازند.²

به هر حال تحولات و تغییرات در شرح وظایف سفارتخانه ها و تغییر نقش سفرا و دیپلماتها در حال وقوع می باشد و تحولات بسیاری نیز با توجه به روند اختراعات فن آوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن به عرصه دیپلماسی را می توان گمانه زد. در این بخش به شماری از دگرگونی ها که در بعضی از کشورها آغاز شده است و آن دسته ای که دستگاههای سیاست خارجی ناگزیر از پذیرش آنها خواهند شد، مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت.

ورود فن آوری ارتباطات و اطلاعات به عرصه دیپلماسی

دستگاههای دیپلماسی کشورها همواره بدلیل طبیعت احتیاط آمیز خود، در پذیرش فن آوری های جدید بسیار محافظه کار بوده اند. زمانیکه نخستین تلگرام خارجی بدست وزیر خارجه وقت انگلیس لردپالمستون رسید فریاد زد: خدای من این پایان عمر دیپلماسی است. در واشینگتن نیز همین عکس العمل منفی به اختراع سامول مورس و خط ابداعیش در وزارت امور خارجه نشان داده شد و تا 12 سال پس از اختراع و کاربرد الفبای مورس و شبکه ارتباطی اش دستگاه دیپلماسی وقت آمریکا از بکارگیری آن خودداری نمود.³ تا یک دهه پیش نظیر همین واکنش ها در اغلب دستگاههای دیپلماسی جهان نسبت به تکنولوژی جدید اطلاعات و ارتباطات نشان داده می شد. در وزارت خارجه کشور خودمان نیز این قبیل مقاومت ها در بخشهای مختلف مشاهده می شد.

نگارنده خود نیز بهنگام ورود کامپیوتر به فرایند رایه خدمات کنسولی، شاهد چنین مقاومت‌هایی بود. درحالی‌که امروز کم و بیش دستگاه‌های سیاست خارجی در جهان نه تنها فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات را نیز پذیرفته‌اند بلکه از چنین اقداماتی بعنوان پیش‌نیاز اصلاحات لازم برای کارآمدی دیپلماسی در جهان رقابت‌آمیز نام می‌برند. اکنون دیپلمات‌ها مانند فرماندهان ارتش و مدیران ارشد تجاری بطور روز افزون و هر چند گلیه‌آمیز شیوه‌های پیشرفته ارتباطات را مورد ملاحظه قرار می‌دهند، زیرا ارتباطات پیشرفته و دیگر جنبه‌های انقلاب اطلاعات، طبیعت، زمان و فضای دیپلماتیک را دگرگون می‌سازد. آنها گام‌های دیپلماسی را سرعت می‌بخشند و آنرا مجبور می‌سازند که سلسله عملیاتش را که زمانی بشدت بسته بود باز و شفاف نماید⁴.

گست اخصار اطلاعات روابط خارجی

در گذشته ای نه چندان دور وزارت خارجه و سفارت خانه‌های خارجی تنها مراکزی بودند که اتباع کشور پذیرنده برای کسب اطلاعات مورد نیاز خود راجع به خارج از کشور به آنها مراجعه می‌کردند. امروز در پرتو فن‌آوری اطلاعات و توسعه دسترسی به اینترنت نه تنها امکان تماس تمامی افراد یک جامعه با هر فرد و یا مرکزی در خارج از کشور فراهم آمده است، بلکه این شکل از ارتباطات فرصت بدست آوردن اطلاعاتی را پیش آورده است که دستیابی به آنها برای وزارت خارجه و سفارت خانه‌های خارجی غیرممکن و یا بسیار دشوار می‌باشد. از طرفی میلیون‌ها نفر روزانه از کشوری به کشور دیگر سفر می‌کنند و مسافران عادی، دانشجویان، بازرگانان، توریست‌ها تعدادشان بسیار فراتر از دیپلمات‌ها است. آنان می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید درست مانند هر سفارتخانه ای نماینده

کشورشان باشند و متقابلاً آگاهی و تجربیات خود را در بازگشت از سفر به ملت خود ارائه نمایند. شبکه جهانی، ارتباطات را ساده تر ساخته و اطلاعات در سطح وسیعی در دسترس همگان قرار دارد. وزرا می توانند گوشی تلفن را برداشته و بدون اطلاع وزارت خارجه، با همتایان خود مذاکره نمایند. چالش فراروی سفر آن نیست که این را متوقف سازند، آنها با چالشهای روبرو⁵ در این ارتباط روبرو هستند.

در گذشته تماس افراد عادی و سازمانهای دولتی با سفارتخانه های خارجی، با اتهامات همکاری یا وابستگی به بیگانگان همراه بود. اگرچه هم اکنون نیز در بعضی از کشورها درباره هر نوع تماسی چنین برداشت هایی وجود دارد. خوشبختانه و یا متأسفانه در این خصوص نیز فناوری ارتباطات موجب رفع سوظن ها گردیده است. افراد به آسانی می توانند به سایت های اطلاع رسانی سفارتخانه ها و یا سایت های کشور مورد نظرشان مراجعه و مستقیماً اطلاعات مکتوب، و صوتی و تصویری را دریافت و از طریق ای میل سئوالاتی را مطرح و یا اظهار نظر نمایند. تا همین اواخر دسترسی مردم بخصوص خارجیان به اطلاعات و اسناد قانونی کشور از طریق نمایندگیهای دیپلماتیک و کنسولی بود. این رویه تا چندی دیگر بوسیله دستیابی به ترجمه های رسمی و قانونی این قبیل اطلاعات و اسناد از طریق سایت یک کشور انجام خواهد شد. علاقه مندان می توانند با پیاده کردن اطلاعات و سپردنشان به یک نرم افزار ترجمه مطالب را درک و استفاده نمایند⁶.

فناوری اطلاعات و ارتباطات شیوه سنتی ارتباط میان سفارتخانه ها با کشور متبوعشان و همچنین کشور میزبان را حتی بدون اطلاع آنان دگرگون ساخته است نگارنده بعنوان مدیر کل کنسولی شخصاً در سال 1367 از سفارتخانه های مقیم در تهران و همزمان از نمایندگی های

کشورمان در پایتخت همان کشورها راجع به قوانین مربوط به تابعیت مضاعف استعلام نمودم. پس از گذشت سه ماه و دریافت پنج یا شش گزارش نه چندان مفصل از نمایندگی های خودمان ناگزیر

به فکر استفاده از اینترنت که در آن زمان برای این قبیل امور چندان معمول و متداول نبود افتاده و شروع به تحقیق از این طریق نمودم و اطلاعاتی مفصل و مفیدی بدست آمد. درحالیکه همچنان منتظر دریافت پاسخ از سفارتخانه ها مقیم تهران بودیم. نکته جالب آنکه پس از گذشت چند ماه سفیر ترکیه از عدم دریافت پاسخ رسمی از کشورش عذرخواهی می نمود در حالیکه کشور او جزء مواردی بود که از طریق اینترنت مستقیماً از سازمان مربوطه کشورش اطلاعات مورد نظر را دریافت نموده بودیم. وی از شنیدن این خبر بسیار متعجب و تلویحاً آنرا غیر قابل قبول می دانست، که پس از گفتگوی مفصل درباره ورود این روش برای کسب اطلاعات در حوزه دیپلماسی و در اختیار قرار دادن نشانی سایت موسسه مربوطه در کشورش ناچار به پذیرش این پدیده گردید. این اتفاق بیانگر تأخر انطباق دستگاه سیاست خارجی ما و اغلب کشورها با توسعه اطلاعات و ارتباطات در کرانه روابط بین المللی در کمتر از یک دهه پیش و اصرار به انجام امور بروال گذشته بود از ویژگیهای فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم آوردن فرصتی است که تقریباً بطور یکسان در اختیار تمامی کشورهاست. برای نمونه در حالیکه سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئد در سال 1382 داری یکی از کاملترین و پرمراجعه ترین سایت های اطلاع رسانی آن کشور بود، سفارت سوئد در تهران در همان زمان فاقد سایت اطلاع رسانی بود

در گذشته تماس سفارتخانه های مقیم با وزارتخانه ها و نهادهای داخلی نیز در گرو ارسال یادداشت رسمی به وزارت خارجه محل و در خواست ملاقات یا تقاضای مطالب و نشریاتی

راجع به آن سازمان داخلی بود. امروز سایت های وزارت خانه های مختلف باعث رفع و یا کاهش این نیاز سفارتخانه ها به حداقل خود شده اند و شاید ضرورت ملاقاتها نیز تا جایی که جنبه تشریفاتی و یا تبلیغاتی آن مورد نظر نباشد، منتفی گردیده است. تا پیش از این ارتباط مقامات دولتی، مدیران شرکتهای خصوصی و سازمانهای غیردولتی با همتایان خود در خارج از کشور مستلزم سیرطولانی مکاتبات متعدد با وزارت خارجه و سفارتخانه های مقیم و یا سفارتخانه های کشورشان در خارج بود. این نوع درخواست ها نیز ممکن بود بدلیل ملاحظات سیاسی، امنیتی وزارتخارجه و سفارتخانه خودی یا خارجی انجام نگیرد در حالیکه امروزه این تماس ها دائما از

طریق ای میل اشخاص یاد شده انجام و اطلاعات بسیاری مبادله می شود که دیپلمات ها ناگزیرند با تحمل مشکلات بسیاری آنها را بدست آورند. نکته قابل توجه در این ارتباط آن است که این قبیل کسب اطلاعات و تماسها و تاثیرگذاری ها با حذف وزارت خارجه و سفارتخانه های مقیم رفته رفته به امری طبیعی و معمول تبدیل می شود. در گذشته روش ارتباط سازمانهای بین المللی ذیربط و نهادهای داخلی نیز عمدتاً از طریق اداره کل یا اداره ای که به همین نام در وزارتخارجه تشکیل شده بود انجام می گرفت، در حالیکه امروز تماس سازمانهای بین المللی با نهادهای ذیربط داخلی به حدی رسیده است که سازمان های داخلی دخالت یا اظهارنظر وزارت خارجه را نیز تحمل نمی نمایند.

سازمانهای بین المللی بطور مرتب و منظم نیاز به انواع اطلاعات راجع به کشورهای عضو دارند. در گذشته آنان مجبور بودند خود را با نمایندگیهای دائم کشورهای عضو مرتبط سازند حالیکه آنها امروز می توانند بسیاری از اطلاعات را از طریق شهروندان آن کشور و

سایت های دولتی و متعلق به وزارت خارجه کسب نمایند⁷. گسترش امکان تبادل اطلاعات میان کوچکترین اجزای یک وزارتخانه با سازمانهای وابسته به آن و همچنین شرکتهای تجاری بزرگ و کوچک با همتایان خود در خارج از کشور باعث گردیده است که معاملات و توافقات تجاری و اقتصادی بسیاری تهیه و تنظیم گردد، بدون آنکه سفارت و اعضای آن از وجود آنها مطلع گردند در حالیکه روزگاری این اقدام بعنوان بزرگترین دست آورد یک سفارت یا دیپلمات ها بشمار می آمد. و همچنین امکان مبادله اطلاعات و انجام گفتگوهای تجاری از طریق یک سایت قوی با کادرستادی متبحر و بعضا نقش پنهان وابستگان تجاری، رفته رفته از نقش سفارت خانه ها بعنوان تنها طرف مذاکره در روابط خارجی می کاهد.

در چنین شرایطی نقش سفارتخانه ها و وزارت خارجه ها از جایگاه تعیین کننده و تنظیم کننده انحصاری اخبار و اطلاعات و تحلیل ها به نقش پاسخگوئی سوالات نامحدود مبدل و دیپلماتها نیز از یک سو از مشکل خارج شدن کنترل اوضاع از انحصار خود رنج می برند و از سوی دیگر با مشکل رفع و رجوع پیامدهای منفی ناشی از این قبیل تماسها در روابط دو جانبه یا بین المللی روبرو هستند. دیگر اینکه این قبیل مبادله اطلاعات کار گزارش دهی را برای دیپلماتها پیچیده تر و مشکل تر نموده است، چون هر یک از افراد بنا بر سلیقه و یا اهداف خود و یا سازمانی که به آن وابسته اند گزارشاتی را تنظیم و برای مراکز تصمیم گیرنده ارسال می نمایند. ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات فقط انحصار اطلاعات را از دست دیپلمات ها خارج نساخته است، بلکه به علت انتشار اخبار و اطلاعات فراوان، اغلب گزارشات دیپلماتیک غیر ضروری شده و دیپلماتها از مزایای بسیار کمی در دسترسی به اطلاعات داخلی برخوردارند. دیپلماتها در شرایط حاضر فقط احتیاج دارند که گزارشات محدودی را که در دسترس عموم قرار

نگرفته ارسال کنند، تجزیه و تحلیل تخصصی خود را ارائه نمایند یا مذاکرات خصوصی با رهبران خارجی داشته باشند. ولی در عین حال دیپلماتهای قوی می‌توانند با بهره‌برداری از تکنولوژی‌های ارتباطی، دسترسی به طیف عظیم اطلاعات پیدا کرده و نوعی حضور مجازی را در فرایند سیاست‌سازی ملی برای خود خلق نمایند. یک نتیجه احتمالی آن است که دیپلماسی پیچیده‌تر خواهد شد. این فقط نه تنها شامل فرایندهای دیپلماسی خواهد بود بلکه شامل کسانی که با آن سروکار دارند و چگونگی انجام دیپلماسی نیز می‌گردد. بعبارت دیگر ما به دیپلماسی بیشتری نیاز خواهیم داشت. اما فرضیات آشنایی که می‌گوید دیپلمات به تنهایی و از طریق کانالهای ارتباط بین دولتها عمل می‌کند با گذشت سالها در قرن بیست و یکم روز به روز کم‌رنگ‌تر خواهد شد.⁸

تماس مقامات عالی رتبه و حذف وزارت خارجه

تا یک دهه پیش دیدار و تماس وزرای خارجه یا روسای جمهوری کشورها با یکدیگر مستلزم گفتگوهای دیپلماتیک مطول و رعایت تشریفات فراوان و بالاخره حضور آنان در کشور یکدیگر یا کشور ثالث بود و در تمامی این مراحل سفیر و سفارتخانه‌ها و وزارت خارجه نقش اساسی و کلیدی را در هدایت این جریان بعهدہ داشتند. در حالیکه با ورود فناوری ارتباطات و فراهم آمدن تماس تلفنی یا کنفرانس ویدئویی، ارتباط سران کشورها بعضاً بدون اطلاع وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها و یا در حد فراهم آوردن مقدمات از سوی آن‌ها صورت می‌پذیرد. امروزه تماس روسای جمهوری بدون اطلاع وزارت خارجه و تماس وزارت خارجه بدون اطلاع سفراء، بصورت امری عادی در روابط کشورها درآمده است. در چنین وضعیتی سفراء باید بدنبال یافتن راه‌هایی برای دستیابی به محتوای مذاکرات باشند چون چنین بی‌اطلاعی ممکن است در آینده باعث خجالت و شرمندگی

آنها شود. مدیرکل تشریفات وزارتخارجہ سوئد در این باره می گوید: "امور مربوط به ما بسیار تجارت گونه شده است خصوصاً در ارتباط با اتحادیه اروپایی. اغلب رهبران همدیگر را می شناسند و با هم تماس تلفنی دارند و پیام های SMS با هم مبادله می کنند. امروزه پرواز رهبران برای صرف یک نهار کاری یا شام مذاکراتی و بازگشت به کشور در همانروز امری عادی است. ولی من فکر می کنم که در آینده به دیپلمات کریر کمتر نیاز باشد تا به متخصصینی که برای یک دوره کوتاه وارد سیستم شوند و پس از پایان کار خارج گردند.

سفیر آمریکا در انگلیس در مقاله ای با عنوان پایان دیپلماسی^۱ که بر گرفته از جمله لرد پالمراستون^۲ وزیر خارجہ وقت انگلیس بهنگام بکارگیری تلگراف در وزارت خارجہ آن کشور است، می نویسد:

« هیچگاه استیصالی که از مکالمه مستقیم جورج بوش پدر با خانم مارگارت تاچر برای من پیش آمد فراموش نمی کنم. من موقعی از جریان مطلع شدم که یکی از مقامات انگلیس با طعنه به من گفت "چقدر جالب که رئیس جمهور شما دیروز خانم تاچر را متعجب ساخت." نویسنده در ادامه مقاله می گوید از این بدتر آن بود که این مکالمات هر از گاهی انجام می گرفت و وزارتخارجہ آمریکا مکانیسمی برای مطلع ساختن من نداشت در عوض سفیر انگلیس سریعاً از محتوای مذاکرات مطلع می شد و من بناچار از طریق یک کارمند شورای امنیت ملی سعی می کردم از جریانات مکالمات مطلع شوم.» و در ادامه مقاله می نویسد که گفته می شود رئیس جمهور کلینتون با تونی بلر بیش از یکصد مکالمه مستقیم تلفنی داشته اند. البته آنان به این مکالمات اکتفا نکرده و دیدارهایی هم

^۱ The End Of Diplomacy

^۲ Lord Palmerston

داشته اند لیکن از همین روش " فشار دادن دگمه" استفاده کردند در حالیکه لیندن جانسون قبلا اعتقاد داشت که چطور ممکن است یک همکار از طریق چنین مکالماتی احساسات همکاریا مراجعه کننده ای را درک کند. هرچند بوش نیز امتیاز چنین مکالمات و دیپلماسی فرد به فردⁱⁱⁱ را در دیدار خود از اروپا دریافت.¹⁰

امروزه دستگاه سیاست خارجی باید چنان بر اطلاعات مربوط به کشور خود و کشور پذیرنده مسلط که باشد تا از یک سو از دیگر رقبای تازه وارد داخلی و خارجی که به شکرانه فناوری جدید و پدیده جهانی شدن، امکان کسب خبر از هر جا و تماس با هر کس را دارند، عقب تر نمانده و باید به نوعی فعالیت کند که نقش خود را موثر تر نماید و از سوی دیگر اطلاعات ناقص و ناجای مبادله شده را تصحیح و بر اساس منافع ملی تنظیم نماید. کوچکترین غفلتی در این زمینه باعث خارج شدن وزارت خارجه از جایگاه تعیین کننده در تصمیم سازی کشور می گردد. در ارتباط با این موضوع می توان به انتقاداتی که نسبت به گزارشات سفارتخانه های سوئد از سوی مجلس انجام گرفت اشاره نمود. بر طبق تحقیقاتی که از سوی بازرسان پارلمان سوئد در خصوص بار مادی و معنوی گزارشات ارسالی سفارتخانه های این کشور به وزارت امور خارجه صورت گرفته، دیپلماتهای سوئد در خارج 75 درصد از وقت خود را صرف تهیه و نگارش گزارش برای وزارت امور خارجه می سازند. تحقیقات گروه بازرسی پارلمان به این نتیجه رسیده است که " بسیاری از این گزارشات از اساس مورد استفاده قرار نمی گیرند". بازرسان پارلمانی بر این نکته تاکید کرده اند که " تهیه و نگارش این گزارشات سالانه مبلغ 250 میلیون کرون هزینه بر می دارد و علاوه بر آن نظم و سیستمی که این گزارشات بر مبنای

ⁱⁱⁱ Person to person diplomacy

آن تهیه و ارسال می‌گردند قدیمی و کند است. "بازرسان پارلمانی در گزارشات خود نوشته اند که " عملاً سفارتخانه و نمایندگیها ی سوئد در خارج به ارسال گزارشاتی اشتغال دارند که نیازی به آنها وجود ندارد". گزارش مذکور در عین حال تاکید کرده است که بعضی از دیپلماتها در خارج از کشور به منابع بسیار نادر و ارزشمندی دسترسی دارند و مطالبی را در گزارشات خود توصیف می‌کنند که در رسانه ها به آنها پرداخته نمی‌شود. از دید بازرسان پارلمان " گزارشات در آن ابعادی که می‌تواند مورد بهره برداری قرار گیرد مورد استفاده واقع نمی‌شوند." آقای پونتوس یربورگ رئیس اداره برنامه و تشکیلات در وزارت امور خارجه سوئد در گفتگو با برنامه اخبار شبکه اول تلویزیون سرا سري سوئد، این انتقادات را محق و وجود آنها مورد تائید قرار داده و افزوده است که " البته تعیین پیشاپیش اینکه چه گزارشی لازم است ارسال شود دشوار می‌باشد". آقای بنگ ترنر از مفسرین و خبرنگاران با سابقه عرصه سیاست خارجی در رادیو سوئد در ارتباط با انتقادات بازرسان پارلمانی و محتوای گزارشات ارسالی از سفارتخانه های سوئد می‌گوید " در میان گزارشاتی که افتخار مطالعه آنها را یافته ام، برخی گزارشات بسیار عالی و ارزشمند وجود داشته و تعداد زیادی از گزارشات هم بوقلمونی (اصطلاح سوئدی به معنای پیش پا افتاده) بوده اند که برای من تشخیص و تصور ارزشمند بودن آنها برای وزارت امور خارجه دشوار بود" ¹¹.

پایان انحصار تماس ها و ملاقات ها

در عرف دیپلماسی گذشته خصوصاً در کشورهای محافظه کار، تماس سفر و کارکنان سفارت محدود به وزارت خارجه محل ماموریت می‌گردید و در صورت نیاز به تماس با سایر وزارتخانه ها می‌بایست این تماس از طریق وزارت خارجه تنظیم می‌شد. هم اکنون نیز این روش در بعضی

از کشورها معمول و متداول است. در این روش وزارتخارجه فرد ملاقات شونده را نسبت به مواضع کشور و روابط دوجانبه توجیه و بعضاً با اعزام نماینده ای مذاکرات را کنترل می نماید. در حالیکه امروز تماس مستقیم و ارتباط از طریق سایت های سازمان ها و نهادهای مختلف و ارسال اطلاعات، بیانیه ها و اعلام مواضع و دریافت نظرات از طریق ای میل میان سفارتخانه های خارجی و سازمان های داخلی امری عادی گردیده است و در عوض بیشتر اهتمام وزارتخارجه صرف توجیه و متقاعد نمودن افراد ذینفوذ در نهادهای رسمی، سازمانهای غیر دولتی و خصوصی و مراکز متعددی می گردد که در گذشته یا وجود نداشتند و یا توجیه و متقاعد سازی آنان ضرورتی نداشت. دیپلماتها و وزارتخارجه ها در کشورهای مختلف، سلطه انحصاری خود بر اطلاعات راجع به امور خارجه را از دست داده اند. آنها دیگر تنها صدای حاکمیت و نماینده کشورشان و نبوده و کنترلی بر بارش اطلاعات از داخل یا بطرف دولتشان را ندارند.¹²

سفرا امروز نظاره گر جریانهای هستند که بیش از هر زمان دیگر، غیر دیپلماتها خود را در آن جریانهای مختلف به شیوه های عمومی و مردمی، درگیر می نمایند و این امر اقتدار را از کلام و اقدامات سفرا گرفته است. آنها مجبورند هر روز تعداد بیشتری از این بازیگران متنوع و گاه متضاد را در امور مداخله دهند. دنیای سفیران که زمانی قانون مند و منظم بود امروز در نتیجه این پویایی و دینامیک عمیق بشدت در حال تحول است.¹³ تداخل سیاست داخلی و سیاست بین المللی با یکدیگر در عین حال باعث سیاسی شدن محیط های دیپلماتیک شده است. امروزه فرایند الحاق به توافق نامه ها اغلب با گفتگوهای ممتد با طرف های ذینفع داخلی و در همان حال مذاکرات بین المللی همراه است. سرو کار داشتن همزمان با اجتماعات داخلی و بین المللی همواره یکی

از موضوعات فرعی در مناظرات دیپلماسی جدید بوده است. اما اخیراً بخاطر نیاز و نیز توانمندی تاثیرگذاری آنان بر حوزه های تخصصی، کلیدی و ضروریات اعمال قدرت نرم، اهمیت مضاعفی یافته اند.

کاهش تشریفات

در گذشته ضیافت ها و محافل دیپلماتیک تنها فرصت کسب خبر و مبادله نظرات و القاء یک موضوع یا کنترل صحت و سقم یک خبر بود اما امروزه به علت فراوانی و تنوع اطلاعات در سایت های احزاب، گروه ها و وزارت خانه های کشور پذیرنده و همچنین اطلاع رسانی سازمان های غیر دولتی و گروه های ذینفع، این محافل نیز اهمیت گذشته خود را از دست داده و شرکت در آنها به یک ادای تکلیف سخت تبدیل گردیده است. ملاقات مستقیم و روابط چهره به چهره تنها فرصتی است که هنوز در اختیار دیپلماتها باقیمانده است لیکن این وضعیت نیز بواسطه سهولت ارتباطات و جلوگیری از اتلاف وقت در حال از دست رفتن است، و چون تمامی نهادها و شخصیت هایی که دیپلمات ها در گذشته با تعیین وقت قبلی و پس از رد و بدل کردن تعارفات دیپلماتیک ملاقات می نمودند، امروزه ترجیح می دهند که از طریق e-mail نظرات سفرا و دیپلمات ها را دریافت و از همان طریق نیز پاسخ دهند. نگارنده چنین رویکردی را شخصاً در رویه ارتباط با مقامات سوئدی و نمایندگان آن در پارلمان اروپا مشاهده نمود. این تغییر رویه فقط به حوزه روابط دیپلمات ها مربوط نمی شود بلکه میان آن ها و اتباع کشور خودشان نیز آغاز گردیده است زیرا . بواسطه کسب اطلاعات سریع، آسان، جامع و بدون هزینه از طریق سایت های سفارت و انجام امور کنسولی از طریق پست، روز به روز از مراجعه مستقیم شهروندان مقیم به سفارتخانه های کشور خود کاسته می شود. لذا ارتباط و تاثیرگذاری سفارت بعنوان نماینده مستقیم کشورش با

اتباع خود منوط به تنظیم یک سایت پر محتوا و پاسخگو شده است. در گذشته سفارتخانه ها ناچار بودند اطلاعات مربوط به کشورشان را از طریق نامه و در صورت فوریت از طریق تلکس از مرکز استعلام نمایند و برای دریافت جواب مدت ها منتظر بمانند این قبیل استعلامات چون نیازمند مکاتبات با سایر وزارتخانه ها بود معمولا به حدی طول می کشید که موضوعیت خود را از دست می داد و حتی در مواقعی جوابی دریافت نمی شد درحالیکه امروز در کوتاهترین زمان ممکن با مراجعه به سایت نهادهای مربوطه می توان اطلاعات را کسب و حتی بدون تحریر نامه ای دیگر مستقیما اطلاعات را به طرف سؤال کننده منتقل نمود. چنین شکل و شیوه اطلاع رسانی کار وزارت خارجه، سفارت خانه ها و دیپلمات را آسان تر می نماید دیگر وابستگان اقتصادی فرهنگی و نظامی با مشکل کمبود اطلاعات برای ارائه به مراجعین روبرو نخواهند شد و از سوی دیگر خاطر سفیر و بقیه اعضای سفارت نیز بدلیل مراجعه مستقیم متقاضیان اطلاعات مختلف به سایت داخلی راجع به پاسخگویی این قبیل اطلاعات آسوده خواهد بود و با کاهش این وظیفه سنگین نقش آنان از تهیه کننده و ارائه کننده اطلاعات به نقشی بالاتر یعنی هدایت مخاطبین بسوی اهداف اقتصادی و سیاسی سفارت مبدل می گردد. همچنین در گذشته بخشهای کنسولی سفارتخانه یا کنسولگری ها تنها مراجع پاسخگویی به سوالات اتباع کشور خودشان یا خارجیان بودند درحالیکه سایت های نهادهای داخلی و وزارت خارجه پاسخ بسیاری از سوالات آنان فراهم آورده است. کالین پاول در گزارشی به کنگره اعلام داشت برنامه امریکا آن لاین^۱ و خدمات متنوع آن بیش از یکصد میلیون نفر را بصورت الکترونیک با هم مرتبط ساخته است. آنها می توانند پیام های فوری بفرستند

^۱ America Online

e-mail بزنند، عکس ها مقالات نظرات و افکار، رویاها، سرمایه ها و علائق و عدم علائق خود را مبادله کنند و همه این فعالیت ها بدون مراجعه به اداره پست و گمرک یا نیاز به ویزا، گذرنامه و تعرفه و امثالهم و بدون آنکه حکومت ها قدرت کمترین مداخله ای داشته باشند صورت می گیرد¹⁴. از این روش کانادائی ها در مدلی به نام "فرصت بازرگانی" از طریق اینترنت با استفاده از کامپیوترهای شخصی بعنوان یک ابزار قدرتمند برای انتقال اطلاعات ارزشمند درباره شرایط و فرصت های اقتصادی استفاده می کنند. این تماس های مستقیم و در حال افزایش، توانایی دیپلماتها را در شکل و جهت بخشیدن به توافق عمومی درباره جریانات خاص و بخصوص هنگام کار با سازمان های غیر دولتی و دیگر گروههای ذینفع در خانه و در خارج از کشور ارتقا می بخشد¹⁵.

ظهور رقبای جدید

امروزه اغلب کشورهای توسعه یافته و به تازگی بعضی از کشورهای در حال توسعه نیز مطالعه و تحقیق موضوعات بین المللی مورد علاقه خود را به موسساتی غیر از وزارتخارج و بعضا خصوصی واگذار می نمایند. روزنامه ها و مجلات 90% اطلاعات خود را از طریق آژانس های غول پیکر جاسوسی و خبر رسانی آنها با هزینه بسیار اندک دریافت می دارند.¹⁶ این موسسات ضمن جمع آوری اطلاعات در مواقعی با برگزاری سمینارها و کنفرانس ها زمینه ایجاد رابطه میان دو کشور یعنی نقش وزارتخارج را اجرا می نمایند. به بیان روشن تر امروزه نه فقط وزارتخارج بلکه بخشها و آژانسهای دولتی به نوعی در امور بین المللی و سیاست خارجی دخیل بوده و خود را به نوعی مرتبط با وزارتخارج بشمار می آورند. در این صورت دیپلماتها برای استفاده از قدرت نرم می بایست همکاری و شاید دخالت نهادهای داخلی را

تحمل نمایند. و نکته بسیار حائز اهمیت زایش و تزايد روز افزون نهادهای دخالت کننده و سطح انتظار آنان برای دخالت بیشتر می باشد¹⁷. همچنین گسترش فعالیت های داخلی احزاب در رقابتهای درون حکومتی و بخشهای متضاد و بین المللی از یک سو و از سوی دیگر ارتباطات متراکم و فزاینده ماهواره ها، شبکه های اینترنت میان موسسات وابسته به دولت و سازمانهای دولتی- بین المللی، سازمانهای غیر دولتی، شرکتهای و حتی افراد بخش خصوصی که مستقیماً با یکدیگر در تعامل هستند و جدای از وزارت خارجه و کانال های سنتی و ارتباطات دیپلماتیک عمل می کنند رقاباتی هستند که در عرصه سیاست خارجی وارد صحنه شده اند¹⁸. در ساختار جدید، وزارت خارجه و دیپلمات هایش تنها بازیگران عرصه بین المللی نیستند. وزارت خارجه در داخل کشور باید با دستگاههایی چون دفاع، امور اقتصادی و بازرگانی، کشاورزی و حتی فرهنگی فعالیت خود را هماهنگ نماید و نقش آنها را در تصمیم گیری های سیاسی مدنظر قرار دهد. در نتیجه بسیاری از این دستگاهها خود دارای بخشهای امور بین المللی بوده و شماری رایزن و نماینده در خارج از کشور دارند¹⁹.

امروزه سفرهای بین المللی سریع و آسان است و سفر از یک سوی کره زمین به سوی دیگر تنها 24 ساعت طول می کشد. این به آن معنا نیست که موقعیت سفرها تنزل یافته بلکه روسای کشورها، قانون گزاران و نمایندگان ویژه می توانند بصورت سفرای جدید و با غصب امتیازات ویژه سفرها عمل نمایند²⁰. همچنین تخصصی شدن هرچه بیشتر موضوعات بین المللی مرتبط با وظایف سازمانها و نهادهای داخلی از جمله موضوع محیط زیست، هواشناسی، بهداشت، هواپیمایی کشوری باعث شده است تا کارشناسان ویژه آن موضوع در نهادها و سازمانهای داخل کشور به نشست های بین المللی تخصصی و سمینارهای مربوطه اعزام و در آنجا به

مذاکراتی بپردازند که در گذشته جزء وظیفه دیپلمات ها بود. تاثیر تجارت برون مرزی بر ملاحظات حساس سیاست داخلی، باعث تاثیراتی در مقررات داخلی، تخصص ها و رفتارهای دیپلماسی گردیده است. در اغلب مذاکرات معاصر ما شاهد و ناظر بر تاکیدات بیشتر بر دیپلماسی چند جانبه و نمایندگی گرا خواهیم بود. البته این به معنای نادیده نگاشتن دیپلماسی دوجانبه نیست، بلکه به این ترتیب مذاکرات دوجانبه بین دولت ها و مذاکرات چندجانبه جهانی در عرصه های در حال رشد در یکدیگر ادغام می شوند²¹. در گذشته وجود نمایندگان سازمان های مختلف در داخل سفارتخانه ها، علیرغم فرسایش قدرت سفرا بعنوان تنها نماینده مطلع در خارج از کشور، تا جاییکه بعنوان بازوی اجرایی مطلع در کنار سفرا عمل می کردند، قابل تحمل بود. ولی امروز نمایندگان از سوی سازمان های داخلی مستقیماً به نهادهای بین المللی معرفی شده و بطور مستقل و خارج از سفارت و بدون اطلاع سفیر به انجام وظیفه خود می پردازند. سفرا شاید ندانند که بیش از هر زمان دیگر بازیگران غیر دیپلمات خود را در جریانات مختلف به شیوه های عمومی و مردمی درگیر می نمایند. این امر اقتدار را از کلام و اقدامات سفرا گرفته است. آنها مجبورند هر روز تعداد بیشتری از این بازیگران متنوع و گاه متضاد را در امور مداخله دهند. دنیای سفیران که زمانی قانون مند و منظم بود، امروز در نتیجه این پویایی و دینامیک عمیق بشدت در حال تحول است²². این تحول هم در پیکربندی وزارت خارجه و هم از طریق فرایند پراکنده شدن مدیریت سیاست بین المللی در درون ساختار ملی در حال رخ دادن است. این موضوع نه فقط در مرکز بلکه در محل نمایندگیها، بدلیل وجود ترکیبی که منعکس کننده روند در حال رشد بین المللی شدن بخش های مختلف داخلی دولت هاست، نیز رخ می دهد. از این پس بدلیل تحولات اجتناب ناپذیر در

عصر اطلاعات، دیپلماسی دیگر صرفاً یک موضوع اختصاصی و منحصر به وزارت خارجه و دیپلمات‌ها نخواهد بود. عامه مردم، سازمان‌های غیردولتی شرکت‌ها و حتی بخش خصوصی هم اینک دارای توانایی تاثیرگذاری عمیق بر امور بین‌المللی هستند. امروزه مردم در اتاق نشیمن خود با استفاده از کامپیوتر لپ‌تاپ تغییراتی را در مسایل اقتصادی سیاسی باعث شوند که قبلاً حتی تصور هم نمی‌رفت. قدرت تاثیرگذاری زاپاتیست‌ها در این رابطه مثال زدنی است قدرتی که چریک‌های زاپاتیست مکزیک در عرصه تحولات آمریکای لاتین از خود برجای گذارده‌اند. آنان تقاضاهای خود را بطور مداوم به دولت مکزیک و سرتاسر جهان صرفاً با استفاده از e-mail منتقل ساخته و همدردی سیاست‌گذاران بین‌المللی و داخلی را کاملاً جلب نموده‌اند.²³

درهم ریختن فاصله و زمان

تاسیس سفارتخانه‌ها و اعزام مامورین به نقاط دور و نزدیک دنیا که از ملزومات اولیه دیپلماسی بود، امروز بواسطه توسعه علوم و فنون ارتباطات و اطلاعات معنای اصلی و پیشین خود را از دست داده است. تلاقی علوم اطلاعات الکترونیک، کامپیوتر و تکنولوژیهای ارتباطی دنیای جدید را بسوی یک جهان چهاربعدی بی‌نظیر در گذشته سوق داده است. که در آن زمان، فاصله و منطقه از نظر جغرافیایی توسط عامل "سرعت" در هم ادغام شده‌اند تا مرزها، قوانین رویه‌های قضایی، محدودیت‌ها و اجماع عقلانی را تحت نفوذ خویش در آورد²⁴. دریافت اطلاعات مختلف از منابع متنوع و سریع دیگر استدلال دیپلماتها راجع به صحت اطلاعات و اخبار بواسطه نزدیکی به موضوع را کم‌رنگ و غیر قابل پذیرش می‌نماید.

نکته دیگر عدم وقفه در دریافت اطلاعات می‌باشد. ازدیاد تعداد جریان‌های بازیگران باعث

افزایش سریع اطلاعات میشود که لازم است ردگیری تجزیه و تحلیل و پاسخ داده شود آنهم در 24 ساعت شبانه روز و هفت روز هفته بدون تعطیلی²⁵. امروزه سرعت انتقال اطلاعات ضمن تسهیل بسیاری از امور برای دیپلماتها، آنان را در موقعیت آسیب پذیری قرار داده است. برای نمونه بعثت اختلاف ساعت میان دو کشور قبل از آنکه کارکنان سفارت در محل کار خودشان حاضر شوند، کارشناسان و مسئولین نیز در مرکز اخبار و اطلاعات کشور مربوطه را از رسانه های مانند CNN و BBC که رویدادها را بسیار سریعتر از دیپلماتها مخابره می کنند، مشاهده، روزنامه ها، و مجلات و سایت های خبری را مطالعه و تجزیه و تحلیل نموده و ملاحظات خود را نیز ذیل آن می نویسند. در چنین وضعیتی کارکنان سفارت باید اولاً تمامی اخبار را به تفضیل مطالعه نمایند تا بتوانند به سئوالات مرتبط با اخباری که در مرکز پرسیده می شود پاسخ دهند. ثانیاً نسبت به بعضی از اخبار و اتفاقات قبل از غافلگیری از سوی مرکز اعلام مواضع نموده و عکس العمل نشان دهند.

مشکل فقط سرعت و بی وقفگی دریافت اطلاعات نیست، بلکه رقبای زیادی با اهداف گوناگون به همین کار مشغول می باشند. دیگر دیپلمات ها نمی توانند به ارسال عناوین اخبار اکتفا کنند و یا اخباری را براساس تشخیص خود انتخاب و ارسال نمایند. در چنین وضعیتی کوچکترین مکث یا تاملی از سوی دیپلماتها، آنان، بعنوان آلترناتیوهای مناسب ظاهر می شوند حتی عده ای با مشاهده این موضوع می پرسند آیا در چنین دنیایی دیپلماسی بقاء خواهد داشت؟ واقعیت آن است که اگر داشته باشد به چه شکل و چگونه اداره خواهد شد؟ رابطه اش با تکنولوژی های جدید چگونه خواهد بود؟ در چنین میدان رقابت شتابان که فاصله و زمان درهم ریخته، نقش و راجحه و وظیفه دیپلمات ها افزون بر تنوع و چند

گانگی می‌بایست معطوف بر سرعت و اثر گذاری باشد. کشورهای پیشرفته از جمله گروه G7 علاوه بر ابزار متعارفی چون پست های دیپلماتیک و ارتباطات کابلی و حتی سایت های کامپیوتری فراگیر و جامع و پیشرفته، سیستم های بسیار پیشرفته ای با پوشش جهانی را بخدمت گرفته اند از جمله یک تلفن هفت شماره ای مستقیم که کلیه نمایندگانشان در سرتاسر جهان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و نیز توانایی ارتباط سریع در موارد اورژانس یا اجلاسهای دیپلماتیک (مانند اجلاس سران G7) را دارد. این سیستم که اختصاراً MITNET نامیده می‌شود به کشورهای پیشرفته این امکان را می‌دهد که خدمات خود را در ساعات غیر اداری نیز به روش کنترل از راه دور در اختیار طرف های خود قرار دهند. بعنوان مثال اتاوا در پیش از پنجاه نمایندگی این کشور، خدمات پس از ساعات اداری در اختیار مراجعین قرار می‌دهد و همچنین در این کشور بیش از 97% کارکنان در اقصی نقاط جهان از طریق یک تکنولوژی انعطاف پذیر بنام تنظیم SIGNET با یکدیگر در ارتباط هستند که آنها را قادر می‌سازد تا در هر روند تجاری با تنظیم و تکمیل فرم، مطالب خواسته شده را بررسی و تنظیم نمایند²⁶.

دیپلماسی متحرک و تخصصی

یکی از مباحث غالب در مناظرات مربوط به جهانی شدن مربوط به بهم فشردگی "زمان و مکان" است که این مسئله مدت هاست که یکی از موضوعات مهم در مطالعات دیپلماسی نیز می‌باشد. هر چند آنطوریکه کهان ونی مطرح ساخته اند این امر زیاد به افزایش شتاب در ارسال "پیام ها" که از مشخصه های دوران حاضر و بدلیل خیزش کمی در سرعت ارتباطات می‌باشد، مربوط نمی‌شود. بلکه مربوط است به "شتاب نهادی شده" یا شدت فعل و انفعالات (یا آنطوریکه نویسندگان فوق اطلاق می‌کنند

ضخامت جهانی شدن) و پاسخ های بازیگران به این امر که مشخص کننده عصر حاضر می باشد²⁷. بهم ریختن فاصله و زمان، دنیای دیپلماسی را به مرحله نوینی از فعالیت وارد ساخته است. اصولاً در گذشته بعد مسافت و عدم امکان تماس های فوری تاسیس پست های دیپلماتیک را در اقصی نقاط جهان ضروری می ساخت و بهمین دلیل اصولاً سفرا بعنوان نمایندگان تام الاختیار تفاهم نامه ها و قراردادهای را از سوی دولت خود امضا می کردند و از سویی با توجه به محدودیت موضوعات در عرصه جهانی سفرا و اعضای سفارت از دانش و تخصص کافی برای حضور در سمینارهایی که در حوزه ماموریت آنها تشکیل می شد برخوردار بودند. امروز تنوع موضوعات مطرح در عرصه بین المللی و تخصصی شدن آنها و همچنین امکان مسافرت و رفت و آمد در کوتاه ترین زمان ممکن باعث شده است تا کارکنان وزارت خارجه یا کارشناسان مقیم در بعضی از نمایندگیها یا نمایندگان وزارت خانه های ذیربط بتوانند ظرف یک روز به حوزه ماموریت یک سفارتخانه مسافرت، در سمینار شرکت نموده و از آن کشور خارج شوند بدون آنکه سفارت از ورود و خروج آنها مطلع شود. در واقع نوعی ازدیپلماسی سیار در حوزه کار سفارتخانه های مقیم عمل می نماید. علاوه بر تسهیلات حمل و نقل، تجهیزات الکترونیک هم به دیپلماسی متحرک کمک می کند. زیرا بسیاری از کارهای واقعی دیپلماتها هم اکنون در حال حرکت انجام می شود. بعنوان مثال در هواپیما،

اتاق های هتل ها، کنفرانس ها و در ماموریت های کوتاه مدت که در تمام طول شبانه روز در چهارگوشه عالم صورت می پذیرد، انجام می گیرد. دیپلمات ها در هر کجا که لازم است و بوجه اجازه دهد حاضر می شوند و ضرورت ایجاد نمایندگی ثابت را مورد تردید قرار می دهند²⁸.

ضرورت شفافیت و پاسخگویی به افکار عمومی

امروزه افزون بر مخاطبین موثر در کشور پذیرنده از قبیل وزارت خارجه، تجار، رسانه ها، سازمان های بین المللی و در مجموع افکار عمومی کشور میزبان که باید مدنظر دیپلمات ها باشد، افکار عمومی کشور متبوع و حتی افکار عمومی جهانی یعنی مخاطبین رسانه های بین المللی ولو در دورافتاده ترین کشورها باید در محاسبات مربوط به اقدامات یک دیپلمات مد نظر قرار گیرند. به این ترتیب از یک سو دایره اطلاع رسانی یک سفارت از مرزهای کشور حوزه مأموریت خود خارج می گردد و از سوی دیگر به میزان اهمیت یافتن روابط خارجی در مسایل داخلی کشورها، وظیفه سفارتخانه ها برای پاسخگویی به افکار عمومی داخلی کشور خودشان هم زیاد می گردد. علاوه بر خبرنگاران داخلی هموطنان یک سفیر هم با مراجعه به سایت سفارتخانه یا ارسال ای میل مرتبا از سفیر خود سوال می کنند. تحلیل گران عصر اطلاعات جان ارکویلا و دیوید رانفیلد می گویند که دیپلمات ها باید تشخیص دهند که اقلیم نوینی در حال پدیدار شدن است یک "اقلیم جهانی از افکار" تاثیرات جدی بر کشورها خواهد داشت. بعلاوه می گویند که عصر اطلاعات به نادیده گرفتن شرایط دیپلماسی کلاسیک که مبتنی بر سیاست واقعی و قدرت سخت است ادامه خواهد داد و ضمنا همانگونه که در بخشهای پیشین توضیح داده شد، از ظهور یک دیپلماسی جدید مبتنی بر آنچه که آنها آنرا *noopolitic* می نامند و از علاقه مندی برای قدرت نرم، حمایت می کند، سخن می گویند²⁹. در گذشته های نه چندان دور گفته های مقامات سیاسی یا نظرات صاحب نظران عرصه دیپلماسی با حداقل تردید، مورد قبول هموطنانشان قرار می گرفت و در صورت وجود سوالاتی راجع به سیاست خارجی، به اینگونه تردیدها به بهانه ملاحظات امنیتی و یا رعایت مصالح خارجی کشور یا پاسخ داده نمی شد و یا بشکل محرمانه و خصوصی به توجیه موضوع پرداخته می شد. ولی امروز

اقناع افکار عمومی جزء وظایف اولیه وزارتخارجه ها و سفارتخانه ها گردیده است. با این حال تاثیر "عامه مردم" بر دیپلماسی علیرغم اهمیتی که دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اساسا امروز امر خارجی و یا داخلی بدون توجه و آزمایش نظرات عمومی انجام نمی گیرد. بعد افکار عمومی نه تنها شامل نظرات عمومی می شود بلکه از دیرباز شامل مشورت های عمومی نیز بوده است. امروزه اعضای عادی جامعه بصورت رقبای جدیدی برای مسائل و درگیری های جهانی درآمده اند. 15 هزار سازمان غیر دولتی مستقیما در مسائل بین المللی درگیرند. بعد افکار عمومی در حال تبدیل شدن به عامل اصلی دیپلماسی جدید و نیز تاثیرگذار اصلی بر روی سیاست خارجی است. در بسیاری از کشورها هنوز هر موضوع مربوط به روابط خارجی محرمانه محسوب می شود حتی مطالب روزنامه های کشور متوقف فیه توسط کارشناسان ترجمه و سپس در

تلکس های محرمانه به کشورشان ارسال می گردد. شاید بهانه و توجیه برای این کار نوشتن چند سطر بعنوان نظریه یا ملاحظات ذیل این تلکس ها می باشد. تماس با وزارت خارج و گفتگو و دریافت اطلاعات راجع به یک موضوع نیز مسئله ای محرمانه و اصولا به عنوان دست آوردی مهم در کار محسوب می گردد. درحالیکه در پی نهضت شفافیت در کشورهای اتحادیه اروپا با معرفی پست الکترونیک خود و وزارت خارج تمامی اطلاعاتی که می بایست با صبر و صبر و صبر و صبر در دست آورد، بطور روزانه و رایگان در ای میل سفر و کارکنان وارد می شود. مسئله بسیار آشکارتر وجود سایت های اطلاع رسانی وزارتخارجه ها و نهاد های مرتبط با آن است. این موضوع بدان معنا نیست که دیگر مذاکرات محرمانه وجود نخواهد داشت بلکه نکته مهم ضرورت تغییر رویکرد محافظه کارانه در این باره است که در صورت عدم توجه به این امر

سفارتخانه و کارکنان آنها از جریان ارتباطات و تاثیرگذاری فعال عرصه دیپلماسی جدید دور خواهند ماند. در شکل بندی رویه های دیپلماسی گذشته به خصوص در کشورهایی با نظام اداری متمرکز، خصوصا بلوک شرق و نظام های دیکتاتوری، کار سفارتخانه ها و دیپلماتها در زمینه توجیه افکار عمومی و هماهنگ سازی سایرین بسیار آسان بود در آن وضعیت سفارت نیازی به اطلاع رسانی به بخش های دیگر سیستم دولتی یا افکار عمومی نداشت. فرو پاشی نظام های کمونیستی و امکان دسترسی ملت ها به اخبار خارجی و همچنین تمرکز زدایی و باز بودن جوامع و ضرورت های ناشی از پاسخگویی به افکار عمومی، باعث گردیده است تا دیپلمات ها بخش گسترده ای از کار خود را در سطح بسیار وسیع تر، از طریق مصاحبه ها و بیانیه مطبوعاتی، به امراطاعات رسانی اختصاص دهند. شفافیت در حد وسیع تر در روابط بین نهاد ها و موسسات هم در درون و هم در خارج در حال شکل گیری است.

اساسا نظم کهن مبتنی بر "اطلاعات اختصاصی" تحت تهاجم و در هم شکستگی است. حتی سازمان های امنیتی و اطلاعاتی نیز امروزه موقعیت خود را در مواجهه با انتشارات متقن و بخوبی تجزیه و تحلیل شده فراگیر در خطر می یابند. در چنین محیطی توضیح سیاست ملی به جامعه جهانی وزن جدیدی یافته و با چالشهای نوبن روبرو گشته است. به بیان دیگر الزامات امروز باعث می شود تا دیپلماسی مگافون جای خود را به دیپلماسی شبکه ای بدهد.³⁰ شفافیت نه فقط بر روابط رسمی حاکم است بلکه روابط بین بخش های دولتی و خصوصی و بین آحاد مردم را نیز در بر می گیرد زیرا مردم در هر حکومتی بسیار فراتر از مرزهای رسمی منتشر شده اند و ارزش های جمعی و دسترسی به آن از طریق شبکه اطلاعاتی خود آن مردم، هر دولتی را مجبور می سازد تا

شفاف بوده یا حداقل تظاهر به شفاف بودن نماید تا بتواند در مقابل جامعه جهانی پاسخگو³¹ باشد. در آخرین گزارش تخصصی درباره ایجاد واحد اطلاعات آمریکا تاکید شده است که جهان امروز نیازمند درگیر ساختن فعال افکار عمومی داخلی و خارجی و نمایندگان آنان از نظر دیپلماسی مگافون در جامعه مدنی مبتنی بر شفاف سازی و اشتراک در اطلاعات است³². اطلاعات و ارتباطات دارای طبقه بندی نبوده و فقط آندسته از آگاهی های مربوط به همکاری های اطلاعات امنیتی در مقابله با تهدیدات خارجی، اختصاصی محسوب می شود. در مقابل دیپلماسی شبکه ای بر اساس باز بودن. و سهم شدن اطلاعات با دیگران عمل می کند. با این چشم داشت که از اعتبار ناشی از این اقدام بعنوان یک ابزار فشار برای ترغیب دیگران به پذیرش موقعیتی مشابه، استفاده نماید. دیپلماسی شبکه ای مستلزم یادگیری چگونگی بکارگیری نظرات آلترناتیو، شواهد و دیدگاههای متضاد و وفق دادن خود با چنین نظریاتی است. بجای شیوه های مرسوم در دیپلماسی مگافون که تلاش دارد تا بگونه ای اهانت آمیز و مغرورانه درباره اینگونه عقاید مخالف سخن بگوید³³.

طی دهه گذشته 26 کشور، قوانین جدیدی تصویب نموده اند تا شهروندان آنها بتوانند دسترسی آزادانه به اطلاعات دولت داشته باشند. چرا؟ چون مفهوم آزادی اطلاعات در حال دگرگونی است و از متهم سازی دسترسی به اسرار به سوی وسیله ای برای تنظیم بازار، دولت کارآمد و رشد و توسعه در حرکت می باشد و با موفقیت قدرتمندان بوروکراتیک را متقاعد می نماید. استدلال در اینجا آنست که شناسایی حق مردم برای اطلاع، یک مسئله ضد اخلاقی نیست بلکه وسیله اجتناب ناپذیر برای جلوگیری از فساد، ارتشا، حیف و میل و دولت ضعیف است³⁴. امروزه تنش های فراوانی بین دو جریان جهانی وجود دارد. از یک سو تمرکزگرایی برای کنترل دیپلماسی در درون

دولت‌ها و از سوی دیگر جریان‌گرایان از مرکز کنترل (بدلیل ظهور بازیگران بی‌شمار غیر دولتی) در حال افزایش است. اینک دیپلمات‌ها نیز مانند فرماندهان ارتشی و مدیران ارشد تجاری بطور روزافزون و حتی گلايه‌آمیز شیوه‌های پیشرفته اطلاعات را مورد ملاحظه قرار می‌دهند. زیرا که اطلاعات پیشرفته و دیگر جنبه‌های انقلاب اطلاعات، طبیعت، زمان و اقتضای دیپلماتیک را دگرگون می‌سازند، گام‌های دیپلماسی را سرعت می‌بخشند و وادارش می‌کنند که سلسله عملیاتش را که زمانی بشدت بسته بودند باز و شفاف نماید. این پویایی دو تغییر عمده را در انتقال قدرت ایجاد کرده است. اول آنکه قدرت از بازیگران کلان و دارای حیطه‌های محدود و بسته به بازیگران کوچکتر و سریع‌الانتقال و چابک منتقل شده است مانند سازمان‌های غیر دولتی. ثانیاً امروزه قدرت در اختیار بازیگرانی است که صرفنظر از کوچکی یا بزرگی توانسته‌اند از فعالیت‌های فردی و یک‌تنه بسوی اشکال شبکه‌ای ایجاد شده سازماندهی و رفتار، حرکت نمایند.³⁵

موضوعات جدید و تغییرات روزافزون روشها

در گذشته ای نه چندان دور شرح وظائف دیپلمات‌ها از موضوعات انگشت‌شمار فراتر نمی‌رفت و جالب‌تر آنکه این موضوعات برای چندین دهه ثابت بوده و یا تغییرات چندانی روبرو نگردید، مانند روابط دو جانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در عرصه بین‌المللی مانند تعادل قوا، بازدارندگی و تنش‌زدایی. درحالی‌که در شرایط جدید و با ظهور پدیده جهانی شدن بدلیل فروریختن مرزها و امکان فرصت و قدرت‌نمایی برای افراد، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای غیر کشوری و گسترش قلمرو و اعمال و اجرای قوانین بین‌المللی، هر ساله چندین موضوع جدید به دستور کار دیپلمات‌ها اضافه می‌گردد. موضوعاتی که سابقاً از لحاظ سیاسی کم

اهمیت شمرده می‌شود^۱، از قبیل موضوع پناهندگان، حقوق بشر، جنایات سازمان یافته فرا ملی، تروریسم، مواد مخدر، سرمایه انسانی، فرار مغزها، ملاحظات تکنولوژیک، استانداردهای کارگری و مذاکرات بر سر استانداردها و پروتکل‌های فنی و تکنیکی، در نتیجه روند جهانی شدن هم اینک بطور فزاینده‌ای تبدیل به جریان‌های کلیدی در روابط بین‌المللی و در میان حکومت‌ها گردیده است^{۳۶}.

در نتیجه ورود موضوعات جدید به عرصه روابط بین‌المللی، صحنه دیپلماسی نیز هم از لحاظ تنوع موضوعات و هم روشهای کار، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. در بیشتر موارد توافق دو طرف برای موضوعات صرفاً دو جانبه بسیار آسان و بقول معروف در قالب بده و بستان حاصل می‌گردد ولی موضوعاتی که هم منافع کشور ثالث یا کشورهای مختلفی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و هم منافع سازمان‌های غیر دولتی یا سازمان‌های خصوصی را در بر می‌گیرد، کار دیپلمات‌ها را مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌سازد. یک روش دیپلماسی و استراتژی برای عصر اطلاعات تاکید بر سهمین شدن ایده‌ها ارزشها، نرم‌ها قوانین و اخلاقیات از طریق متقاعدسازی دارد که از این طریق هم بازیگران حکومتی و هم غیر حکومتی را می‌توان توسط این دیپلماسی جدید هدایت نمود، بجای آنکه متکی به مرکز بود. مفاهیمی مانند سهمین شدن ایده‌ها، ارزشها و نرم‌ها در چارچوب دیپلماسی سنتی، در بهترین شکل خود حرکتی سازش‌کارانه یا مصالحه منافع ملی ارزیابی می‌گردد. درحالی‌که در اینجا بعنوان یک روش موثر و معمول معرفی شده است. حتی خصوصیات مدل‌های پیشنهادی جدید و وضعیت آینده دیپلماسی و نقش دیپلمات‌ها فریبکارانه یا توطئه آمیز بنظر می‌آیند و تصور نمی‌شود که در آینده کسی آنها را

^۱ Low Politic

بپذیرد. از جمله این عقیده که می‌گوید: انگیزه دیپلماسی جدید نمی‌تواند منافع ملی باشد. به عقیده آرکوئیلد و رانفلت دیپلماسی کلاسیک کشورها را علیه دیگری به رقابت و مجادله و می‌دارد درحالی‌که دیپلماسی جدید کشورها به تشویق و همکاری در چارچوب ائتلاف نموده و درگیر همکاری‌های متقابل می‌نماید.³⁷

شاید بتوان این تصویر و الگوی ظاهرا توطئه آمیز را که توصیه به فراموشی منافع ملی دارد از منظر دیگری قابل درک دانست و آن هنگامی است که پیگیری منافع ملی جز از طریق پیگیری منافع دیگران ممکن نباشد. در آینده دیپلماسی دیگر صرفا در خدمت منافع ملی کشور متبوع نخواهد بود بلکه و بخصوص در مورد کشورهای بزرگی چون آمریکا یا اعضای G7 علاوه بر آن در خدمت اهداف بزرگتر بین المللی از جمله بهم بافتن سیستم چند کشوری^۱ از طریق شبکه‌ها و روابط و مناظرات مشترک خواهد بود. این کار شامل عملیات و ارزشهایی است که روابط و مذاکره بین کشورهای متخاصم را آسان می‌سازد. به این ترتیب دیپلمات‌ها و دیپلماسی به ایجاد نظم در یک فضای بین المللی نامنظم و گاه خطرناک کمک می‌کنند. این دنیای یکپارچه و جهانی شده علیرغم آنکه ممکن است بنظر تخیلی بیاید با سرعت جریانات موجود، بسیار نزدیکتر از آن است که تصور شود.³⁸

اگرچه کماکان حفظ منافع ملی بعنوان هدف اصلی دیپلمات‌ها و متقاعدسازی بعنوان روش کار دیپلمات، همچنان در جایگاه اصلی و اساسی خود پابرجا می‌باشند و علیرغم گمانه زنی‌های انترناسیونالسم لیبرالی، جایگزینی آن‌ها با منافع جهانی، حداقل تا نیم قرن آینده متصور نیست، لیکن هر دو موضوع بدلیل بهم ریختن مرزهای اقتصادی، فرهنگی به چالش کشیده شده‌اند. دیپلماسی سنتی طبق نظر گوردون اسمیت دیپلمات کانادایی عبارتست از

^۱ Multi State

هنر پیشبرد منافع ملی از طریق متقاعد سازی. با این حال امروز نه تنها روش‌ها بلکه مضمون و محتوی دیپلماسی نیز تغییر یافته است. روش متقاعد سازی آنقدر گسترش یافته تا بتوان هر کسی را در هر کجا توسط سازمان‌های اطلاعاتی و ارتباطی به یکدیگر مرتبط ساخت و تحت تاثیر قرار داد. حتی غیر معمول تر آنکه منافع ملی از پایه شامل اقتصادهای جهانی سپس مهاجرت‌های بین‌المللی، بحران‌های زیست‌محیطی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، توسعه تسلیحاتی و تجاوزات کامپیوتری و سایبرنتیک می‌گردد که همگی تهدیدات جهانی را افزایش داده و در سطوح داخلی اثرات تخریبی سریع‌تر و بیشتری بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند.

بنابر این دیپلماسی بعنوان فعالیت وزارت خارجه جزئی از سیاست داخلی خواهد بود که خود نیز بوسیله دستورالعمل‌های امنیت ملی شکل می‌گیرد.³⁹ برای رهبران سیاسی در دوران جنگ سرد امروزه موضوعاتی چون خاور میانه، ناتو و چین مقولات آشنایی هستند. اما موضوعات جدیدی مانند تغییر آب و هوای کره زمین، مبارزه با و اچ‌ای‌وی و ایدز اصلاحات ژنتیکی، قاچاق انسان، سندیکاهای جنائی چند ملیتی، حق تابعیت و حق انتشار و ثبت ابداعات و اختراعات در عرصه‌های میکروسافت و داروهای مولیکولی، مجازات اعدام، جنبش‌های ضد آمریکایی، تحرکات امواج گونه پناهندگان و جابجایی افراد در اکناف جهان موضوعاتی هستند که دیپلمات‌های جدید باید با آنها روبرو شوند.⁴⁰

عصر اطلاعات، چالش‌های جدیدی از عدم توافقات و اختلافات بزرگ شده بین‌المللی گرفته تا افراد اغتشاش‌گر را در ملاحظات حیاتی خارجی بر سر راه دیپلماسی قرار داده است. نتایج چنین مسائلی می‌تواند سریع و مرگبار باشد. موضوعات غالب دهه آینده شامل حقوق بشر و دموکراسی، سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، مواد مخدر، جنایات جهانی، ملاحظات

زیست محیطی، جمعیت، پناهندگان، مهاجرین، بیماری و خشکسالی است. عصر اطلاعات ارتباط این موضوعات با مردم جهان را افزایش داده است.⁴¹ انقلاب اطلاعات موجب تسریع روند دموکراتیزه شدن و جهانی شدن جریان و محتوی اطلاعات گردیده است. تکنولوژی های پیشرفته اطلاعاتی ابزار جدید ارتباطی را فراهم آورده که به نوبه خود نیازمند روندهای سازمانی جدید و وجود سلسله مراتب پویا و مناسب، روابط تعریف شده بین بازیگران هم در عرصه های داخلی و هم در صحنه های بین المللی می باشد که از این طریق نقش اساسی در تسهیل و تسریع انقلاب هم در بعد سیاسی و هم در بعد اقتصادی را ایفا نماید. در ورای این تاثیرات قادر سازانه، انقلاب اطلاعاتی با محیط جدید بین المللی که در اطراف خود پروراند باعث شد تا اطلاعات بخودی خود بصورت یک منبع حیاتی از قدرت و تاثیرگذاری ملی در آید. این روند در حال حاضر نیز تاثیر اساسی بر دیپلماسی داشته است که هم بر مفاد و هم بر جریانات ضروری در موقعیت های دیپلماتیک در دوران در حال گزار فعلی اثرگذار بوده است. در دهه 1850 نو آوریها و اختراعات در بخش اطلاعات و ارتباطات با ورود تلگراف و انتقالات صوتی و کابلی آغاز گردید که امکان ارسال گزارشات دیپلماتیک و مبادله دستورالعمل مذاکرات را فراهم آورد و بطور فزاینده ای سفر را به پایتخت های کشورشان مرتبط و بطوریکه جنبه استقلال دیپلمات ها را در خارج از کشور کاهش داد. ولی تلگراف و بخصوص کابلهای زیر دریایی بسیار گران و در بسیاری از جنبه ها مرموز بود پیام های ارسالی بسیار مختصر بود و در دو سطح کدگذاری می شد لذا شغل و موقعیت دروازه بانان داخلی (دیپلمات) حفظ می شد. در قرن حاضر با اختراع دهها هزار وسیله تکنولوژیک بطور مداوم تعاریف مربوط به نقش و وظایف دیپلمات تغییر می یابد.⁴²

خلاصه

در بخش چارچوب نظری به تفصیل شرایط بین المللی پیش رو و دیپلماسی مناسب آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت که بر آن اساس تا آینده ای قابل پیش‌بینی شکل‌بندی دستگاه‌های سیاست خارجی کشورها، علیرغم تحولات بین‌المللی و دگرگونی‌های مورد اشاره در این بخش، بصورت فعلی باقی خواهند ماند. ولی در تغییرات درونی سفارتخانه‌ها به سوی دیجیتال شدن هرچه بیشتر ارتباطات دیپلماتیک و گسترش و تنوع نقش و وظیفه دیپلمات‌ها تردیدی نمی‌توان داشت. سفارتخانه‌ها رفته رفته کوچکتر، شفاف‌تر و کارا‌تر خواهند شد، هرچند بنا به پیش‌بینی‌های انجام شده شیوه‌های فعلی در دیپلماسی محو نخواهند شد. سفرها با هم‌تاهای خود ملاقات خواهند کرد و تشخیص خواهند داد که کدامیک مفید و کدام بی‌اثر هستند. آنها به وزارت خارجه فرا خوانده شده و مورد سرزنش یا اخطار قرار خواهند گرفت. آنها مراقب خواهند بود که برای گذرنامه‌های گمشده المثنی صادر شود، روی عدم تعادلها در روابط دو جانبه کار خواهند کرد، وزارت خارجه به طور روزانه در جریان امور قرار خواهد گرفت. اما بالاتر از همه اینها، سفرها درگیر دیپلماسی عمومی و دیجیتال خواهند شد.

منابع و یادداشت فصل ششم:

¹ Jonathan H. Spalter, Kevin Moran. "Toward a New Digital Diplomacy: Information Technology and U.S. Foreign Policy in the 21st Century United States Advisory Commission on Public Diplomacy November 1996.

² Howard Cincotta, "Post-Modern Diplomacy and the New Media". IMP Magazine Information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

³ Wilson Dizard, Jr. "Digital Diplomats" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

⁴ David Ronfeldt and John Arquilla, "What If There is a Revolution in Diplomatic Affairs?" U.S. Institute of Peace, *Virtual Diplomacy Series*, no. 4 (February 2000).

⁵ Michael Crowley and others, . "On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies Publications, Washington DC November 16, 2001 .

⁶ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001 ISSN 1523-4541.

⁷ Dietrich Kappeler, " Websites as Instruments of Diplomacy", Second International Conference on Web Management in Diplomacy ,January 2002.

⁸ Michael Crowley and others, . " , OnBeing a Diplomat in theInformation Age", Center for Strategic and International Studies, Publications, Washington DC. November 16, 2001.

⁹ The Stockholm "BULLETEN" . February 2003 ,vol 2 –po box 26233 -

¹⁰ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

11- منبع: روزنامه های " داگنز نیهر" و " سونسکاداگلادت " چاپ استکهلم، 19 آوریل 2003 ص 9، روزنامه داگنز نیهر، 7 ژوئن 2003، ص 13.

¹² Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541.

¹³ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC (February 2000).

¹⁴ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

¹⁵ Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18, 1996.

¹⁶ Michael Crowley and others, "Publications, On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies, Washington DC Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18

¹⁷ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493 Michael Crowley and others, "Publications, On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies, Washington DC.

¹⁸ Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541. 18 Wilson Dizard, Jr. "Digital Diplomats" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

¹⁹ Wilson Dizard, Jr. "Digital Diplomats" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

²⁰ Michael Crowley and others, "Publications, On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies, Washington DC November 16, 2001.

²¹ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

²² David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC. (February 2000).

²³ Jonathan Spalter, "Digital Diplomacy: U.S. Foreign Policy in the Information Age" United States Information Agency, INET '99, San Jose, California.

²⁴ Jonathan Spalter, "Digital Diplomacy: U.S. Foreign Policy in the Information Age" United States Information Agency, INET '99, San Jose, California November 1996.

²⁵ The Web as a Pedestal for Negotiation and International Mediation: Criteria and Critique", Second International Conference on Web Management in Diplomacy.

²⁶ Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18, 1996.

²⁷ Ibid. pp1-6.

²⁸ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

²⁹ Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18, 1996.

³⁰ David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC. (February 2000).

³¹ Steven Livingston, "Diplomacy and Remote Sensing Technology: Changing the Nature of Debate". George Washington University, Washington D.C. 7/2001.

³² Henry E. Catto Jr. "The End of Diplomacy?" IMP Magazines information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

³³ Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541

³⁴ Steven Livingston, "Diplomacy and Remote Sensing Technology: Changing the Nature of Debate". George Washington University, Washington D.C.

³⁵ Steven Livingston, "Diplomacy and Remote Sensing Technology: Changing the Nature of Debate". George Washington University, Washington D.C.

³⁶ Henry E. Catto Jr. "The End of Diplomacy?" IMP Magazines information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

³⁷ 37 Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541

³⁸ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493

³⁹ Stephanie Smith Kinney, "The Culture of Diplomacy in 2015: What Kind of Service Will We Cultivate?" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-

⁴⁰ Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 pages 28-44. ISSN 1311-1493.

⁴¹ Howard Cincotta, "Post-Modern Diplomacy and the New Media". IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.

⁴² Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541.

⁴³ Ibid

فصل هفتم ضرورت دیپلماسی دیجیتال

فارغ از مباحث نظری در رد یا قبول دیپلماسی دیجیتال، ضرورت های اجتناب ناپذیر تکنولوژیک، مسئولین و برنامه ریزان سیاست خارجی را در سرتاسر جهان، بسوی فراهم آوردن زیرساخت های دیجیتالی هدایت می نماید. امروزه به سختی می توان وزارت خارجه ای را یافت که سایت اینترنتی و یا حداقل پست الکترونیکی نداشته باشد. چنین ارتباطی برای وزارت خارجه و سفارتخانه ها به معنای گشوده شدن مرزهای متعدد احتیاط آمیزی است که برای حفظ اسرار ایجاد می گردید. اگرچه همچنان این قبیل حفظ و حراست جز طبیعت دستگاه سیاست خارجی است، ولی ورود این فناوری ها، چه با هدف تسریع امور و صرفه جوئی باشد چه به منظور اصلاحات اداری و سازگاری آن با سایر موسسات داخلی و خارجی انجام شود، به خودی خود انتخاب رویکرد دیجیتالی بوده و زمینه ساز ورود وزارت خارجه و سفارتخانه ها به عرصه دیپلماسی دیجیتال است. ضمن آنکه سایر وزارتخانه ها و نهادهای داخلی نیز حتی بدون شنیدن اصطلاح دیپلماسی دیجیتال یا مفاهیمی نظیر آن ناگزیر به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و دیگر لوازم و تجهیزات گردیده اند تا بتوانند در سریع ترین شکل ممکن اطلاعات را جمع آوری، پردازش، توزیع و مجدداً گردآوری نمایند در چنین چرخه ای، وزارت خارجه نیز می بایست ضرورت هائی را مدنظر قرار دهد که فرضیات این تحقیق مطرح نموده است و ذیلاً از نظر خواهد گذشت.

اصلاحات در تشکیلات داخلی

اصلاحات اداری از جمله مباحث بین المللی است که تا قبل از گسترش شبکه جهانی اینترنت موضوعی کاملاً داخلی بشمار می آمد. تشکیلات فربه، ادارات از نفس افتاده و بوروکراسی های پر پیچ و خم، ضمن تحمیل هزینه های سرسام آور با رواج رشوه و فساد اداری، کشورهای فقیر را از فرصت های توسعه ای بین المللی نیز محروم می سازند. به همین دلیل اصلاحات اداری و نوسازی جامعه به عنوان پیش نیاز غیر قابل اجتناب برای دستیابی به توسعه شناخته شده اند. مسیری که کشورهای توسعه یافته آن را در فرصتی مناسب پیموده و سایر کشورها نیز با تقلید از آنها و یا با تأکید بر بومی نمودن آن مدل ها در پی بهینه سازی تشکیلات اداریشان می باشند. لیکن امروز الزامات اقتصادی، اجتماعی و بین المللی که بخشی از آن به پدیده جهانی شدن معروف می باشد، اصلاح سیستم اداری را از موضوع داخلی کشورها که بنا بر سلیقه رهبران آنها تدوین و تنظیم شود خارج ساخته و انطباق تشکیلات اداری و بازنگری آنها را پیش شرط بهره مندی از مزایا و فرصت های جهانی قرار داده است. برای نمونه بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بسیاری از نهادهای بین المللی همکاری ها و کمکهایشان را مشروط به اصلاح سیستم اداری و بازنگری قوانین و مقررات داخلی کشورها نموده اند.

از جمله راه کارهای سریع و قابل اجرا در تمامی کشورهای جهان در زمینه اصلاح ساختار و کارکرد اداری استفاده از دولت الکترونیک است که سریعاً در اغلب کشورها رواج یافته است از مزایای کلی این روش، کارآمد ساختن تشکیلات اداری بر مبنای خدمات سریع، روان

¹ E-governance

و با حداقل هزینه و از همه مهمتر مسؤلیت پذیری و پاسخگوئی به شهروندان است و این امر باعث گردیده است تا اصلاحات اداری کشورها که به خودی خود یک امر داخلی است به واسطه ضرورت های جهانی، جنبه بین المللی یافته و در قالب مفاهیم و موضوعات جهانی از قبیل توسعه، مبارزه با فساد اداری، تامین حقوق فردی، شفافیت و ترویج دموکراسی مورد توجه قرار گیرد. اگرچه دستگاههای سیاست خارجی بنا بر مقتضیات حرفه ای، یعنی ضرورت ارتباطات گسترده داخلی و جهانی و حوزه فعالیت به پراکندگی اقصی نقاط دنیا، همزمان با ورود و توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات، اصلاحات اداری را در تمامی زمینه های مدیریت، تجهیزات، گردش کار و ساختار اداری درون سازمانی و همچنین در ارتباط با سایر دستگاههای اداری کشور و خارج از کشور آغاز نموده اند ولی توسعه در سرتاسر جهان از جمله ضرورت هائی است که وزارت خارجه و سفارت خانه ها در خارج از کشور را ناگزیر به انتخاب رویکرد دیجیتالی می نماید. در همین جا یادآوری این نکته ضروری است که انجام اتوماسیون اداری به معنای دیپلماسی دیجیتال نیست بلکه مقدمه و پیش نیاز اعمال آن است. خوشبختانه وزارت خارجه کشور ما نیز از این جریان بدور نبوده و حتی با ایجاد یک اداره کل تلاش نموده است تا هرچه سریع تر اتوماسیون اداری را در کلیه قسمت ها پیاده نماید. علیرغم اقدامات قابل توجه، در جهت بکارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در وزارت خارجه، کماکان تشکیلات اداری بر ساختار هرمی به اصطلاح با ارتفاع بلند مبتنی است. به عنوان مثال در گردش کار فعلی، هر موردی از کار می بایست حداقل یک بار از نرده بانی هفت پله ای شامل متصدی، ماشین نویس، کارشناس، معاون اداره، رئیس اداره،

مدیرکل و معاون وزیر و نهایتاً مقام وزارت عبور کند. این جریان در حالیست که اولاً ضرورتی به تجدید نظر و اصلاحاتی در مفهوم و متن نباشد و ثانیاً نیازی به دریافت نظرات شاخه های دیگر نبوده و موضوع ارتباطی به نمایندگی های خارج از کشور نداشته باشد. در چنین وضعیتی جریان کار می بایست یک سیر افقی را نیز طی نماید. اگرچه امروزه در پرتو بهره های دیجیتالی، با وجود ساختار سنتی، ملاحظه بخشی از کارها و درج اظهار نظر بر روی آنها از رده های مختلف بطور هم زمان انجام می گیرد و همین امر تا حد زیادی ضمن تسریع انجام امور، باعث تعدیل نیروی انسانی و کاهش بسیاری از هزینه های چاپ و نوشت افزار گردیده است. به بیان دیگر به کارگیری مناسب فناوری ضرورت و ممکن بودن حذف پست های میانی مانند معاون اداره، رییس و معاون مدیر کل و دسترسی همزمان افراد ذیربط به اطلاعات مورد نیاز و همچنین امکان مطلع ساختن سطوح مافوق، را آشکار ساخته است. موضوعی که امروزه مورد تاکید متخصصین بین المللی است. چون با ارتباطات شبکه ای، یک کارشناس می تواند مستقیماً با بالاترین مقام تصمیم گیرنده ارتباط داشته و او را از نظرات خود مطلع نموده و متقابلاً رهنمودها و دستورات را دریافت نماید. این چنین استراتژی برای انجام اصلاحات در وزارت خارجه کشورهای پیشرفته با هدف جایگزینی ساختار سلسله مراتبی سنتی، با یک مدل از مدیریت شبکه ای که با داشتن یک استراتژی فناوری اطلاعات همراه می باشد، در حال انجام است.

از مشکلات دیگر تشکیلات سنتی، مسئله نظارت و بازرسی است که همواره به عنوان یکی از مشکلات اساسی میان رؤسا و کارمندان بشمار می آید. ضمن آنکه اجرای دقیق آن مستلزم بکارگیری نفرات بیشتر و

هزینه زیاد به همراه سوء تفاهات و ناکارآمدی می باشد روشهایی از قبیل استفاده از سالن بزرگ و به اصطلاح ادارات باز و تجهیزاتی چون ماشین کارت زنی و دوربین های مدار بسته به کمک مدیریت آمد تا کار نظارت، قابل قبول تر شود ولی این روشها نیز با مشکلاتی مانند شکاف بیشتر میان کارمندان و مدیران همراه بود و نظارت حالت پلیسی داشت. در حالیکه این مشکلات امروزه با نصب چند رایانه و ایجاد یک شبکه داخلی بر طرف و بخش اعظم کنترل کمی و کیفی بطور مستند و بدون هیچ سوتفاهمی انجام می گیرد.

اثر فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در کاهش هزینه ها، اصلی ترین انگیزه بکارگیری آنهاست. نگارنده شخصاً در مأموریت سوئد آنرا تجربه کرده است. پیش از این برای ارائه خدمات کنسولی فرم های متعدد همراه با توضیحات مبسوط و در ارتباطی حضوری در اختیار مراجعین قرار می گرفت و یا بنا به تقاضای آنان و با قبول هزینه پست، به نشانی شان ارسال می گردید. از سوی دیگر روزانه صدها برگ کاغذ صرف دریافت فاکس متقاضیان می شد. در حالی که از زمان راه اندازی سایت سفارت، و انجام امور و ارتباطات اعم از اداری و بانکی از آن طریق، این هزینه ها به حداقل خود کاهش یافته اند. از سوی دیگر با انجام بسیاری از مکاتبات از طریق شبکه، ارسال و دریافت پستی بسیاری از مراسلات و مطبوعات بین مرکز و نمایندگیها، منسوخ شده یا کاهش چشمگیر یافته است. اگرچه تلگراف، تلفن، و بعدها فاکس در کاهش هزینه ها موثر بود ولی اثرات ارتباطات و اطلاعات از طریق اینترنت و سایت های اختصاصی سازمانهای مختلف و استفاده از امکانات و تجهیزات تکمیلی با گذشته قابل مقایسه نیست. امروزه دیگر تعجببرانگیز نیست وقتی سمینارها و کنفرانسهای بین قاره ای

در بالاترین سطوح به صورت بدون کاغذ و از راه دور برگزار می‌شود. برای نمونه سران کشورهای آسه آن یکی از معاهدات مهم را بطور همزمان ولی هرکدام در دفتر کار خود و با امضاء مجازی از طریق شبکه و با همان قوت و اعتبار امضاء واقعی، امضا نمودند. با بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه لحظه به لحظه آن، کارکنان بسیاری، از سیستم حذف و بسیاری از ساختمان‌هایی که محل کار آنان محسوب می‌شد به اضافه فضاهای بایگانی، کلاسهای توجیهی، محلهای نمایش فیلم و اسلاید و سالنهای متعدد کنفرانس بلا استفاده خواهند ماند. زیرا در آینده نزدیک از طریق یک شبکه مجهز به تجهیزات دیداری و شنیداری دوسویه می‌توان تمامی آن خدمات را ارائه نمود بدون آنکه لازم باشد در یک محل جمعی گرد هم آیند. خلاصه آنکه، تشکیلات وزارت خارجه جهت رفع پاره ای از مشکلات و پاسخ به ضرورت‌هایی اجتناب ناپذیر بسوی فراهم آوردن زیر ساخت‌های دیجیتال که لازمه ایفای نقش به موقع و موثر در درون تشکیلات و ارتباطی مؤثر با سایر نهادهای داخلی و بین‌المللی است رانده می‌شود.

جایگاه داخلی

همانگونه که پیشتر اشاره شد، با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به عرصه روابط بین‌الملل و فراهم آمدن امکان تماس تمامی نهادها و سازمان‌های داخلی با مراکز همپراز خود و مؤسسات بین‌المللی در اقصی نقاط جهان، عملاً وزارت خارجه از مرجع منحصر به فرد مطلع از مسائل خارج از کشور در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور، خارج گردیده است. برای ترمیم این وضعیت و بازیابی جایگاهی مؤثر، وزارت خارجه ناگزیر است تا با اتخاذ تصمیمات تعیین‌کننده، در زمینه بکارگیری تجهیزات پیشرفته، تربیت کادرهای مسلط به مهارت

های نرم افزاری و از همه مهمتر دانش ارتباط و اثرگذاری بر نهادهای بین المللی سریع تر از دیگر وزارت خانه های داخلی، اطلاعات را گردآوری، پردازش و نسبت به آنها اظهار نظر نموده و بتواند نهادهای داخلی و افراد تصمیم گیرنده را متقاعد و در مرتبه بعدی، مشارکت آنها را در همراهی با دستگاه سیاست خارجی جلب نماید.

ارتباطات استاندارد

امروزه حفظ ساختار سنتی دستگاه سیاست خارجی، حتی در بسته ترین نظام های دنیا نیز امری غیر ممکن گردیده است. تماس و ارتباط با سازمان های بین المللی، نهادهای کشور پذیرنده و مؤسسات خصوصی و غیر دولتی در سرتاسر جهان مستلزم برخورداری از سیستم های فنی، نرم افزارهای مشابه و بطور کلی رعایت استانداردهای متداول جهانی است. در چنین وضعیتی دستگاه سیاست خارجی و سفارتخانه ناگزیر به انجام تغییراتی در جهت فراهم آوردن امکان ارتباط مورد انتظار طرف مقابل هستند.

نقش پذیری فزاینده

با اهمیت یافتن افکار عمومی، مخاطبین دیپلمات ها که در گذشته محدود به مقامات دولتی و شخصیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود شاهد ورود چهره های جدید و ذینفوذ در حوزه محل مأموریت و ورود بی وقفه بازیگران مختلف به عرصه بین المللی است. پیامد ورود این بازیگران تاکنون شامل تشکیل سازمان های غیردولتی و مردم نهاد، سازمان های تخصصی بین المللی، اضافه شدن هر روزه موضوع جدیدی به موضوعات دیپلماتیک و موجب افزونی نقش و وظایف دیپلمات ها می گردد. این شرایط جدید، به اضافه گسترش قلمرو قوانین جهانی به درون مرزهای ملی، ضرورت آموزش بی وقفه دیپلمات ها در فراگیری شیوه های کار با سازمان های تازه تأسیس و تسلط بر موضوعات جدید را فراهم می آورد. باین ترتیب نقش دیپلمات ها از متقاعد نمودن مقامات کشور متوقف فیه و اثرگذاری در جهت گسترش روابط دو جانبه بسوی اطلاع رسانی رقابتی و اقناع هم افزائی غیر محدود به مرزهای کشور محل مأموریت، در حال

دیپلماسی دیجیتال / 181

تغییر است. افزون بر این موارد، ظهور رقبای متعدد برای وزارت خارجه و سفارتخانه ها در نتیجه فراهم آمدن امکان تماس کلیه نهادها و سازمان های داخلی و خارجی با یکدیگر، دیپلمات ها می بایست نقش های ناآشنا با سابقه گذشته خودشان را بعهده بگیرند.

رویکرد دیجیتالی

موفقیت دستگاه سیاست خارجی و انجام وظیفه مطلوب و مؤثر سفارت خانه ها با توجه دگرگونی محیط بین المللی، تنوع موضوعات دیپلماتیک، گسترش پهنه فعالیت دیپلمات ها، گونه گونی مخاطبین و ضرورت پاسخگوئی به افکار عمومی در داخل و خارج، مستلزم اتخاذ راه کارهای متناسب با شرایط نوین بین المللی، انتخاب سازوکارهای سازگار با استانداردهای جهانی در هر دو زمینه سخت افزاری و نرم افزاری و برخورداری از دیپلمات های آشنا بر دانش بین المللی و مسلط بر مهارت های نرم افزاری روز و از همه مهمتر دارای بصیرت آینده نگرانه، می باشد. تحقق چنین امری در گروی رویکردهای دیجیتالی با این توضیح است که دیپلماتها ناگزیرند که دائما در جریان آخرین اخبار و تحولات قرار بگیرند، با یک تفاوت اساسی با گذشته و آن اینکه، در وضعیت جدید دیگر فرصتی برای انتظار دریافت خبر از بخش دیگری که دارای چنین وظایفی باشد، وجود ندارد. دیپلمات باید با در اختیار داشتن پیشرفته ترین دستگاه ها در کوتاه ترین زمان ممکن آخرین اخبار و داده ها را مشاهده و آنها را پس از تجزیه و تحلیل و افزودن ملاحظه خود بسوی مقاصد مورد نظر ارسال نماید. با این توضیح، رویکرد دیجیتالی باین معناست که دیپلمات امروز، افزون بر هر آنچه که اسلاف او با آنها سرو کار داشتند با بعد مجازی آنها نیز روبروست، یعنی نیروئی که حاصل ترکیب اطلاعات و تجهیزات الکترونیکی و سرعت می باشد. بدون درک این فضا و بدون در اختیار داشتن تمامی این سه عنصر انجام وظیفه آن چنانکه باید ممکن نیست

نتیجه

در فصول مختلف این کتاب سعی بر این بوده است که با تجزیه و تحلیل مبانی تئوریک و طرح تفصیلی شواهد و قرائن مؤید از یک سو و نقد نظرات مخالفین از سوی دیگر، تا حد ممکن تحولات عرصه روابط بین الملل و تغییرات اجزای مختلف دیپلماسی حاضر مورد بررسی قرار گیرد. به بیان دیگر صحت و سقم فرضیاتی نظیر اینکه در وضعیت جدید جهانی تشکیلات داخلی وزارت خارجه متحول شده و با کاهش سلسله مراتب اداری، تسهیل و تسریع گردش کار، کاهش ادارات و کاهش کارمندان روبرو خواهد بود و جایگاه و نقش آتی وزارت خارجه نسبت به سایر نهادها و دستگاههای داخلی متحول شده و از موضع تنها متخصص و متولی امور خارجی، بسوی تعامل و مشارکت روز افزون با دیگر نهادها و دستگاههای داخلی اعم از دولتی و غیر دولتی به پیش می رود مورد بررسی قرار گیرد، قدر مسلم آنکه کاربرد و شیوه عمل دستگاه سیاست خارجی در عرصه بین المللی جدید، با توجه به وجود نمایندگیهای موازی و تنوع بازیگران تاثیرگذار متحول گردیده و از موضع تنها صاحب رای و اختیار به موضع هماهنگ سازی، نظارت و تسهیل و تلاش در اعمال کنترل در حال تغییر وضعیت می باشد،

امروزه ابزارها و شیوه های جدید ارتباطی و جریان آزاد اطلاعات، ضمن ایجاد تحولاتی در بخشهایی از شرح وظایف سنتی دیپلماتها از جمله گردآوری اخبار و گزارش نویسی، در بخشهای دیگر نیز شیوه عمل را متحول ساخته و ضمناً وظایف جدیدی بر دیپلماتهای هزاره سوم تحمیل می نمایند. این وضعیت هر روز بیش از پیش و در عرصه جهانی قانونمندی سیاست بین المللی را از مدل کم و بیش ایستا با بازیگران مستقل همراه با تمرکز سیاسی در قلمرو معین مبتنی

بر " قدرت سخت" (شامل امکانات نظامی و ژئوپالیتیک) بسوی مدل پویا با بازیگران متعددی که بنا بر شرایط مختلف مبتنی بر "قدرت نرم" (افکار عمومی، قوانین بین المللی، لابی...) اهمیت یافته و تاثیرات تعیین کننده ای می یابند متحول می سازد.

منظور از رویکرد دیجیتالی، و پس از آن دیپلماسی دیجیتال تنها تجهیز دستگاه سیاست خارجی به فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست بلکه اتخاذ روشهای روزآمدی است برای امکان ارتباط با بازیگرانی که از طریق این فناوری ها به حوزه دیپلماسی وارد گردیده اند و اثرگذاری بر آنها جز از طریق جمع آوری، پردازش داده ها و مدیریت توزیع اطلاعات، ممکن نیست. افزون بر آن لزوم تغییر طرز تلقی و نگرش اساسی دست اندر کاران سیاست خارجی، بویژه دیپلماتها، راجع به وضعیت فعلی و آینده نه چندان دور ساختار بین المللی و ارتباطات چندبعدی و چند جهتی حاکم بر آن را هم نباید فراموش کرد.

امروزه جز با توسل به تکنولوژی های پیشرفته و دستیابی به اطلاعات وسیع و دقیق، ابزار ارتباطی روز و اتخاذ روشهای جدید برای اقدام مؤثر، در داخل مرزهای فراتر از محدودیت های سنتی وزارت خارجه، اعمال دیپلماسی تعیین کننده، ممکن نیست. بسیاری از کشورها نخستین گامها را برای ورود به این دنیای جدید برداشته اند. در این شرایط درک محیط بین المللی نیازمند آن است که به این عرصه از منظری آینده نگر توجه شود. امروزه یکی از ویژگی های بارز مؤلفه ها در روابط بین المللی، ناپایداری نظم ها و قانونمندی هاست.

افزایش مداوم بازیگران در صحنه بین الملل که شامل طیف وسیعی از نمایندگان سازمانها و نهادهای داخلی تا افراد و

گروهها در کشور میزبان و هویت های متعدد جهانی می شوند، هر روزه تعاملات میان کشورها را پیچیده تر و وظایف دیپلمات ها را متنوع تر می نمایند. به بیان دیگر، دیپلمات ها، افزون بر حفظ نقش واسطه میان دو کشور و تعقیب منافع ملی در کشور میزبان، می بایست خود را برای فعالیت در یک دنیای مجازی بشدت تأثیرگذار، نامحدود و سریع و العمل آماده نمایند. در شرایط فعلی، تامین منافع ملی بدون توجه به موضوعات بین المللی مانند مسائل زیست محیطی، اقتصاد جهانی، مهاجرت، تروریسم، قاچاق انسان و پدیده های از این قبیل تقریباً غیر ممکن شده است. سرعت اتفاقات به حدی است که دولت ها فرصت مطالعه و بررسی دقیق را در اختیار ندارند و به محض حل و فصل یک مساله، مشکل دیگری پیش روی آنها قرار داده می شود.

صرفه جوئی و انطباق با شرایط اقتصادی کشور از جمله ملاحظات حیاتی وزارتخارج به شمار می آیند تحقق این امر و در عین حال برخورداری از سیاست خارجی اثرگذار در صحنه بین المللی و ارائه خدمات کنسولی بدون بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات ممکن نخواهد بود.

حفظ جایگاه وزارتخارج به عنوان فیلتری مابین نهادهای داخلی و خارج از کشور با هدف هدایت مناسبات و ارتباطات بسوی دوام و قوام منافع ملی در گروی برقراری ارتباطات شبکه میان آنها، وزارتخارج و سفارتخانه ها به جهت استفاده از دیپلماسی دیجیتال است.

از آنجائیکه از مشخصات بارز تحولات روابط بین المللی جاری، پایان روابط تقریباً پایدار دوران جنگ سرد، انفجار اطلاعات، سرعت شتابان نقل و انتقال داده ها و بطور کلی جابجائی اغلب مولفه های محیط بین المللی بدون محدودیت مکان است، لذا به

منظور تحدید موضوع مطالعه، در این کتاب بررسی‌ها بر روی یکی از روشهای مطرح در دیپلماسی که تصور می‌رود راهکاری برای پاسخگویی به مقتضیات و مناسبات دو جانبه، چندجانبه و چندین جانبه باشد یعنی دیپلماسی دیجیتال متمرکز گردید. که چگونگی کارکرد آن با هر یک از تحولات روابط بین‌المللی و دستگاه سیاست خارجی در بخشهای مختلف این تحقیق به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت، اما نکته حایز اهمیت آن است که هر چند در سال‌های اخیر این موضوع از سوی اغلب وزارت خارجه‌ها و مراکز مطالعات بین‌المللی در جهان، از جمله دانشکده روابط بین‌الملل کشورمان مورد استقبال قرار گرفته و مقالات متعددی نیز در تائید ضرورت بکارگیری آن منتشر شده و می‌شود ولی بدلیل تازگی موضوع و دلایل دیگری که ذیلاً اشاره خواهد شد کماکان با تردیدهایی روبروست.

از آنجائیکه مبتکر این اصطلاح دیپلمات سابق وزارت امورخارجه آمریکا است و اکثریت طرفداران این دیپلماسی، چه در محافل دانشگاهی و تحقیقاتی و چه در قسمت اجرایی، آمریکائی می‌باشند و از سوئی ایالت متحده آمریکا با فاصله زیادی از دیگر کشورها اولین تولیدکننده سخت افزار و نرم افزار دیجیتال است و نتایج شگفت‌انگیزی از دیپلماسی دیجیتال و عمومی در ارتباط با گسترش فرهنگ القاء دیدگاه‌ها و توجیه سیاست‌های خود در اقصی نقاط جهان بدست آورده است و بر توسعه و گسترش آن از سوی کشورهای دیگر اصرار دارد، بسیار طبیعی است که به دیپلماسی دیجیتال به دیده تردید نگریسته شود. از جمله تردیدهای اساسی در این باره معطوف به توانمندی آمریکا در دانش، تولید، فروش و از همه مهمتر کنترل مبادله اطلاعات در سرتاسر جهان است. به

بیان دیگر این نگرانی وجود دارد که با اتخاذ این دیپلماسی از سوی کشورها زمینه سلطه امریکا بر مناسبات جهانی بیش از پیش فراهم گردد.

در پاسخ به ایرادات یاد شده باید گفت همانگونه که در مباحث نظری نیز بیان شد محیط بین المللی حال و آینده ترکیبی است از محیط بین المللی گذشته به اضافه پدیده های نوپهوری که ایجاب می نمایند تا رویگردهای جدید از جمله دیپلماسی دیجیتال که مکملی است بر دیپلماسی سنتی مورد استناد و استفاده قرار گیرند با این اطمینان که آنچه توسط دیپلماسی سنتی در جهت بقاء در صحنه هرج و مرج بین المللی و همچنین مقابله با تهاجمات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی قدرت ها میسر بود با اتخاذ دیپلماسی دیجیتال به طریق اولی امکان پذیر خواهد بود. تجهیزات ارتباطی امروز اغلب نهادها و سازمان ها، در داخل و خارج مبتنی بر فناوری های روز ارتباطات است و لازمه ارتباط به موقع و روزآمد با آنها برخورداری از زیرساخت های دیجیتال و اعمال روشهای دیپلماسی سازگار با آن فناوری می باشد. از سوی دیگر لزوم رعایت شفافیت و ضرورت صرفه جوئی در ادارات، فعالیت دیپلمات ها را بدون استفاده از دیپلماسی دیجیتال غیر ممکن می سازد.

نکته دیگر فراهم آمدن فرصتی هرچند محدود برای برای کشورهای کوچکتر به منظور مقابله و یا انجام اقداماتی ابتکاری از طریق دیپلماسی دیجیتال در مقایسه با دیپلماسی عمومی است. تا قبل از گسترش اینترنت امریکا با برخورداری از قدرت فرستندگی بالای رسانه ای، کلیه جهان را تحت بارش بی امان تبلیغات و توجیه اقدامات خود داشت، در حالیکه برد دیپلماسی سایر کشورها، از ناحیه چند کشور هم جوار فراتر نمی رفت. لیکن دیپلماسی دیجیتال

جریانی است نه تنها دو طرفه بلکه چندین جانبه که هرچند نابرابر ولی نه تنها امکان مقابله را فراهم می آورد بلکه حتی امکان سازماندهی و هدایت بعضی از جریانات، اصناف و گروه های ذینفع را نیز ممکن می گرداند. برای چنین کاری نیاز به امکانات و تجهیزات چندانی نیست. گذشته از آن، آغاز دیپلماسی دیجیتال فرصتی است برای آموزش و قادرسازی دیپلمات ها برای ورود موثر و تخصصی به عرصه فعالیت های جدید دیپلماتیک. ضمن آنکه موفقیت دیپلمات ها در شرایط فعلی برای جذب کمک های سازمان های بین المللی و سرمایه گذاری خارجی در گرو ورود به دیپلماسی دیجیتال است. چون باید بتواند اطلاعاتی را از داخل و خارج جمع آوری، پردازش و برای تاثیرگذاری به افراد و سازمان های متعدد موثر در تصمیمات ارسال و آنان را متقاعد نماید. غفلت از این واقعیت ها و عدم آمادگی برای ورود به شرایطی که محققین دانش اجتماعی برای دهه های آتی پیش بینی می نماید، جز ناکارآمدی دستگاه دیپلماسی حاصل دیگری نخواهد داشت. حضور مؤثر دیپلماسی در محیط جدید بین المللی مستلزم انطباق سازوکارها، تشکیلات، ساختار و رویکرد دستگاه سیاست خارجی با تحولات و تغییرات سریع جهانی در هزاره سوم است. دیگر اینکه تحولات سریع بین المللی، تزاید و تنوع مداوم موضوعات، افزایش گسترده بازیگران جدید با امکان دخالت در سیاست خارجی و سهولت تماس نهادهای داخلی با نهادهای مشابه و همچنین نهادهای بین المللی در خارج از کشور، شرایط و مقتضیات از ارتباطات را فراهم آورده اند که ساختار سنتی وزارتخارجه از ظرفیت لازم برای ایفای نقش موثر برخوردار نخواهد بود. دیپلماسی دیجیتال بعنوان نمونه دیپلماسی موثر در هزاره سوم با اتکا به

مدیریت آگاهی، مدیریت پایگاه‌های اطلاعاتی، گزارش‌دهی چند رسانه‌ای، ویدئو کنفرانس‌های چند جانبه و همکاری‌های جهانی از طریق اینترنت مدلی است که پاسخگوی نیازهای عصر جدید می‌باشد. از آنجایی که محیط بین‌الملل در پرتو اثرات بی‌سابقه و شگفت‌انگیز فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاعات دچار تحولات زیربنایی شده است، دیگر دیپلماسی کلاسیک مبتنی بر سیاست واقعی و قدرت سخت در آن کافی نبوده و ورود سیاست‌های جدیدی موسوم به "سیاست دانشمدار" به عرصه روابط جهانی، الزاماً بکارگیری دیپلماسی دیجیتال مبتنی بر قدرت نرم را در این محیط جدید به دنبال خواهد داشت.

پیشنهادهای

آگاهی وزارت خارجه و موسسات مطالعاتی وابسته به آن از مباحث و روشهای اجرایی نوین مرتبط با دیپلماسی پیش‌نیاز تدوین و اجرای سیاست خارجی متناسب با زمان است. بررسی‌های این پژوهش نیز با هدف مطالعه تحولات و نوآوری‌های دیپلماسی معاصر و حتی دیپلماسی دهه‌های آتی انجام یافته است. با توجه به یافته‌های و نتایج حاصله پیشنهاد هائی جهت بهینه‌سازی وزارت خارجه و ارتقای کیفیت کارسفارتخانه‌ها به منظور ایفای دیپلماسی مؤثر ارائه می‌گردد.

✓تشکیل گروه مطالعاتی برای انجام تحقیقات بیشتر و برگزاری کارگاههای آموزشی درباره دیپلماسی دیجیتال از سوی دفتر مطالعات و دانشکده روابط بین‌الملل. حتی اگر این عنوان نیز مورد تردید باشد در روند تحولات روش‌ها و فعالیت‌های دیپلماتیک در جهت رویکردهای دیجیتال تردیدی نیست. بدلیل پیشرفت برق‌آسای علوم و فنون

و افزایش روزانه تکنیک ها و برنامه های نرم افزاری، دیگر نه تنها به آموزشهای دانشگاهی و دوره های توجیهی ورود به کار نمی توان بسنده کرد بلکه آموزشهای حین خدمت نیز کافی نخواهند بود. بر طبق آخرین آمارها بیش از 25% از بزرگسالان یعنی شهروندان تحصیل کرده در کشورهای صنعتی فاقد مهارتهای پایه ای مورد نیاز برای ارائه عملکرد مناسب به عنوان نیروی کار هستند. آموزش در شرایط فعلی خصوصا برای دیپلمات ها که با جهان خارج و کشورهای پیشرفته تری در ارتباط می باشند می بایست یک جریان بی وقفه و در عین حال خود اجبار باشد. به این مفهوم که دیپلمات ها برای ارتباط موثر با مخاطبین و افرادی که لازم است با آنها تماس بگیرند ناچارند که دائما برنامه های کامپیوتر خود را بروز نمایند و مفاهیم جدیدی را که با هر سمینار بین المللی و یا تدوین و تنظیم معاهدات و کنوانسیون ها خلق می شوند بیاموزند و از قوانین و مقررات جدید جهانی مطلع شود. امروزه قدرت نفوذ و قابلیت دیپلمات ها و سایر کارکنان مرتبط با روابط بین الملل به طور رو به تزایدی وابسته به این است که آنها تا چه حد می توانند متخصصین علوم و فنون را در کارهای خودشان فعال نمایند. منفعت اساسی در این خصوص می تواند از مرتبط ساختن علم و تجربه با برنامه های کشور متبوع حاصل شود.

✓برگزاری سمینار و کارگاه های آموزشی به منظور مطلع ساختن عموم از تحولات عرصه روابط بین الملل و دیپلماسی دیجیتال. این آموزش ها می تواند افراد مستعد

جامعه را برای ورود به صحنه دیپلماسی، از طریق تشکیل سازمان های دولتی و حتی شخصیت های منفرد آماده نموده و یا حداقل از مقاومت های مبتنی بر نا آگاهی بکاهد و همچنین مشارکت سازمان های داخلی مرتبط با سیاست خارجی را جلب و عدم همکاری های آنان را کاهش داد. این آموزش ها در داخل وزارت خارجه نیز باعث آگاهی و انگیزه مطالعات جدیدتری در همین ارتباط خواهد شد. مدیرکل اطلاعات و تکنولوژی در وزارت خارجه کانادا می گوید: هدف نهایی ما داشتن یک وزارت خارجه و تجارت مبتنی بر اطلاعات «هوشمندانه» است. در جهانی که منابع آن رو به تحلیل است هوشمندی به معنای تدارک کاملاً مطابق با زمان و مکان و نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به منظور دستیابی به اهداف حساس در سیاست خارجی در چارچوب منابع موجود، می باشد. بدیهی است برای ورود به چنین جهان پیچیده و به سرعت متغیری باید آمادگی برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختار و اجرای فعلی دیپلماسی را ایجاد نمود.

✓ آموزش های حین خدمت دیپلمات ها و سایر کارکنان به منظور آگاهی و کارآمدی لازم برای ورود باین صحنه. امروزه منافع ملی مفهومی است که دائماً باید باز تعریف شود. چون حفظ منافع ملی و دستیابی به فرصتهایی به منظور تامین آن منافع، مستلزم اطلاع و آگاهی از جزئیاتی است که بدون آنها امکان گزارش موضوع به مرکز ممکن نیست. برای نمونه می توان به پیشرفت و توسعه در بیوتکنولوژی و ژنتیک و امثال آنها که هر کدام قادرند بسیاری از مشکلات زیست محیطی، گرسنگی، یا

بیماریهای واگیر دار را در جهان سوم و آفریقا حل و فصل نماید و یا امکانات تجارت الکترونیک که این کشورها را وارد بازار جهانی می کند، اشاره نمود. در صورت بی اطلاعی سفرا و دیپلماتها از این تحولات، آنان همچنان فقط در چرخه سنتی، در باب گسترش روابط دو جانبه، محدود باقی خواهند ماند. در همین ارتباط سازمان انکتاد با درک مشکل عدم توانمندی دیپلماتها در انجام مذاکرات موثر و عدم توفیق در امضا قراردادهای و یادداشت تفاهات و همچنین تردید و تزلزل سیاست سازان کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در اتخاذ تصمیمات مناسب در این باره، اقدام به برگزاری دوره هایی با عنوان «دیپلماسی تکنولوژی» نمود. این ابتکار بر طبق قطعنامه اول می 2001 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل اکوسوک و متعاقب توصیه های کمیسیون توسعه علوم و تکنولوژی انکتاد اتخاذ شد. هدف دیپلماسی های جدید عبارتست از ظرفیت سازی در کشورهای در حال توسعه، با تاکید بر موضوعات مرتبط با نقش علم و تکنولوژی در دیپلماسی بین المللی. این اطلاعات که بسیار نیز عمومی می باشند تازه مقدمه ای خواهند بود برای دیپلمات های متخصص در موضوعات مختلف. توجه به سیر تحولات و راه طولانی که دیپلماسی برای پذیرش تکنولوژی در کار خود طی کرده است راه دشوار آینده را هموارتر خواهد ساخت. «در دوران رنسانس نقش سفیر چیزی نبود مگر حفظ افتخار اعلیحضرت در دربار خارجی بدون هیچگونه کمک مگر زیرکی، شجاعت، فصاحت و بیان خوش. تکنولوژی در آن زمان صرفاً محدود می شد به مداد

ذغالی و کاغذ. اگرچه بعدها نیز بطور سنتی دیپلمات ها همواره نسبت به تکنولوژی های جدید بدبین بودند. ✓ بازنگری ارتباط وزات خارجه و سفارتخانه ها، با دیگر سازمان های داخلی با هدف روان سازی گردش اطلاعات به هنگام استعلام ها و ضرورت فعالیت آنها. امروز نیز همین اتفاق در اغلب دستگاه های دیپلماسی جهان در حال روی دادن است. وحشت از تکنولوژیهای جدید اطلاعات و ارتباطات، عدم آشنایی با نحوه کنترل و اداره و استفاده صحیح و به موقع از آن ها اصرار در اتکاء بیش از حد به روشهای سنتی در مذاکره و گزارش دهی و عدم آشنایی با تحولات جدید یا آموزش نمایندگان دستگاه دیپلماسی کشورها در باره روشهای جدید، رویه غالب و حاکم بر بسیاری از دستگاههای دیپلماسی دنیاست. آقای هنری کاتو در سخنرانی خود تحت عنوان «پایان دیپلماسی» که در آن به تحولات جدید در روشهای کار دیپلمات ها و اتفاقات جدید در روابط میان کشورها پرداخته است می گوید: سفرای پشت میز نشین سفرای بدی خواهند بود. آنها باید زبان بین المللی را خوب بدانند، به گوشه و کنار کشور میزبان سفر کنند. مانند سفیر آمریکا در انگلیس آقای فیلیپ لودر که با پیاده روی در خیابانهای این کشور و ایجاد ارتباط چهره به چهره با مردم، اعمال دیپلماسی مردم با مردم را در غیر عادی ترین و در عین حال موثرترین راه به نمایش گذارد. حقیقت آنست که دیپلماسی سال 2015 با امروز تفاوت خواهد داشت و چهره فعالین آن نیز متفاوت خواهد بود. مهارت های جدیدی

توسعه خواهند یافت و روشهای جدیدی بوجود خواهند آمد.

✓ اصلاح تشکیلات و گردش کار در وزارت امور خارجه و سفارت خانه ها به منظور استفاده از دیپلماسی دیجیتال بدون خدشه دار شدن دیپلماسی سنتی. اما در زمینه مبحث تجهیزات باید توجه داشت که درک جایگاه و نقش فن آوری و دانش بکارگیری آن باید نسبت به صرف بودجه و خرید تجهیزات از اولویت بیشتری برخوردار باشد. به عنوان مثال در مورد کشور ما که از قدرت خرید بالایی برخوردار است قرار داشتن یک کامپیوتر- که متاسفانه اکثرا فقط در حد بازدید از یکی دو سایت خبری و یا استفاده از یک برنامه خاص، مورد استفاده قرار می گیرد و بازده دیگری ندارد - روی اکثر میزها، امر رایجی است. حال آنکه تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات و الزامات مربوط به کاربردهای داخلی آنها، نیازمند درک واقعی روند تحولات جهانی است. نکته دیگر لزوم آگاهی های جمعی نسبت به ضرورت سازگاری سیستم های داخلی با سیستم جهانی به منظور تسریع و تسهیل ارتباطات، بهبود فرایندهای تساوی دسترسی به آگاهی و اطلاعات و توانمندسازی جوامع در بکارگیری و مدیریت تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات می باشد.

✓ آ خرین پیشنهاد تهیه و تنظیم یک برنامه نرم افزاری بر مشاهده و کنترل چگونگی انطباق و پیشرفت اعضای وزارتخارجه در زمینه دیپلماسی دیجیتال است .

ديپلماسي ديڄيٽالي / 195

مؤخره

در زمان انجام این پژوهش به اکثریت قریب به اتفاق منابع رجوع و با دقت مطالعه شد. با این حال بعزت محدودیت منابع بدلیل آنکه فقط دو جلد کتاب یکی با عنوان دیپلماسی دیجیتال و کتاب دیگر مرتبط با موضوع پژوهش با عنوان دیپلماسی سایر منتشر گردیده است. در نتیجه اکثریت مراجعات این پژوهش بر مطالعه و بررسی مقالات و سخنرانی‌ها متمرکز گردیده است. عدم دسترسی به اساتید دارای تجربه مطالعاتی و تدریس در موضوعات مرتبط با دیپلماسی دیجیتال. حتی به هنگام ارجاع موضوع از سوی اداره آموزش به یکی از اساتید وی در نهایت صداقت که شایسته مقام استادی او بود، عدم تسلط به موضوع را اعلام نمود.

بعنوان کلام آخر لازم می‌دانم مطلبی را که بارها در مباحث مختلف این کتاب به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره نموده‌ام بار دیگر مورد تاکید قرار دهم و آن عدم اصرار بر استفاده از اصطلاح دیپلماسی دیجیتال در مقابل اصرار بر توجه به ظهور یک فضای معرفتی جدید در حال گسترش فراروی دیپلماتهاست که ممکن است با توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات اصطلاحات مناسبی برای آن انتخاب گردد. اینک با نقل مطلبی در تایید این روند که در آخرین مراحل چاپ و تصحیح این کتاب با آن برخورد نمودم سخن خود را به پایان می‌برم.

رییس گوگل: قدرت اینترنت جهان سیاست را از خود متاثر خواهد کرد، ایرنا

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی 85/7/12

رییس شرکت گوگل اعلام کرد تا پنج سال دیگر امکاناتی در اینترنت موجود خواهد بود که کاربران می‌توانند با استفاده از آن صحت گفتار سیاستمداران را در کمترین زمان ممکن مشخص کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، «اریک

دیپلماسی دیجیتال / 197

اشمیت» رییس بزرگترین موتور جستجوی اینترنت اعلام کرد اینترنت در آینده تأثیر بسیار زیادی در نتایج انتخاباتها خواهد داشت. وی در بازدید هفته اخیر از کشور انگلیس و دیدار با «تونی بلر» نخست وزیر این کشور پیش بینی کرد تا پنج سال دیگر نرم افزار «پیش بینی حقایق» تولید خواهد شد که کاربران می توانند از آن برای سنجش گفتار سیاستمداران استفاده کنند.

«اشمیت» بیان داشت که با استفاده از این قبیل نرم افزارها و با تکیه بر اینترنت کاربران قادر خواهند بود گفتار سیاستمداران را با حقایق تاریخی مقایسه کنند و صحت سخنان آنان را بسنجند. وی به سیاستمداران هشدار داد که رأی دهندگان همان کاربران اینترنت هستند که به منابع اطلاعاتی عظیمی دسترسی دارند و شرکتهایی نظیر «گوگل» آنها را در یافتن اطلاعات مورد نظرشان یاری می کنند. «اشمیت» در دیدار خود از انگلیس در همایش سالیانه حزب محافظه کار مخالف دولت انگلیس سخنرانی کرد. وی همچنین در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» اظهار داشت بسیاری از سیاستمداران هنوز به درستی با پدیده اینترنت آشنا نشده اند و معمولاً از طریق فرزندان و یا همکاران خود در مورد اینترنت اطلاعات کسب می کنند. به عقیده رییس «گوگل»، هم اکنون افراد عادی جامعه می توانند با کمک اینترنت، سیاستمداران، رسانه ها و قدرتهای تجاری را بازخواست کنند. «اشمیت» اظهار داشت اینترنت سد میان مردم و اطلاعات را شکسته و سبب دسترسی دموکراتیک انسان به دانش و اطلاعات شده که این امر سبب افزایش تک تک افراد گشته است.

کتابنامه

1. Andrew J. Bacevich, "American Empire, The Realities & Consequences of U.S. Diplomacy" ISBN 0-674-00940-1
2. Barry Fulton, "The Digital Diplomat", Conference on Information Technology and the Practice of Diplomacy. The Elliot School of International Affairs at George Washington University and the American Academy of Diplomacy .April 20, 2001.
3. Björn Hettne and Bertil Odén, "Global Governance in the 21st Century: Alternative Perspectives on World Order" ISBN 91-22-01975-8.
4. Brian Hocking, "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies". IMP Magazine information impacts, July 2001 ISSN 1523-4541.
5. Bruce Schechter, Featured Concept "Digital disc diplomacy". Think research, your Window on IBM Innovation." Science and Technology Diplomacy Initiative" Contact.
6. Bryant Jordan, "Net diplomacy", October 30, 2000, website: www.fcw.com.
7. Chris Brown. "Understanding International Relations" Second Edition Revised and Updated, ISBN 0-333-94849-1.
8. Clare O'Farrell, personal communication, April 2001, "Appropriation (of Information And Communication Technologies or ICTs) meaning: people adapting the technology to fit their needs. It is more likely that they adapted their lifestyle to fit the technology".
9. Cynthia Weber, "International Relations Theory A Critical Introduction" , ISBN 0-415-24974-0.
10. David Bollier, "The Rise of Netpolitik" How the Internet Is Changing International Politics and Diplomacy. Report of the Eleventh Annual Aspen Institute Roundtable on Information Technology.

ديپلماسی دیجیتالی / 199

11. David Ronfeldt and John Arquilla, "What If There is a Revolution in Diplomatic Affairs?" U.S. Institute of Peace, *Virtual Diplomacy Series*, no. 4 (February 2000).
12. David Ronfeldt and John Arquilla, "What if there is a Revolution in Diplomatic Affairs?", United States Institute of Peace, Washington DC.
13. David B. Sandalow, "Digital Diplomacy", Imagery provides the promise of powerful perception for global policymakers. U.S. Department of State, Washington, D.C.
14. Dietrich Kappeler, "Websites as Instruments of Diplomacy", Second International Conference on Web Management in Diplomacy.
15. Donna Marie Oglesby, "Dog Food, Diapers, Diplomacy", St. Petersburg West Rotary 19 February 2003.
16. Gordon Smith, "Cyber-Diplomacy", Speaking Notes for Mr. Gordon Smith, Deputy Minister Foreign Affairs and International Trade to the Technology in Government Forum, Ottawa, Ontario, September 18, 1996.
17. Henry E. Catto Jr. "The End of Diplomacy?" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.
18. Henry Kissinger, "Does America Need a Foreign Policy? Toward Diplomacy for the 21st Century", ISBN 0-684-85567-4.
19. Howard Cincotta, "Post-Modern Diplomacy and the New Information Media". IMP Magazine impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.
20. Jean-Marie Guehenno, "The Topology of Sovereignty", Virtual Diplomacy Conference, April 1 1997. United States Institute of Peace, Washington DC Jody K. Olsen, Norman J. Peterson, "International Educational Exchange in the Information Age".
21. Jeffrey R. Cooper, "Diplomacy in the Information Age: Implications for Content and Conduct". IMP Magazine information impacts, July 23, 2001. ISSN 1523-4541.

22. Geoffrey Stern, "The Structure of International Society, an Introduction to the Study Of International Relations" ISBN1-85567-276-6.
23. "Jonathan H. Spalter, Kevin Moran. "Toward a New Digital Diplomacy: Information Technology and U.S. Foreign Policy in the 21st Century United States Advisory Commission on Public Diplomacy November 1996 www.accenture.com.
24. Jonathan Spalter" Digital Diplomacy" U.S. Foreign Policy in the Information Age" United States Information Agency, INET '99 San Jose, California.
25. Jovan Kurbalija "Using the Internet to Train Diplomats", the Diploedu Project. Mediterranean Academy of Diplomatic Studies.
26. Michael Crowley and others, "On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies Publications, Washington DC November 16, 2001.
27. Mark Weiser, "Virtual Tools for Real Diplomacy". Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington, DC.
28. Moises Naim, "Digital Diplomacy" www.ceip.org/files/Publications/DigitalDiplomacy.
29. Michael Crowley and others, "On Being a Diplomat in the Information Age", Center for Strategic and International Studies, Publications, Washington DC. November 16, 2001.
30. Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Diffusion of Diplomacy". iMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.
31. Steven Livingston, "Diplomacy and Remote Sensing Technology: Changing the Nature of Debate". George Washington University, Washington D.C.7/2001.
32. Stephanie Smith Kinney, "The Culture of Diplomacy in 2015: What Kind of Service Will We Cultivate?" iMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-

ديپلماسی دیجیتالی / 201

33. Sheryl J. Brown and Margarita S. Studemeister, "Virtual Diplomacy: Rethinking Foreign Policy Practice in the Information Age", Information Security. Volume 7, 2001 ISSN 1311-1493.
34. Timothy W. Luke , "Nationality and Sovereignty in the New World Order". Presented To the Communications Technologies Seminar Series, sponsored by the Telecommunications Users Association of the New Zealand Academy for the Humanities, and Victoria University of Wellington, March 21,1996.
35. Walter B. Wriston, "Bits, Bytes, and Diplomacy" Virtual Diplomacy Conference, United States Institute of Peace, Washington DC.
36. Wilson Dizard, Jr. "Digital Diplomacy, U.S. Foreign Policy in the Information Age ISBN 05-97228-3.
37. Wilson Dizard, Jr. "Digital Diplomats" IMP Magazine information impacts, July 2001. ISSN 1523-4541.